

فَانَّ مَعَ الْعَسْرِ نَسْرًا
دردا خدا بسوی تحمل مصائب و سختیها
بِقَلْبِي نَسَا دَوَابًا مَفْصَا

راهمچاهد

انقلابی نظام
● الجزائر سرزمین صبر و
قیام

● بحران ور کود امریکا

● چرا نشریات اسمی از

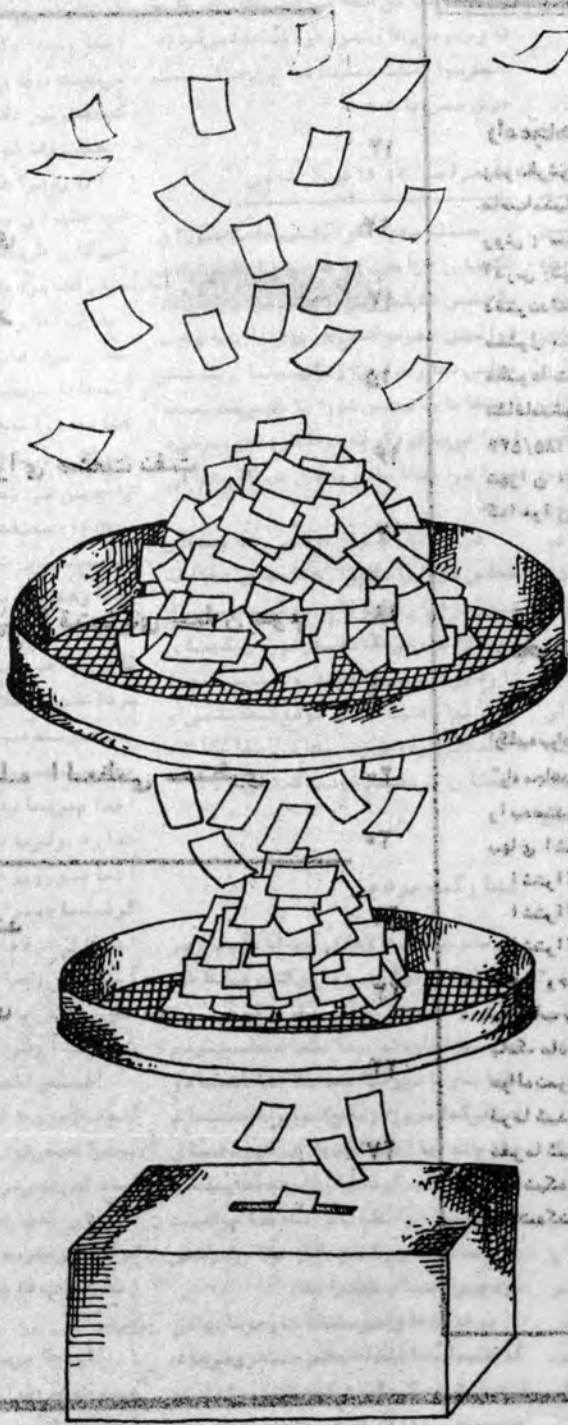
دکتر آیت نمی برند؟

● اعجاز قرآن (آیت الله العظمی منتظری)

● نامه ای به حجة الاسلام

سید حمید روحانی

(در باره نامه ۲۷ مرداد آیت الله کاشانی)



- ۳ انتخابات مجلس و حفظ انقلابی نظام
- ۵ الجزایر سرزمین صبر و قیام
- ۸ بحران و رکود آمریکا
- ۱۱ قاعده استنهاها
- ۱۲ سرودی از حاشیه کویبر
- ۱۳ دررثای شهدای گروه انقلابی ابوزر

خبرنامه استراتژیک

- ۱۴ سخنرانی آیت الله خا منهای
- ۱۴ سخنان آیت الله العظمی منتظری
- ۱۴ گزارش خبری از تحولات الجزایر
- ۱۵ رشد اصول گرایی اسلامی
- ۱۶ اخبار اقتصادی پیشنهادی برای صنعت نفت
- ۱۷ رابطه ایران و آمریکا
- ۱۸ گزارش بانک جهانی ز تغییر بینش اقتصادی جهان سوم
- ۱۹ رکود اقتصادی آمریکا
- ۲۰ اعجاز قرآن سخنرانی آیت الله العظمی منتظری
- ۲۰
- ۲۲ جرایم نشریات اسمی از دکتر آیت نمی برند
- ۲۳ نامه ای به حجت الاسلام سید حمید روحانی
- ۲۴ پاسخ به خوانندگان
- ۲۷ معرفی کتاب

راه مجاهد

زیر نظر شورای نویسندگان صاحب امتیاز و مدیر مسئول مهندس لطف الله میثمی روش : سیاسی ایدئولوژیک - چاپ : رودکی آدرس : توجه شود که راه مجاهد بعثت کمبود امکانات دفتر نداشته و محل مسکونی زیر آدرس مدیر مسئول نشریه است و صرفاً جهت اجرای قانون مطبوعات و مراجمه وزارت ارشاد معرفی میگردد تقاضا میشود قبل از مراجعه از طریق صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ و یا تلفن ۳۵۳۵۶۸ تماس بگیرید تهران، خیروی (آبمنگل)، کاسم گلی ک اخوان طباطبائی پ ۲۶ - ط دوم کد ۱۱۷۵۶

نحوه اشتراك

از کلیه برادران و خواهرانى كه علاقمند به اشتراك باشند به "راه مجاهد" هستند، خواهشمندیم تمایل کتبی خود را به صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ تهران ارسال دارند. بهای اشتراك :

- اشتراك سالانه (ایران) ۱۵۰ تومان
- اشتراك سالانه (آمریکا) ۴۰۰ تومان
- اشتراك سالانه (اروپا) ۳۵۰ تومان

لطفاً وجه اشتراك را شخصاً یا از طریق آشنا یا پست در ایران به حساب پس انداز قرض الحسنه شماره ۴۹۸/۶۰۰۲۹ بانک صادرات شعبه میدان قیام به نام لطف الله میثمی حواله نموده و فتوکپی آنرا به آدرس اعلام شده ارسال فرمائید. لطفاً وجه خود را با پست مالی ارسال نفرمائید.

کسانی که توان پرداخت بهای نشریه را ندارند، با ما مکاتبه کنند تا نشریه بطور امانتی برایشان ارسال شود.

از دست دادن نیروها به نفع نیروی جوان مملکت و در نتیجه تکیه به منافع و امکانات خارجی که هدفی جز تاراج کشور و نهادن آرم آنها ندارند، خواهد انجامید

با زتاب خط مشی دگم و برخورد اصولی احضار شدگان با آن، موجب تصمیم آیت‌الله‌خامنه‌ای در لغو احضار ره‌ها و حتی تقدیر از یکی از احضار شدگان، یعنی آقای مهندس الویری گردید.

فعالیت‌های انتخاباتی

طی ماه‌های اخیر فعالیت شدیدی از سوی جامعه روحانیت مبارز تهران در رابطه با انتخابات دوره چهارم مجلس صورت گرفته است. حضور گسترده نمایندگان و کاندیدها، اینجانب همسوم به راست در مساجد و محافل، به خصوص در نواحی جنوب شهر تهران و شهرک‌های حاشیه‌ای، شاهد این مطلب است. به نظر می‌رسد این جناح هم‌سیر عدم مشارکت فعال مردم پی‌برده و حتی هدسرتزولی آراء نمایندگان جناح خود در رای‌گیری‌های گذشته بوده است. لذا برخلاف دوره‌های قبل که تمرکز فعالیت‌های انتخاباتی این جناح عمدتاً در مرکز شهر و محله‌های سنتی تری بود در این دوره به‌شتر به نواحی محروم‌نشین توجه کرده‌اند.

نظریات در باره انتخابات

مجلس چهارم

برخی معتقدند تقلب‌های گسترده در انتخابات در این دوره موجب خواهد شد. عنا صریحاً در این دوره‌ها می‌بینیم موضوع افشای گریه‌ها و بی‌وفا شدن نمایندگان را داشته‌اند، ولی بعید است که خط حذف تمام نمایندگان جناح چپ نظیر انتخابات خیرگان در نظر باشد، زیرا اعتبار انتخابات ممکن است مخدوش شود. حضور یک اقلیت از جناح چپ نه تنها مضر نیست بلکه بی‌فایده هم نخواهد بود.

حفظ اقلیت چپ

عده‌ای نیز معتقدند که اکثریت جناح چپ در تحلیل‌ها مواضع اساسی، اختلاف جدی با نظام ندارند و بلکه موجب تحکیم نظام هستند. حتی در بسیاری از سیاست‌های جاری هم اختلاف بنیادین و غیر قابل حلی بین ایشان و نظام دیده نمی‌شود. لذا حذف این جناح، حذف بخشی از نظام مودر نتیجه تضعیف آن خواهد بود.

به قول شهید محمد منتظری، "امریکا وقتی به جناح‌ها نه روی‌همی دهد که جناح را دیگه لای وجود داشته باشد، اگر قصد فریب و یا جذب دشمن هم وجود داشته باشد، باید یک جناح را دیگه لای در کنار خود تحمل کرد تا از ترس آنها دشمن حاضر به دادن امتیاز نشود. در غیر این صورت امریکا جز به خاکمیت یک جریان کما ملاراست و وابسته، رضایت نخواهد داد."

ناراضی‌ها زاردا خلی

محور برنا مدتی است که اول جمهوری اسلامی جای سیاست تعادل اقتصادی، اقتصاد آزاد، درها با زویکسان کردن قیمت ارز است. طی دو سال اخیر، گام‌هایی هم در این راه برداشته شد، اما از نظر کارشناسان با تک‌بینی المللی و سیاست‌گذاران پولی کشور این سیر به‌کندی صورت گرفته و رضایت بخش نبوده است. چندی پیش دکتر نوربخش و دکتر عادل‌طی‌مصاحبه‌هایی با این امر اشاره کردند و خواستار شتاب بخشیدن به اجرای سیاست‌های فوق شدند. البته بودجه سال ۱۳۷۱، نما با نگرانها هم دولت در این راه است.

سیاست یکسان کردن سریع بهای ارز برای زاردا خلی کشور مشکلاتی را از هم‌کنون ایجاد کرده است. ناراضی‌های با زار از سرعت اعمال سیاست‌های دولت، نمودها بی‌درگان مطبوعاتی آن، یعنی روزنامه‌ها رسالت داشته است. از جمله انتقاد این روزنامه به آزاد کردن قیمت تخم مرغ علی‌رغم مواضع قبلی این جناح خلی‌چال و قابل توجه است.

عده‌ای معتقدند جناح دولت بخواهد سیاست‌های اقتصاددی خود را با سرعت بیشتری دنبال کند، صرفاً به این جناح نمی‌توانند تکیه کنند، در حالیکه جناح مقابل علی‌رغم مخالفت با حاکمیت بخش خصوصی، آنجا که تعهد و دلسوزی بیشتری نسبت به حفظ نظام دارد، از این موضع می‌توانند متقاً عده همکار بیشتری با اعمال سیاست‌ها بی‌نظمی باشد. لذا به نظر می‌رسد دولت و سیاست‌گذاران اقتصاددی نظام هم‌علی‌رغم حساس نزدیک‌بیشتر به بخش خصوصی و صراحتی که در فعال کردن این بخش در اقتصاد کشور دارند، اما مل‌نیا سند مجلس آینده را به‌طور در دست دراختیار نمایندگان این جناح قرار دهند و قطعاً مایل خواهند بود با حضور یک اقلیت قابل توجه از جناح مقابل تعادل‌ی به سود خود داشته باشند.

تا تیر تحولات الجزایر و شوروی

تحولات اخیر الجزایر و قبالی گسترده مردم سودان به انقلاب اسلامی حکایت از و جبهه‌های کشورهای اسلامی دارد. امید است که این سیر موجب توجه بیشتر مسئولین به نیروهای مردم‌دلیستگی کمتر به کمک‌های غسرب و سرما به‌داری خلی شود. به همین جهت برخی ظاهراً می‌دانند که ممکن است تحولات اخیر جهان اسلام تا شبر منتهی

روی عملگردن نظام در انتخابات مجلس چهارم داشته باشد. از سوی دیگر تجربه شوروی هم نشان داد که اعتماد به کمک دشمن نتیجه‌ای جز تجزیه و فروپاشی زوایه مهم‌تر ندارد یعنی مردم نخواهد داشت. لذا امیدواریم که مسئولین نظام به جای مریز روی کمک‌ها و مکانات بین المللی برای بازسازی توسعه اقتصاد کشور، به نظر عقیده مردم و حفظ همه‌جانبه‌ای خلی در صحنه اهمیت بیشتری بدهند.

نظریه حذف کامل

عده‌ای هم تحلیل می‌کنند که نظام در این مقطع در مواجبه با مشکلات و تنگناهای اقتصادی، تحمل حرکت‌ها و برخورد‌های جناح چپ و رگان‌ها یواسته به آن را ندارد. لذا به نظر می‌رسد که عزم‌ها برای حذف کامل این جناح از مجلس چهارم جز شده است. هر چند در سیر تبلیغات علیه جناح چپ وقفه و کندید دیده می‌شود، ولی اقدامات عملی نظیر واگذاری تعیین صلاحیت کاندیدها به شورای نگهبان و باقت هیئت‌های نظارت و... در جهت حذف کم‌سودای این جناح پیش می‌رود. به خصوص اینکه فشارهای خارجی زیاده‌برای حذف جناح چپ نظیر "تندرو" دیده می‌شود. شرطی که اگر تحقق پیدا نکند، قطعاً رویروابط سیاسی و همکاریه‌های اقتصاددی و فنی تا شبر خواهد گذاشت.

خطری بست حرکت‌های قانونی

جناح شورای نگهبان، از اختیارات خود استفاده‌دهنده درستی‌کننده به حذف کامل یک جناح دست بزند، این خطر وجود دارد که بسیاری از نیروهای جوان، به جمع‌بندی پایان راه مبارزات قانونی، سیاسی و فکری برسند. که این امر نتایج بسیار فزاینده‌ای برای مملکت خواهد داشت و باید همه تلاش کنیم که چنین شرایطی پیش نیاید و قانون‌وراه‌های قانونی فعالیت بی‌اعتبار نشود.

وحدت نیروها رمز دستیابی به امنیت ملی با زسازی انتخابات سالم

امریکا لیسما آمریکا برای برپوشن آنها دن برجران و رکود فزاینده داخلی خود، مصمم است استفاده از توطئه، سرکوب و تجاز، نظم‌نویس خود را به ملتها تحمیل کند.

کارشناسان غربی معتقدند که غرب برای کنترل جهان اسلام و برای مین امنیت اسرائیل وجود یک نظام موفادار به آرم‌های اسلامی قدرتمند را تحمل نکرده و تلاش می‌کند همچون شوروی آن را به تجزیه و تلالشی بکشد. در چنین دنیا پرتلاطمی برای دستیابی به امنیت ملی، با زسازی و توسعه اقتصاددی‌ها جز بسیج مردم و حضور

آنها در صحنه وجود ندارد. هر راه‌حلی برای امداد فوق‌مکمی به هر مهلی، خارجی‌ها به‌شکست است و این را تجربه توروی‌نابت کرده است. مگر اینکه از زمان‌های انقلابی و اسلامی خودمان دست بکشیم.

برای مقابله با انفعال مردم و جذب استعدادها در صحنه‌های مختلف باید صمیمانه به جذب نیروهای ایدئولوژی و برقراری اتحاد و دوفاق ملی پرداخت. مسئولین دلسوزانقلاب لازم است با فاطمیت از سیاست‌های تفرقه‌انگیز اجتناب کنند و نیروها را که در این خط حرکت می‌کنند با حدیث از این امر با زبدا رند.

الف - نظام اسلامی برای حل معضلات و دستیابی به اهداف مختلف سیاسی، اقتصاددی، اجتماعی و فرهنگی خود باید از یک پشتوانه محکم فقهی نظیر دوران امام (ره) برخوردار باشد. نظریات فقهی آیت‌الله العظمی منتظری می‌تواند پشتوانه محکم برای اثبات شرعی و اسلامی نظام باشد. ایشان با دفاع فقهی از مبانی حکومت اسلامی و تلاش از زمان خود را احیاء فقه‌سنا سوا اجتماعی در مقابل فقه‌فریدی دفاع از حقوق محرومین و مستضعفین ساییستگی جنین توجهی از سوی نظام ندارند. اما خمینی (ره) نیز در نامه ۱۳۶۸/۱/۸ خود بر استفاده از نظریات و آراء فقهی ایشان تاکید نمودند. رهنمود امام (ره) را هنگامی‌خوبی است که همه را به کنار گذاردن مسائل گذشته و اجتناب از تفرقه و پراکندگی نیروها دعوت می‌کند.

ب - نظام اسلامی می‌باید تمام نیروها و دلسوزان علی‌رغم عقاید و سلیقه‌ها را یکجایی کند و همه را همکار و یکدیگر دعوت کند و هر نیروی در حد توان‌ها شبیه به خدمت بگیرد، و آلا با حذف و انفعال نیروها در حقیقت نظام‌پشتوانه‌ها و بازار قدرت و توانایی خود را از دست می‌دهد.

از دست دادن نیروها به نفع نیروی جوان مملکت و در نتیجه تکیه به منابع خارجی که هدفی جز تاراج کشور و نهادن آرم‌های ندارند، خواهد انجامید.

ج - در این مرحله برای حفظ سلامت جامعه و فضای سیاسی کشور همان گونه که توسط مسئولین و دلسوزان کشورها تصریح شده است، بی‌سیاسی انتخابات در قضا بی‌کاملاً سالم و در جهت مشارکت هر چه بیشتر مردم و نیروهای مخلص که خواهان خدمت و وفاداری به اهداف انقلاب نظام و قانون است کشور هستند، فرا هم شود.

وقتی موضع خارجی‌ها دفاع از برگزاری انتخابات در الجزایر و احترام به آرم واقعی مردم آنجا از سوی دولت الجزایر است، سزاوار است که در داخل نیز همین سیاست را دنبال کرده و سعی کنیم همه موافقین و مخالفین را در انتخابات شرکت دهیم.



الجزائر سرزمین صبر و قیام

بوده تفنگ ما - تفنگ ما - تفنگ ما
 x x x x x
 سلاح تشین به دست عزم خلق
 بود طریق راستین رزم خلق
 ادا می‌تیرد ما
 بود به دست توده‌ها
 بیا که برترین جهاد
 قدم به زندگی نهاد
 یگانه راه توده‌ها
 بودره تفنگ ما - تفنگ ما - تفنگ ما

شعری ز زندانیا ن دردوران ستم
 شاه‌ها الهام از انقلاب الجزایر و کتاب
 برترین جهاد دعا را وزگان،
 بیا که جان به کف به راه حق رویم
 فدا ی خلق قهرمان خود شویم
 ز غرش سلاح تو
 بنا شود حیات نو
 بیا که برترین جهاد
 قدم به زندگی نهاد
 یگانه راه توده‌ها

اذا الشعب يوما اراد الحیوه
 فلا بد ان يستجیب القدر
 فلا بد اللیل ان ینجلی
 فلا بد للقیدان ینکسر
 هنگا می‌که مردم را ده حیا ت زندگی
 می‌کنند
 پس به ناچار سرنوشت خواست آنها را
 می‌پذیرد
 پس به ناچار شب به روز تبدیل می‌شود
 پس به ناچار رزنجیرها پاره می‌شود

انگیزه نگارش:

در سال ۱۹۶۲ و به هنگام می‌سروری انقلاب نیروهای جریکی داخلی عمده از مذهب و طرفداران بن بلا به دلیل درگیری بودن رویا فاشیستی‌های فرا نسوی بودن شهدای بسیار، به‌طور قابل توجهی تضعیف شده بودند. ولی نیروهای ارتش آزاد بسخ (آ.ا.ا.ن)، که در خارج از مرزها اقدام داشتند، به صورت سازمان یافته و تازده نفس به داخل کشور می‌زرشیدند. این ارتش به دلیل پیروزی‌هایی که در سال‌های ۶۲-۱۹۶۰ در مرزها در مقابل ارتش فرانسه کسب کرده بود، بی‌ساز و رود و زنده‌ای در ساست تدوین تدریج قدرت و نفوذ بیشتری یافت.

با اینکه تهدید نظامی بالقوه علیه الجزایر وجود نداشت، ولی (آ.ا.ا.ن) به شدت بر اساس دیک ارتش قوی تا کم می‌کرد پس از پیروزی، ارتش آزاد بسخ با اینکه نسبت به س بلا نظر خوبی نداشت، اما در مقابل حمایت وسیع مردم، مذهبی‌ها و علمای این بلا، چاره‌ای جز سکوت و تا بدندان نداشت، لیکن در انتظار فرصت بود.

پس از مدتی ارتش آزاد بسخ برای مقابله و کنا زدن بن بلا به دو سلاح عمده متوسل شد.

اول - خطر کمونیست‌ها و حاکم شدن آنها.

دوم - انتقاد به وضعیت اقتصادی و اینکه چرا به خود کفای دست نیافته‌ام.

در متن انقلاب بودند، ولی زنده عمده در پیروزی جنبش، مسخ توده‌ای و مردمی بود که رنگ و ویژگی فرهنگ اسلامی داشت. این جنبش پس از مجاهدت‌های فراوان و به دنبال گسترش عملیات به داخل خاک فرانسه، در سال ۱۹۶۲ به پیروزی رسید.

ریشه‌ها و انگیزه قیام‌های الجزایر

الف - نگرشی بر سیر گسترش ارتش اولین نطفه‌های ارتش آزاد بسخ ملی و به شکل تکلیفاتی نظامی می‌وزده‌ای به وجود آمد.

این گروه تفکر مالتا - جزایری خاص داشت و صرفاً به تفنگ به عنوان وسیله مبارزه توجه داشت و کمترین به برخوردی می‌کنی در بطن جنبش الجزایر و به مبارزه در داخل الجزایر می‌داد. این جریان با این نحوه تفکر در مرزهای الجزایر مستقر و سازمان‌دهی می‌شد که در داخل مبارزه مسلحانه می‌کردند. پیوند محکمی نداشت. محل اصلی تمرکز آنها در مرزهای کشورهای مغرب بود و فعالیتهاشان در مرزهای شرقی رونق چندانی نداشت، این ارتش در مرزها با نیروهای فرانسوی درگیر می‌شد.

چشم انداز پیروزی که علی‌رغم "نظم استعماری نوین آقا یوش" در آورنده ملل محروم دیده می‌شود، مسئولیت‌های اسلامی و رهائی بخش ما را صدجندان می‌نماید. امیدواریم در این راستا صاحب نظران اسلامی و دلسوزان انقلاب دین خود را نسبت به تدوین یک مجموعه استراتژی را هنمای عمل و رهائی بخش بپردازند. همچنین امیدواریم که مسئولین ما نیز با توجه به چشم اندازهای کوه در "الجزایر"، "سودان"، "پاکستان" و "شمال آفریقا" دیده می‌شود و با توجه به بحران و رکود آمریکا، با یک جمع بندی جدید، از این کاروان عقب نمانند که عوارض زیانباری خواهد داشت.

نگاه‌های جمالی به انقلاب الجزایر تا استقلال و پیروزی

شروع استعمار فرانسه در الجزایر به سال ۱۸۳۰ میلادی برمی‌گردد. اوج اختناق در سالهای ۲۲-۱۹۲۱ بود و تا سال ۱۹۵۸ شرایط بی‌سابقه و رجزا به الجزایر حکم فرما بود. جنبش بلا زمان یافته در سال ۱۹۵۸ آغاز شد. هر چند که در سال ۱۹۵۴ هم جنبش شوری به وقوع پیوست، تشکیل عمده جنبه مذهبی یا قبیله‌ای نداشت. استه‌گروه‌ها و جریان‌های مختلفی

الجزایر سرزمین یک میلیون شهید از هفت میلیون جمعیت، سرزمین محله‌های مقاوم و چون کازبا، سرزمین جمیله بویاها و سرزمینی که مقاومتش زمان‌ها لبها می‌بخش بسیار از انقلابیون ایران و منطقه بود و سرزمینی که ما هیت استعمار را سوسپال صهیونیست‌های درنده جوی‌ها کم بر فراسه را افشا کرد، بار دیگر می‌رود تا آغاز جنبشی عظیم و تکامل یافته تر در شمال آفریقا و جهان گردد.

مسلمین دنیا نیروی عظیمی هستند که هم اکنون بخشی از آن در الجزایر قلعت یافته است. هر اس امیریا لبم از این است که دیگر نمی‌توانند تهاجم شیعه‌گری و ایرانی‌گری به نهضت‌های ناشی از نژادها و امپراتوریک مللبارد مسلمان جهان بزنند. بخصوص که اکثریت مسلمین در مناطق نفت خیز با کس هستند و اگر مردم این مناطق از سوغ امیریا لبم رها شوند، دیگر استعمار حاکمیتی بر منافع سرزمینی نفت و ... نیز نخواهد داشت.

در رابطه با پیروزی غیر مسلمین در انتخابات الجزایر بر آن شدم تا به زمینه‌ها و علل این پیروزی و ریشه‌های آن بپردازم. درخاسته نیز به ذکر چند ویژگی، رشد، نطفه‌ها و نتیجه‌گیری از این قیام دست بزنم.

روی بین دو محور به تبلیغات وسیعی دست زدند و در این راه توانستند مذهب یون را هم جذب کنند. البته بعد از مذهبها دریا فتنه که قریب تبلیغات را خورده اند.

سرانجام ارتش آزاد بیخشی ملی (آ.ا.ا.ا.ا.) دو سال و اندی پس از پیروزی انقلاب در سال ۱۹۶۵ کودتا کرد و بن بلا روانه زندان شد. پس از این کودتا اگر چه در ظاهر جبهه آزاد بیخشی ملی حاکم بود، ولی در پشت پرده ارتش قدرت فزاینده اصلی را در دست داشت. در این سر، و به تدریج ارتش به یک قدرت اقتصادی عظیم مبدل شد. به طوری که امروزه مجموعه عظیمی از شرکتها و وابسته به ارتش آزاد بیخشی ملی به نام "مدیریت ملی تعاونیها و ارتش آزاد بیخشی" (ا.ا.ا.ا.ا.ا.ا.) به طوری که به عنوان یک نیروی اقتصادی سیاسی و اجتماعی عمل می کنند. این شرکتها یک عامل اجرایی و یک قدرت اقتصادی وسیع و عمیقاً بل کنترلی هستند، شرکتی و وابسته به ارتش هر یک به سزگی یک وزارتخانه هستند و اگر بخواهیم مقایسه ای با کشور خودمان داشته باشیم، می توانیم بگوییم که به لحاظ اقتصادی قدرت آنها معادل قدرت بازاریان تهران است. ارتش آزاد بیخشی از آنجا که قدرت اقتصادی بی برخوردار است که می توان بد دولت را هم قلع کند.

ب- مراحل رشد جنبش اسلامی

مردم الجزایر به شدت به مذهب سنتی خود وفا دارند و هنوز در کمال جاهلیت باقی مانده اند. این جنبش در دوران استعمار سخت و خشن و ضد مذهبی فرا سر است سرگزارند و پس از پیروزی نیز حکومت از دوران بومدین به بعد به شدت سعی در کاهش انگیزه های مذهبی مردم داشته اند. ولی آنها از اعتقادات مذهبی خود دست نکشیدند.

به هر صورت در دوران سخت انقلاب الجزایر توده های مذهبی دشوار رها و کشتارهای فراوانی متحمل شدند، تا به پیروزی دست یافتند. تشکیلهای مذهبی در دوران انقلاب در داخل الجزایر به فعالیتها و جریگی می پرداختند و پس از پیروزی نیز از بن بلا حمایت کردند. لیکن پس از مدتی تحت تأثیر تبلیغات ارتش و به دلیل وحشت از حاکمیت ما رکسیتهای، با کودتا موافقت کردند و بومدین حاکم شد.

یکی از مواردی که باعث رشد اختلاف مذهب یون با بن بلا شد، اصرار آنها بر تخریب بناهای تگور بود. تا میا دا از آنها شراب تولید شود. فرانس در دوران حاکمیت خود الجزایر را به صورت تک محصولی در آورده بود و اقتصاد الجزایر به شدت وابسته به بناهای "مو" بود و جایگزینی مرکبات به جای "مو" تیس حداقل به ۵ سال وقت احتیاج داشت.

در الجزایر به واقعیت "اختلاف برداشته از اسلام" توجه شده و عنوان خود را "جبهه نجات اسلامی" گذاشته اند

برای برخی بین سئوال مطرح است که چرا کشورهای غربی با توجه به اوضاع فعلی ایران مانع پیروزی مسلمین در الجزایر نمی شوند.

به هر صورت بن بلا دستگیر و زندانی شد. پس از مدتی نه چندان طولانی، مذهب یون دریا فتنه که قریب خورده اند و حکومت جدید نه تنها به ما رکسیتهای اجازه فعالیت وسیع داد، بلکه با یک برنامهریزی حساب شده به اشاعه فساد و دور کردن جوانان از سیاست و مذهب پرداخت. حکومت جدید با نصب ائمه جمعه سعی داشت تا مساجد را تزیین کند کنترل خود را آورد.

عمدتاً در سالهای ۷۵-۱۹۷۴ دانشجویان شروع به راهگذاری از تحمیلی اسلامی کردند و به دنبال آن روابطی میان جناحهای طرفدار بن بلا با ائمه جماعات الجزایر برقرار شد. از همان سالها ائمه جماعات به سازمان مذهبی و جمع آوری اطلاعات پرداختند برای انقلابیون الجزایر و اشتغال اطلاعات نسبت به دستگاہهای حزبی و جلوگیری عملگر دیلس بسیار زبر که سیستم پلیسی الجزایر بسیار

بمحدود است و ارزشی و مطالبه آن از خارج بسیار دشوار. در الجزایر چندین حکومت وجود داشت (ارتش آزاد بیخشی، جبهه آزاد بیخشی و...) و هر یک سیستم اطلاعاتی خودشان را داشتند. کشف روابط درونی هر یک از آنها و ارتباطشان با ژانر اهمیت بود.

ج- سیری در اقتصاد الجزایر

در الجزایر سیستم داراها مورعمدتاً به صورت وزارتخانه ای نیست. البته چند وزارتخانه وجود دارد، ولی عمده سیستم به صورت شرکتها می عمل می کند. برای مثال "شرکت ملی فرآورده های هیدروکربوری" (نفت) (سونا تراک)، شرکت ملی عملیات راه سازی (سونا ترو)، "شرکت ملی فرآورده های جوسی" (سوناک) و غیره.

این سیستم یک سیستم دولتی است که در اختیار رهبریت دولت و جبهه آزاد بیخشی ملی قرار دارد. در جوانی این

شرکتها و به صورت موازی شرکتها و وابسته به ارتش آزاد بیخشی ملی وجود دارند که توضیح داده شد.

از جانب دیگر نفوذ و ولتها را در روزا رتخانهها نیز شکل گسترده ای یافته بود. در وزارت راه، وزارت مسکن، انستیتوهای تحقیقاتی و در بسیاری از مراکز دیگر، شوروی نفوذ داشت. مستشاران و متخصصان روسی خیلی هم خوب کار می کردند. برخی از این اصطلاحات تکنیکی در عملیات جاسوسی هم فعال بودند. در صنایع نفت و شرکت ملی نفت الجزایر (سونا تراک) جناحهای امریکایی نفوذ داشتند.

درگیری میان جناحها بسیار زیاد بود و یک وزیر نفت هم در آن درگیریها کشته شد.

جناحها برای استقرار یک کارخانه تولید خودروسازیشان در همکاران آلمان غربی را داشتند. عده دیگری انگلیسیها را پیشنهاد می کردند. مجموعاً هر گوشه ای از این مملکت به صورت منطقه نفوذ برای بن بلا آن ارتش قدرت در آمده بود. همه می خواستند که از بن بلا نعمت سهمی ببرند. نفوذ امریکاییها در شرکت نفت از سالهای ۷۱-۱۹۷۰ شروع شد. در آن سالها "سونا تراک" برای خودش حکومتی در داخل حکومت الجزایر برپا کرد. این شرکت، فروشگاهها و مهدکودکهای مخصوص خودش را داشت. و مثل یک دولت عمل می کرد. ارتش آزاد بیخشی هم از طرف دیگر عمل می کرد. او هم یک دولت بود.

بلوک شرق هم به هم وسیعی از بن بلا نفوذ داشت. صنایع خوب در دست روسها بود. سوگلاوها شهرک سازی می کردند و دولت بومدین به همه الگوهای توسعه دست زده بود. الگوهای "سوالزم شرقی"، "سوالزم غربی" از نوع شارل بلتهایم، "سوالزم خودگردان بوگلاوی"، میکرو صنعت، "ما کرو صنعت" و... همه اینها را تجربه کرده بودند و الجزایر را به صورت لایرا توار تجربه قدرتها و گروهها در آورده بودند. الجزایر دولت آن را به عنوان یک خوکچه آزما بشکاهسی پذیرفته بودند و همه آزما بشکاه را در آنجا انجام می دادند. در این میان روشنفکران و دانشجویان نیز فقط احساس سرخوردگی می کردند.

افراد با صلاحیت و سابقه را نیز اگر به این سیرت می دادند و دهانشان را می بستند، ریاست فلان اداره یا وزارت فلان وزارتخانه را به دست می آوردند و اگر تسلیم نمی شدند، یا دیده زندگی سخت و طاقت فرسا بی تن می دادند. به قول معروف سیاست "هر که با ما نیست، دشمن ما است" یا "هر که تو کرم نیست، دشمن من است" کم بود. با این وضعیت فقط جناحها بی که آزما رما نی فکر می کردند و میا نیا عقاید مذهبی محکم و سنجیده ای داشتند، می توانستند بر خورد و مقاومت کنند. به جز جناحهای مذهبی هیچ جناح دیگری را یا را بر خورد با وجود بن بلا خناسها (زر و زور و تزویر) نبود.

نتیجه این شیوه عملکرد فساد روز افزون و فساد رگسخته بود. رشوه و فحشا به شدت رواج یافته مشروب خواری و سالنها یرقص و ویلاژها آنجا نسی برای توریستها را دولت برای دور کردن جوانان از سیاست گسترش می داد، به طوری که به عنوان مثال در سال ۱۹۷۲ اگر جوانی در جزایر نشاء نمازمی خواند، همه با تعجب به او نگاه می کردند.

گاه دیده می شد که یک مسئول دولتی یک طرح اقتصادی را به ۱۰ برابر ارزش واقعی آن به یک شرکت خارجی واگذار می کرد، به شرط آن که نیمی از بهای آن را به حساب او در خارج بریزند.

اکثریتی از دولت مردان الجزایر هم اکنون در لوزان، ژنو، پاریس یا لندن خانه های برای خود خریده اند و اصطلاحاً آنها خرتشان را در غرب فراهم کرده اند.

ملت الجزایر برای اصلاح بین مسائل صبر بسیار کرد و منتظر شد تا با جدی به آزادی بخش خودش کاری بکند، ولی روز به روز تبعیض زیبا در می شود و فاسد طبقاتی بیشتر، طبقات وابسته به ارتش و حزب فرونگاهای خاص خود را داشتند و توده های مردم با دیدن صفا یطویل انتظار می کشیدند.

تا ذلی بن جدید هم آخرین امید مردم بود، سن و سالها را گذشته بود و مورد قبول جناحها بود، ولی او را هم خراب کردند. پس از او گرگهای جوانی که می شوند که نه گذشته، نه حال و نه آینده ای برای آنها متصور نیست.

(برای شناخت تفصیلی تر و جزئی تر در رابطه با انگیزه و علل قیامها به ویژه نامه الجزایر، راه ما هشتاد و پنج مورخ فروردین ۶۸ مراجعه نماید.)

ویژگیها، رشدها، توطئه ها

و

چند نتیجه گیری

۱- حزب اسلامی یا جبهه اسلامی

یکی از ویژگیهای انقلاب اسلامی ایران، شعار "حزب فقط حزب الله، رهبر فقط روح الله" بود. در کتاب "ویژگیهای انقلاب سخنرانی برادر میثمی در سال ۵۷ در آمریکا آمده است که منظور از آن شعار بیان خط مشی اسلامی ما (ره) بوده که بهترین خط مشی بوده و هر کس در آن خط مشی نبود، بنا درست عمل کرده و منزوی می شد. برادر میثمی تصریح می کرد که این شعار بنا بد جنبه تشکیلاتی به خود بگیرد و با بد صرفاً در فاضل خط مشی مطرح باشد، ولی دیدیم که این شعار به شکل تشکیلاتی مطرح شد و منشاء چه حذفی می گردید.

این خط با عت شد که حتی حزب جمهوری اسلامی هم به چند اشاع به مهم

امپریالیستها از آن بیم دارند که گزبه حرکت اسلامی فرصت داده شود، آنها به مجموعه "اسلام را هنمای عمل" دست می یابند که در آن صورت هیچ سلاحی را برای مقاومت در برابر آن نیست.

۴- سالها ماندن با فت ارتش

بیم آن می رود که جناح سرکوبگر ارتش از ادب بخش که منافع خود را در خطر می بیند، دست به خونی های مستمر زیند تا به چند هدف دست یابد؛ اولاً اینکه صبر مردم تمام شده و به حاکمیت موجود ارتش با کمی تعدیل تن بدهند.

ثانیاً با کشتن گاهای پیرنا مریز و کیفی نهضت حرکت اسلامی را دچار کم کفستی و بعداً روزمرگی نموده و تا مع خود سازند.

ثالثاً با جذب جناحی از مذهبسون به وجهه اسلامی هم دست یافته و به تا مسس منافع خود مشروعت نیز بدهند. رابعاً با توجه به جمع بندی از انقلاب ایران می خواهند خونی تر زیبا را تا آنجا که ممکن است، قبل از بیروزی انجام دهند و نه پس از آن، که کارشان مشکلیتر خواهد شد.

۵- توطئه ها شیستهای ارتش

به نظر می رسد توطئه ای وجود دارد که کودتا چنان می خواهد شد جنبه نجات اسلامی را با به سگوت و با به حرکت مسلحانه و خشن وادارند. در صورت اول جنبه متهم به سازش شده، هواداران خود را از دست بدهند و در صورت دوم متهم به خونیست و عملیات غیر قانونی شده و حذف و سرکوب شود. ولی به نظر می آید که جنبه نجات به دام این توطئه نیفتاده است. از یک طرف از راههای سیاسی و هماهنگ با احزاب دیگر کودتا چنان را منزوی و از طرف دیگر با حرکتها ی قهرآمیز ولی به مسلحانه، به شکل نظایرات و از موضع مظلومیت و دفاع در برابر بیاحال شدن حق طبیعی و قانونی آنها در انتخابات عمل می نمایند و تا و ما بین مبارزات در جنبه دشمنی اعم از داخل و خارج اختلاف می افکند.

۶- انسجام و رویا رویی جهان اسلام در برابر غرب

تاکنون امپریالیستها همواره سعی داشته اند چنانچه با مختلف مسلمانان را تحت عناوین شیعه - سنی، عرب - عجم، فارس - ترک و سایر اختلافات اعم از جغرافیایی، نژادی و فرهنگی به جان هم بزنند. در این رابطه به انقلاب اسلامی ایران ما رک شیعه گری زدند تا ما منع گسترش آن به جهان اسلام شوند.

ولی پیروزی دمکراتیک حرکت اسلامی در الجزایر نشان داد که انقلاب اسلامی به تشیع محدود نمی شود.

جالب این که مصر و عربستان که دو دانشگاه بزرگ اهل تشیع یعنی "جامعه الازهر" و "جامعه النبی" در آن دو کشور قرار دارد، کودتا چنان الجزایر را تا شید نموده و ازیست به اهل سنت در الجزایر خنجر زده اند. پیروزی الجزایر بن بست دموکراتی دعا می میرا لبزم و اسلام دعا می عربستان سعودی را به خوبی نشان داد. در اینجا کل دنیای اسلام با غرب و وابستگان درگیر هستند و ملک فهد و حسنی مسارک دیگر قمار نیستند از اسلام دم بزنند. آنها نه شیعه را قبول دارند و نه اهل سنت را، بلکه منتظر فرمان کا خفید هستند.

۷- بن بست غرب

و جنگهای صلیبی

یکی از ویژگیهای پیروزی حرکت اسلامی در الجزایر این بود که:

اولاً از طریق قانونی دمکراتیک بدان پیروزی رسیده اند.

ثانیاً علی رغم آن سن بنا مجدید انتخاب با تکیه علیه آنها تصویب کرده بودند، به این پیروزی رسیدند.

ثالثاً در کشوری بن پیروزی کسب شده با فرهنگ و زبان قرآنسوی و تمدن غرب کاملاً آشنا بوده و با تمدن غرب تماس نزدیک دارند.

علی رغم موارد فوق، پس از پیروزی جنبه نجات در مرحله اول انتخابات، همه جناحهای غرب علیه آن موضع گرفتند و کودتا چنان را تلویحاً تا بند نمودند. این امر نشان داد که غرب در بن بست بزرگی به سر می برد و آن بن بست این است که علی رغم شعار دمکراتی می مجبورند این شعار را علناً را لگدمال نمایند. توجه شود که همین شعار را آنها به صورت خرسه ای را تخریب امیرا طوری توری به کار گرفته شد.

از آن جا که غرب از راههای سیاسی و با اسخا دا اختلاف نمی تواند در برابر حرکت اسلامی مقاومتی بنماید، لذا بن بست می خورد که غرب به دنبال استفاده از انگیزه های مذهبی و خرسه تکفیر علیه جنس اسلامی رفته و جنگهای صلیبی را تکرار نمایند. مگر این دنیا ی غرب به باب می توانند مقدمه این امر باشد.

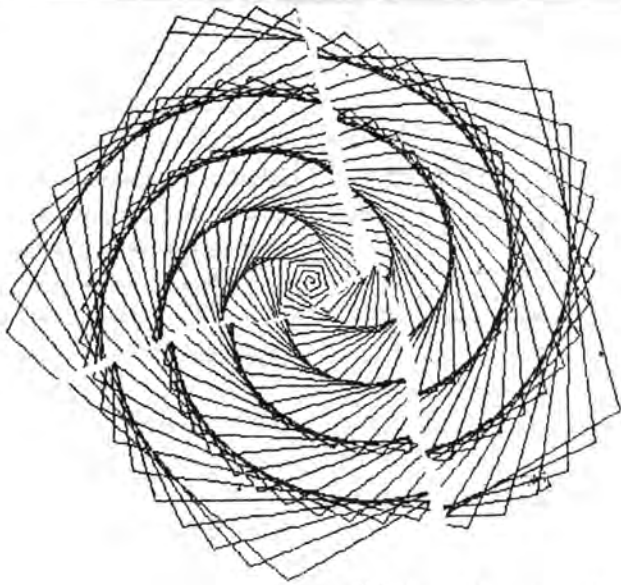
۸- انسجام ایدئولوژی اسلامی

و ضربه به منافع غرب

برای برخی بن سثوال مطرح شده که چرا کشورهای غربی با توجه به وضاع فعلی ایران مانع پیروزی مسلمین در الجزایر نمی شوند.

بقیه درص ۲۶

بحران ورکود امریکا



مقدمه:

با توجه به اینکه یکی ز هدفهای نشریه، دنبال کردن و برشمردن مراحل رشد خلقها و افول امپریالیسم می باشد و در این رابطه تا به حال مقالات زیادی نوشته شده است. بر آن شدم در این راستا گام تازه تری بردارم.

مطلب حاضر، آنها گرفته از مباحثه ای است که یکی از برادران با یکی از صاحب نظرها داشته است.

زمانی که در آن سرمی بریم، عصر بیداری ملتهاست. بیدار دلان دنیا به لحاظ کمی و کیفی بر نیروهای رجوع و صهیونیسم و امپریالیسم غلبه داشته و در نقطه عطفی سرمی بریم که چناندا ز پرشور میزبانان اسلامی و رها بی بخش، از یکطرف، و چناندا ز اقول، بحران ورکود امریکا از سوی دیگر به خوبی دیده می شود.

لذا نه تنها نیروهای مکتبی، بلکه کارشناسان نیروی بیداری ملتها و بحران ورکود امپریالیسم امریکا را در محاسبات استراتژیک خود منظور کنند. امیدواریم دلسوزان انقلاب و صاحب نظران ما را در این راستا یاری نمایند.

* * * * *

الف - پس از فروپاشی اتحاد شوروی و اروپای شرقی، همه جا صحبت از این بود که امریکا قدرت مطلقه جهان و یکه تاز میدان شده است. در حالی که به نظر من در مطبوعات و رسانه ها از بحرانهای امریکا برده برداری شده است. در همین راستا در باره نیرویهای نظامی امریکا در جنگ با عراق، به دست گرفتن ابتکار صلح خاورمیانه به شمار می آید و روند و چشم امید به آن دوخته اند. برخی دیگر معتقدند امریکا برای به تعویق انداختن بحرانهای داخلی دست به اقدامات زده است و در نتیجه با بحرانها گسترش یافته و دست می یابد.

اخیرا بوش در سفر خود به ژاپن آنکارا نگرانی خود را از رکود اقتصادی امریکایان داشته

به نظر شما ما هیت این رکود امریکا بحران در امریکا چیست؟ آیا ممکن است قدری برای ما توضیح دهد؟

تضا دا امریکا با ژاپن

ب - سالهاست که دولت امریکا و صاحبان صنایع آن نسبت به ژاپن حساسیت پیدا کرده اند. به طوری که رابطه با ژاپن مسئله نگران کننده ای

برای دولت مردان و مدیران امریکا شده است.

محصولات ساخت ژاپن علاوه بر بازار بین المللی، با وارداتی امریکا رانیز پر کرده است. چرا که در عین مرغوبی است از آن هم هستند. لذا مردم خود امریکا این محصولات را به کالاهای داخلی ترجیح می دهند. بطور مثال ماشین نظری که از امریکا آمده بود می گفت در هر باره رکننگ کناریک اتومبیل امریکایی یک ماشین ساخت ژاپن دیده می شود. از محصولات الکتریکی و الکترونیکی ساخت ژاپن نیز در امریکا استقبال زیادی می شود. بوش هم در سفر اخیرش، به ژاپن فشار آورد که واردات اتومبیل و قطعات آن، و سایر الکترونیکی و مواد غذایی را از امریکا آزاد کرده و افزایش دهد.

مقامات ژاپنی پس از توافق با بوش اعلام کردند که اتومبیلهای امریکایی در ژاپن به فروش نمی رود و مجبوریم از آنها در رخ دولت استفاده کنیم.

بوش قبل از سفرش اعلام کرد علت اصلی رکود امریکا، موانعی است که بر سر راه صادرات کالاهای امریکایی وجود دارد. وی هدف خود از سفر به آسیا را رفع این موانع برشمرد.

در اذهان عمومی درخواستهای امریکا از ژاپن، هم حالت تحمیل و فشار و زورگویی را نشان می داد، و هم استیصال و درماندگی امریکا را. به طوری که کشاورزان ژاپن به آزاد کردن واردات برنج امریکایی اعتراض کردند.

الف - با توجه به اینکه ژاپن جزیره ای است نسبتا کوچک با جمعیت زیاد و منابع طبیعی مثل نفت، مواد معدنی، غذا بیرون روسی را از خارج وارد می کنند. چگونه می توانند با امریکا با آن همه خودکفاییها در زمینه کشاورزی، منابع طبیعی و مواد اولیه رقابت کنند؟

ب - برخلاف امریکا در ژاپن مقدس بودن کار "به صورت یک فرهنگ ملی در آمده، مردم روحیه ساده زستی و قناعت دارند و تعطیلات هم خیلی محدود است. علاوه بر آن از سیستم مدیریت کارآمدتری برخوردارند، که البته هر کدام به تفصیل بیشتری نیاز دارد.

قبیل از سالگرد دیمباران هیروشما و ناگازاکی، دولت ژاپن از امریکا خواست که در مورد این بحران در جنگ جهان نی دوم از ملت ژاپن معذرت بخواهد. این سؤال مطرح می شود که با توجه به گسترش سرما به غذای امریکایی در ژاپن و بر قدرتی امریکا چگونه

دولت ژاپن چنین جسارت و استقلالیی از خود نشان می دهد.

اخیرا یکی از رهبران ژاپنی کتابی نوشته است به نام "ژاپن تنها کشوری که می تواند بگوید: نه!" مولف در این کتاب آینده کشورها را اینا، امریکا، اروپا و شوروی را بررسی کرده و نتیجه می گیرد که تنها می این کشورها به جز ژاپن صاحب یک "آگا هی ملی" نیستند. شوروی به دلیل وجود ایدئولوژی مارکسیستی، آگا هی ملی و ناسیونالیسم را از زمین برده و امروز صاحب یک وحدت ملی نیست. در اروپا تجزیه و تفوق و اختلافات ملی و نژادی سابقه تاریخی دارد. امریکاهم گرچه قبلا یک وحدت ملی داشت ولی در جنگ و بستن آگا هی ملی شالین ضربه خورده و پس از آن هم ضربه های دیگری به آن وارد آمد که امروز آگا هی ملی امریکایی مخدوش شده است.

ولی ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم تنها کشوری است که نه تنها آگا هی ملی اش را حفظ کرد، بلکه آن را تقویت نمود.

مولف معتقد است امروز اگر جنگی در دنیا واقع شود، گرچه ژاپن ارتش ندارد ولی ارتش امریکا از نظر لوازم بیدکسی محتوا ژاپن است. او می نویسد که اقتصاد برتر ژاپن به دلیل سرما به های امریکایی است بلکه این آگا هی ملی ژاپن است که نگوفا ای اقتصاد را به ارمغان آورده است.

در اروپا و امریکا نسبت به وجود چنین فکری در ژاپن و گسترش آن حساست و وحشت زیادی برانگیخته شده است. آنها می ترسند که سرما به گذارشان در ژاپن به مخاطره افتد.

الف - درست است که بحران رقابت بین ژاپن با امریکا به درون امریکاهم کشیده شده است. و نه تنها با زارهای خارجی، بلکه با زار مصرف داخلی امریکا را هم تهدید می کند. ولی آیا این می تواند درونی ترین و اصلی ترین بحران امریکا باشد؟ فکر نمی کنید بحران ورکودی که ناشی از فروپاشی بیما و ورشو است، بیشتر آن را تهدید می کند؟

ب - منظورتان را توضیح دهید.

بحران رکود صنایع نظامی

الف - بعد دنبال انحلال بیما و ورشو، بیما ناتوفلسفه وجودی خود را از دست داد. از طرفی می دادیم که "میلیتاریسم" از ویژگیهای بارز امریکا بوده و اقتصاد آن تا حد زیادی به صنایع نظامی وابسته است. فلسفه وجودی و علت گسترش صنایع نظامی امریکا مقابله با بیما و ورشو و شوروی بوده است.

حال با فروپاشی ورشو این صنایع در آستانه بی رونقی و تعطیل می باشند. بحران - رکود و سکا ری روز افزونی آینده امریکا را تهدید می کند. به نظر می آید که این مسئله از رقابت با ژاپن درونی تر و شایسته تر باشد.

آخرین پروژه میلیتاریستیهای امریکا برای مقابله با موشکهای شوروی عبارت بود از پروژه جنگ ستارگان با سه هزار مینا رد دلازهزینه بیش بینی شده، که این پروژه، توسعه نظامی و رونق اقتصاد امریکا را تضمین می کرد.

حال با تعطیل این پروژه، نظام امریکا دگرگون می شود. تا آنجا که بعضی صاحب نظران معتقدند که جنگ غرب با عراق برای تعویق این بحران درونی امریکا بود. کما اینکه "کی سینجر" گفت: اگر عراق و عراقی به کویت در سال بعد صورت می گرفت، بودجه نظامی امریکا به قدری کاهش می یافت که اعزام گسترده نیرو به خلیج فارس را مانع می شد.

تضا دا امریکا و اروپا

ب - بحران ورکود صنایع نظامی امریکا واقعیتی است که من منکر آن نیستم. اما مسئله ژاپن که عرض کردم ملاحظه و مهم است و در کنار آن مسئله اروپا نیز دارد اهمیت خود را نشان می دهد و نباید آن را دست کم گرفت. اروپا به لحاظ علمی و فلسفی، از یک هویت تاریخی برخوردار است. به طوری که اکثر دانشمندان معروف و فلاسفه اروپا برخاسته اند. گرچه امریکا به لحاظ تکنیکی برتریها پیدا رد ولی ز جهت علمی و فلسفی نسبت به اروپا خود کم بین است.

این فکر تجاری را کم‌تر جیح می‌دهد که با فروش نفت بدون در دسر، محصولات ساخته شده خارجی را وارد کرده و از این طریق به خصوص با دو قیمتی بودن دلار سود را حتی به دست آورد و حاضر نیست زحمت و مشکلات تولید داخلی را تحمل نماید

در زمان اقتدار شوروی اروپا ضرورت همکاری با آمریکا را احساس می‌کرد و بی‌مانند تا توان زنجین ضرورتی نداشت، اما در شرایط فعلی بی‌نیاز ضرورت از زمین رفته است و مدتی است زمزمه اروپا متحد شروع شده و اکنون عینیت و اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

الف - اینکه ژاپن و اروپا رقیبی برای آمریکا شده اند درست و ولی سوال من چیز دیگری است. اینکه چه بحران‌هایی ذاتی آمریکا است؟ یعنی بحران‌هایی که از روابط درونی آن نشأت گرفته باشد. فرض کنیم آمریکا بخواد هد به طور خودکفا روی پای خودش بایستد و روابط خارجی اش را قطع نماید. آیا مشکل اصلی آمریکا چه خواهد بود؟

ب - آمریکا از جهت خودکفا بی‌نیاز تعریف را بیجا ز همه جا خودکفا تراست. دارا زمین کافی، آب و بسیاران و آفتاب و کشت و ریزی، معدن نفت و گاز، اورانیم و سایر منابع طبیعی می‌باشد.

بحران سرخوردگی

الف - پس اگر آمریکا را مستقل از عوامل خارجی مسئله ژاپن و اروپا فرض کنیم آیا در داخل خود هیچ بحرانی ندارد؟

ب - البته، بحران خاص سرمایه داری، اختلاف شدید طبقاتی، تبعیض نژادی و به عبارت خودمان جنگ فقر و غنا، و جوهری از این بحران در موارده زیر آشکار شده است. آنچه از بحران‌های نظیر بحران در روابط جنسی، بیماری‌های بدزوا و عتیا دبه مواد مخدر که در ایران خیلی روی آن تکیه می‌شود مهم‌تر است، بحران سرخوردگی است.

قبلا هیچ‌یک از این‌ها بی‌نیاز نبودند برای کار نکردن و مصرف نکردن که یک اعتراض به نظام مصرفی وجهه نخوار آمریکا بود. به طوری که "ریدرز دیجست" نوشت: "هیچ‌کس چرا غم‌خیز نباشد؟" زندگی آمریکا بی‌نیاز است "در برابر هیچ‌یک از آنها بی‌نیاز است" اما بیجا دشمنان که معتقد بودند با بدبختی‌ها در دنیا دماغت امپراطوری آمریکا را حفظ کرد.

حالا بحران درونی آمریکا به اینجا رسیده که بی‌نیاز نیست که عمدتاً ۳۰ - ۲۰ ساله هستند، دچار سرخوردگی شده اند.

بحران بی‌اعتمادی

الف - آیا این سرخوردگی ناشی از

دموکراسی است. دیگری بحران ایدئولوژیک که بسیار عمیق و بنیادی است. منظور ما از یک با مود و هوا این است که آمریکا همه جا با شعار دموکراسی و آزادی وارد می‌شود و خود را رهبر دنیای آزاد معرفی می‌کند.

بسیاری از نیروهای سیاسی در سطح دنیا با همین شعارها فریب آمریکا را خورده اند، و برای مقابله با رژیمهای خودکامه به آمریکا پناهنده شده اند. اکنون ما هیئت فاشیستی آمریکا برای عامه مردم دنیا روشن شده، به طوری که درین سمت عجیبی قرار گرفته است. ریگان گسترش دموکراسی را به عنوان یک ایدئولوژی آمریکا بی‌در برابر انقلاب اسلامی تبلیغ می‌نمود.

پس بستاروژانها این است که اگر به شعار دموکراسی یا بیندیشند، با بستاروژانها در مناطق جهان، منافعی فاشیستی خود را از دست بدهند. مانند لبنان که اکثریت با مسلمانان است ولی آمریکا از اقلیت مارونی حمایت کرده و می‌کند. یا در الجزایر که کمیت مردم درگیر شده و از کودتا جی‌ها حمایت می‌کند، در جاهای دیگر نیز همین تناقض در عملکرد آمریکا دیده می‌شود. مثل سرنگونی حکومت پاناما از طریق غیردموکراتیک و به شوه فاشیستی، ساقط کردن حکومت قانونی بنی نظریوتو در پاکستان، تا اینکه صدای آمریکا از برخورد های حذقی غیردموکراتیک در جمهوری اسلامی ایران، تا بیدار زیمهای دیکتاتور مثل عربستان، کویت و... در پاکستان هم علیه رژیم توافقی ملی روی تحقیقات هسته‌ای، آمریکا درصدد فشارها و غیردموکراتیک و دامن زدن به تضادهای فرقه‌ای نظیر کک به سیاه سخا به است.

این بحران دموکراسی در سناستهای داخلی آمریکا هم آشکار شده است. در جریان جنگ علیه عراق شدیدترین اختلاف و سانسور خبری در رسانه‌های داخلی آمریکا اعمال می‌شد. حتی بی‌سی شکار اعتراف کرد که ما در گفتن حقایق جنگ آزاد نیستیم.

تدریجا دروغهای آنها از طریق مقالات روزنامه‌ها فاش شده و می‌شود. مثل ترغیب صدا توسط دستگاه اطلاعاتی آمریکا در حمله به کویت. این سیاست یک با مود و هوا در گذشته هم بوده ولی حالا برای عامه مردم آشکار شده است. مثلا سرنگونی حکومت دکتر آل‌نهد در شلیک سرنگونی حکومت دکتر مصدق در ایران و شکست کودتاها دیگر، که اسناد کودتاها ۲۸ مرداد دود بگر کودتاها علیه حاکمیت‌های ملی توسط خود آمریکا شایع شده است. نحوه دیگر اینکه با این همه شعار آزادی و دموکراسی می‌شاهده می‌کنیم فروش کتا بهای سنا دلانه‌ها سوی در آمریکا جرم تلقی می‌شود.

بحران ایدئولوژیک

اما عمیق‌تر از بحران سیاسی فوق

بحران ایدئولوژیک درون جامعه آمریکا است.

منظور از بحران ایدئولوژیک این است که اصول آمریکا تنها ایدئولوژی اشیا نیست و مشخصی ندارند. آنچه انسجام جامعه آمریکا بی‌حفظ کرده، انگیزه‌های ضد کمونیستی آنان بوده است. در آنجا با جوسا زیمها کمونیسم به صورت یک "تابو" درآمده و آن را "توهم سرخ" می‌گویند. این پندار در طیزمانی طولانی در روان ناخودآگاه مردم جا گرفته است. به طوری که آنها را نشانه خدا شناسی قلمداد می‌کنند.

در گذشته ضمیمه با کمونیسم درصد حساسیت‌های مردم آمریکا قرار گرفته بود. یک کارگر لائوری در آمریکا دیدم که گرچه خیلی فقیر بود، ولی معتقد بود که سون قاطعت لازم علیه ویتنام می‌باشد. او می‌گفت اگر من آنجا بودم، سر کمونیستها را بااره می‌بردم. خانمی وقتنا کمونیسم را می‌برد، بدنش دچار عرق می‌شد. این پدیده زیمها سیاست داخلی و خارجی آمریکا را تشکیل می‌داد. کافی بود بگویند دکتر آل‌نهد کمونیست است و مردم آمریکا را علیه او بسیج نمایند. یا بگویند دکتر مصدق کمونیست بوده و یا اینکه به آنها آزادی می‌دهد است. همین کافی بود که ملت آمریکا هر نوع اقدام علیه مصدق را ضروری بدانند و دولت با این جوسا زیمها به کودتای زیر پا گذاشتن معیارهای دموکراسی حقا نیت بخشد. حتی نهضت‌های مذهبی را هم با انگال نقاط با ما رکسبم سرکوب می‌کنند.

علی‌رغم اینکه آمریکا خود را وفادار به دموکراسی و حاکمیت ملت‌ها نشان می‌دهد، در عمل دیده شده که هر جا صحبت از کمونیسم به میان آمده، دیگر تبعیض به رعایت معیارهای دموکراسی ندارد. مثال با رزان برخورد با آمریکا است. حکومت مردمی تیکاراگوئه، آن هم طی ده سالیکه ورتگانا اکثریت آراء برخورد را بود. در این دوران مطبوعات آمریکا انباشته از انتقاد به کمونیسم و برشمردن مزایای کابینا لیس بود. اکنون با توجه به فروپاشی اردوگاه سوسالیسیم، انسجام سیاست داخلی و خارجی آمریکا نیز از هم پاشیده و دچار یک سرگردانی عمیقی شده اند که هیچ چیزی هم جایگزین آن نشده است. چیزی که ما لها وحدت ملی آمریکا را ناهمین می‌کرد، یعنی خطر اتحاد شوروی، امروز دیگر وجود ندارد. برزیلینگی اخیرا در کنگره‌ای که توسط پاپ در واشینگتن برگزار شد، گفت: "آمریکا دچار یک بی‌نظمی فلسفی است"، با هم‌ضمین انتقاد به کمونیسم آنها را داشت: "کابینا لیس هم نمی‌تواند مشکلات عصر حاضر را حل کند". در این کنگره به بنیادگرایان سلامی شیدا انتقاد شد.

بنیادگرایان مسیحی

سرخ‌پو می‌کنند که ملت آمریکا به

بی‌اعتمادی به نظام آمریکا نیست؟ به نظر من این جوانان پس از جنگ بی‌نیاز و بی‌نیاز ما ۵۵ هزار رگتسه آمریکا بی‌نیاز، آن رسوایی عظیم، قضیه واکریت، جریانات مک فارلین و جنگ اخیرا آمریکا علیه عراق دچار بی‌اعتمادی عجیبی شده اند. دولت مردان تلاش فراوان می‌کنند که در جنگ اخیرا آمریکا را پیروز و ناموفق کنند و از این طریق بی‌اعتمادی مردم آمریکا را تا حدی کاهش دهند، ولی در محافل دانشگاهی، آگاه، شدیداً نسبت به این جنگ اعتراض وجود دارد و بی‌اعتمادی نشان بیشتر هم شده است.

در قضیه مک فارلین آنقدر دروغ به مردم آمریکا گفتند که حتی با جوی‌های ساختگی کنگره هم نتوانست این بی‌اعتمادی را دیرا جبران نماید.

همه می‌دانند که ریگان از جریان مطلع بوده ولی آن را منکر شد و به هیچ دادگاه می‌هم حاضر نشد.

کما اینکه در ایران نیز مسئولین ما نتوانستند اعتماد مردم را به این مذاکرات جلب نمایند و خود منشأ دوستگی‌ها و حذق‌ها بی‌شد.

یک دروغ آشکار از طرف رئیس جمهور آمریکا کافی است که نزد مردم بی‌اعتبار و ساقط شود. به نظر من این بی‌اعتمادی است که سرخوردگی را به وجود می‌آورد و امروز جامعه آمریکا با آن مواجه است.

به عنوان مثال در جنگ آمریکا علیه عراق، سرنام آمریکا اعلام کردند که هدف از این جنگ دفاع از ملت کویت است. در حالی که موقع تجا و زعراق به ایران از ملت ما چنین دفاعی نکردند. به علاوه نیکسون اعتراف کرد که هدف ما از این جنگ دفاع از شیوخ عرب نیست، بلکه هدف ادا مدعای نفت است. آمریکا ست، ماده‌ای که تصد ما بر آن استوار است. ژنرال شوارتسکف هم پس از برشمردن بحران انرژی در آمریکا اعتراف می‌کند که همین مضمون نمود. این سیاست‌های دوگانه هم، بحران بی‌اعتمادی را افزایش می‌دهد.

ب - آیا به نظر شما غیر از مسئله بی‌اعتمادی بحران دیگری در درون جامعه آمریکا نیست؟

بحران دموکراسی

الف - البته، علاوه بر بی‌اعتمادی و رکود اقتدا دی که توضیح دادم چند بحران سیستماتیک دیگر وجود دارد: یکی بحران "یک با مود و هوای

خاطر مذهبی بودنشان ضد کمونیست هستند، در حالی که بنظر نیست در آمریکا روانشناسی جای مذهب را گرفته است و کلیسا و واتیکان به صورت یک نظام ضد حضرت مسیح (ع) درآمده است. می بینیم کلیسا علیه همه مصلحین مذهبی و کشیشها بی که می خواهند رویه های حضرت مسیح را زنده کنند قتل علم کرده و به نام مرتد آنها را زکلیما اخراج می کند، رسانه های آمریکا هم این مذهبی ها را به عنوان بنیان دگرای مسیحی محکوم می کنند. این جریان اصل مذهبی که در حال رشد و گسترش می باشد، در آمریکا لاتین از موضع عدالتخواهی با ما رکنبستها و انقلابیون دیگر همکاری می کند.

این مسئله یکی از بحرانهای کلیسا و نظام آمریکا است. آنها نگارنده که ما در این خلا مذهب و سرگردانجا معسه آمریکا توسط مذهب و به اصطلاح نهیسا بنیان دگرای مسیحی برشود، علت اینکه آمریکا پس از کمونیسم اینقدر نسبت به اصولگرایان اسلامی و اصول مذهب حساسیت نشان می دهد این است که این پدیده به درون جامعه آمریکا راه یافته و سیر آن رویه گسترش است که بدینک بحران درونی تبدیل می شود.

بحران ایدئولوژیک در کشورهای اسلامی

ب - البته مسئله فریاد شوروی برای آمریکا خیلی گران تمام شد، هر چند بحران داخلی که شما گفتید خیلی مهم است، ولی در کنار آن در سطح بین المللی هم در سربانی برای آمریکا و متحدانش وجود دارد. همواره در برخی ز کشورهای اسلامی و حتی جزایر اسلامی که وابستگی چندانی ندارند، به دلیل حساسیتی که به کمونیسم دارند، به آمریکا خوش بین بودند، به خاطر وجود همین گزارش مشترک بین آمریکا و آنها اتحادهای بالقوه و بالفعل بوجود می آمد، مثلاً سادات در موقع عقد قرارداد کمب دیوید گفت: "این اتحادی است از خدا پرستان (مسیحی - یهودی - مسلمان) علیه بیخدا بی کمونیسم".

همچنین علت همکاریمان حسی از روحانیت با کودتای آمریکا یا انگلیسی ۲۸ مرداد، جو سازی انجام شده روی حزب توده و "توهم سرخ" بود. در قضیه سک فالین، ریگان یک انجیل پشت نویسی شده برای مقامات ایران هدیه فرستاده بود که بگوید اتحاد ما پشتوانه ایدئولوژیک دارد. حتی عربستان و سایر کشورهای بی که وابستگی به آمریکا دارند، توجهشان همین تفکر ضد کمونیستی است. فهد گفته بود: "ما اینقدر قیمت نفت را ارزان می کنیم تا تمدن خدا پرستان غرب تقویت و کمونیسم نابود گردد".

در ایران شاه بودیم که بعضی جریانها خودشان را عزیز دردان و متحد طبیعی آمریکا می دانستند و در محاسباتشان معتقد بودند که آمریکا همیشه در کنار ماست، چرا که ما از آمریکا ضد کمونیست تر

هستیم. اگر آمریکا در مواضع سیاسی با اقتضای ضد کمونیست است، ما از موضع فلسفی و ایدئولوژیک ضد کمونیست هستیم و آمریکا با بدنامی ما حمایت کند. بعضی از نیروهای ملی هم می گفتند که ما و آمریکا هر دو ضد کمونیست هستیم، منتی ما از موضع منافع ملت و آمریکا از موضع منافع انحصارات.

از این موارد زیاد است، ولی حالا دیگر زمینه های بین گونه توجیهات از بین رفته و همکار کشورهای و احزاب مسلحان با آمریکا موجب سنج مردم علیه آنها می گردد.

بحران آمریکا در چین

همین معضل برای آمریکا در چین هم وجود آمده است. ما شوشیستها و اکثر مردم چین بر اساس "نظریه سه جهان" معتقد بودند که شوروی و سوسیال امپریالیست و خطرناکتر و بیادارتر از آمریکا است. امپریالیست است، این تئوری در سطح جهان توجیه همکار می ما شوشیستها با آمریکا و در ایران با ساواک بود.

حالا ملت چین اولاً متوجه شده اند که این نظریه اشتباه بوده، ثانیا - فروپاشی شوروی را فاجعه خواندند و نقش آمریکا را در سقوط آن دیدند. اکنون کینه ها و نفرتشان علیه آمریکا بیشتر شده است. نزدیک دولت چین به آمریکا هم قادیستوها ایدئولوژیک و سیاسی بوده و سرمایه گذاری اقتصادی که آمریکا در چین کرده، متزلزل است.

بحران انرژی

ب - یکی از مسائلی که اشاره نکردیم، بحران انرژی آمریکا است. می دانید آمریکا بزرگترین واردکننده نفت دنیا می باشد. شرکتها ی فرا ملیتی نفت سالانه میلیاردها دلار در آمد نفت دارند. ما لیا می که آمریکا از آنها می گیرد رقمهای سرسام آوری است. بسیاری از سیاستمداران و کارشناسان هم اعلام کردند که یکی از اهداف عمده جنگ آمریکا علیه عراق مسئله نفت بود. که با کنترل منابع نفتی، ژاپن و اروپای غربی در کنترل داشته باشد.

ولی نباید از نظر دور داشت که نفت خاور میانه تا به حرکتها ی انقلابی و رادیکالیسم درون مردم آن است. چرا که هر وقت در یکی از این کشورها انقلابی - روی زمین - رخ می دهد، منابع زیر زمینی مثل نفت از کنترل آمریکا خارج می شود. لذا می توان گفت که آمریکا به ترتیب اولویت اول برای نابودی نهضت های رها بی بخش و اسلامی به منطقه آمد. ما نباید برای حفظ موجودیست اسرا شیل و نالنا برای کنترل نفت

مسئله مهمی که در مورد نفت و آمریکا می توان گفت این است که اگر کشورهای اسلامی هویت اسلامی خود را با زبانه و نفت را به آمریکا ندهند، بحران درونی آمریکا خیلی تشدید می شود. همین که تمام جناح های آمریکا در جنگ اخیر به

توافق رسیدند، به خاطر آنرا نترسین نفتی است که در طول تاریخ وجود داشته است. هم اکنون می بینیم که عربستان تولید نفت روزانه اش را دو میلیون بشکه زیا د کرد تا نفت از آن نترسیده و رکود آمریکا را تا حدی جبران کند. بوش هم بتواند در انتخابات رای آورد. مسئله انرژی به حدی برای آمریکا جدی است که برای تامین آن مجبور است تا حدی منابع را بگرفته و در کنفرانس صلح فشارها بی برایشیل وارد کند، تا شاید بر بحران درونی خود غلبه نماید.

بحران صنعت نفت داخلی آمریکا

الف - من متکرار مطالب نیستیم. ولی بحران انرژی آمریکا را باید به دو قسمت تفکیک کرد:

قسمت اول: منافع حیاتی آمریکا در خارج است
قسمت دوم: فکر تجاری بحران صنعت نفت در درون آمریکا.

در باره قسمت اول همه مطبوعات و رسانه ها مطلب می نویسند. شما هم اشاره کردید. تا آنجا که جنگ اخیر معروف به جنگ نفت گردید، ما مطالب جدیدی که به نظرم با دیدن آن تا کید کرد این است که آنچه آمریکا را دچار بحران رکود می کند، فکر تجاری و در صدر آن فکر تجاری نفت است.

منظور از فکر تجاری این است که اصولاً روحیه تجارت ایجاب می کند که جنس را به ارزانترین قیمت بخرد و به بالاترین قیمت بفروشد.

توضیح اینکه وقتی نفت از آن خارجی وجود داشته باشد، فکر تجاری که سایر آن سودجویان است ایجاب می کند که تا آنجا که ممکن است نفت ارزان وارد نموده و به ذخیره سازی بپردازد.

آمریکا قریب یک میلیارد بشکه نفت از آن واردات کرده است. به قدری ارزان است که صنعت نفت در درون آمریکا را قلع نموده. به لحاظ اقتصادی تولید داخلی صرف نمی کند. لذا می بینیم تعداد زیادی از شرکتها ی نفتی و حفاری آمریکا اعلام ورشکستگی کرده و تعطیل شده اند و بقیه هم رونق چندانی ندارند. تعطیل این شرکتها نقش زیا دیدر بحران رکود آمریکا دارد.

به عنوان مثال وقتی یک دکل حفاری که نفت برپا می شود، این دکل ۱۵۰ هزار قطعه لوازم بدکی دارد که هر قطعه با چند قطعه آن توسط یک کارگر به

این دلارها در گردش آنجا که از سودجویی و فکر تجاری به دست آمده و حتی صنایع خود آمریکا را دچار رکود ساخته، قاعدتاً در نیست صنعت کشور را احیاء نماید. این دلارها یک پشتوانه فرهنگ تجاری دارند و به شرطی وارد ایران می شوند که در خط تجاری آنها به کار افتد.

با کارخانه بخش خصوصی تولید می شود. حال اگر تولید داخلی نفت آمریکا متوقف گردد، تمام این کارگاهها به حالت تعطیل درآمد و بحران رکود و بیگاری وسیع دانگیشان خواهد شد. اکتشاف جدید هم که صرف نمی کند.

آنچه هم اکنون اقتصاد آمریکا را قدرت بخشیده، رونق و تولید داخلی نیست، بلکه پول سرشار است که در اختیار دارد و قسمت اعظم آن در خارج آمریکا است که از طریق سودجویی شرکتها ی فرا ملیتی به دست آمده است. در داخل آمریکا هم میتند زیادی

برای سرمایه گذاری این پول نیست، به عبارتی می توان گفت این فکر تجاری حاکم، منافع ملی و صنعت ملی آمریکا را قربانی می کند. بحران رکود می کند که گفتیم از همین جا سرچشمه می گیرد.

شنیده ام که دولت ژاپن قطبهای صنعتی را مکلف کرده است در کنار خود یک قطب گشا و وزی نیز ایجاد نماید. هر چند که هزینه تمام شده محصولات گشا و وزی به برابری قیمت و ارزش آن می باشد.

ژاپن در برتو فرهنگ ملی و منافع ملی به خود کفای پیورونق داخلی فکر می کند. ولی آمریکا به علت فقدان این فرهنگ ملی و منافع ملی خود به سودجویی و فکر تجاری مشغول شده و این فکر تجاری تولید داخلی را از بین می برد. اگر بخواند بر این بحران غلبه کند باید دست به یک انقلاب عمیق سیاسی، فرهنگی بزند و با و رها ی خود را تغییر دهد. این فکر تجاری است دروازه های بازرگان به دنیا داشت که آمریکا این سیاست را در همه جا اعمال می نمود و منافع ملی ملتها را لگدمال می کرد. هر ملتی هم که در مقابل این سیاست مقاومت می کرد، با کودتا و اعمال قدرت آن حکومت را سرنگون می کرد. ولی چون لاجنگ سرد تمام شده و عمدتاً دوران "جنگ رقابت" است و در این صحنه آمریکا توان رقابت با ژاپن و اروپا و چین ندارد.

سیاست درهای باز

همین شعار را آمریکا بی دروازه های با زگلوئی خود آمریکا را فرود و بر علیه او عمل می کند. تا آنجا که بوش قبیل از سفر اخیر خود به آسیا گفت مهمترین علت رکود در آمریکا عدم صادرات کالاهای آمریکا است که به خاطر زمینه سازی برای آن به ژاپن فشار می آورد. همه جا



همین شعا را آمریکا بی‌دروا زه‌ها یا زگلوئی خودا آمریکا را فشرده و برعلیه‌ها و عمل می‌کنند. زیرا همه‌جا تبلیغ می‌کردند که سیاست درها یا با موجب رقابت و رشده تولیددا خلیوبا لایردن کیفیت آن می‌شود. ولی حالا آمریکا خودمخالف این سیاست شده است.

بعضی‌ها مشکل صنایع را بعد از خلیا عدم کارآیی در مدیریت می‌دانند. درحالی که به نظر من فکر تجاری را کم‌کم پشتوانه فقهی هم دارد. زمینه‌ها برای موجودیت و میدانی‌ها برآورد صنایع باقی‌نگذاشته است.

این فکر تجاری را کم‌ترجیح می‌دهد که با فروش نفت بدون دردسر محصولات ساخته شده‌ها رجحان را رد کرده‌ها و از این طریق بخصوص با دو قیمت بودن دلار سود را حتی به دست آورد. و با فرض نیست زحمت و مشکلات تولیددا خلیا تحمل نماید. لذا با صناعت عماد زولتی و خصوصی آن هم برخورد تجاری می‌کند.

وقتی فقهی‌ها یا درکتا به‌به‌ای اقتصادیشان می‌گویند انگیزه و محرک انسان سودجویی است و وجود این انگیزه را موجب رونق اقتصاد می‌دانند. دیگر میدانی‌ها یا خودکفا بی‌صناعت ملی و صنعت ملی باقی نمی‌ماند. (کتاب مالکیت خصوصی نوشته آقای حمیدی میانجی). کما اینکه به فکر احیای صنایع ملی‌ها هستند. یا بیستی مقدم بر حل مسئله مدیریت و یا دعوی دولتی و خصوصی. بسا این تفکرو آموزش‌ها برخورد کنند.

در زمینه اقتصاد دی‌زیک طرف از دستا وردهای انقلاب و مواد دقت‌نمون اما سی‌که شمره خون شهدا است عدول‌هایی داشته‌یم. از طرف دیگر همزمان با این عدول‌ها به‌ظواهر احساس می‌شود که سیستم اقتصاد آزاد آمریکا، الگوی برنامه‌ریزی مانده است. تلاش‌ها بی‌هم‌برای خودم و استقرار ازبناک جهان و کشورهای غربی‌ها شرایط سنگین آنها می‌شود که اکثر شرایطشان ناقص استقلال ماست. از زمان‌ها یا انقلاب هم‌کم‌گذریم و از دیدگاه منافع ملی‌ها یا حداقل رزبایی کارشان سی‌نگاه کنیم. جای تعجب است که با این روند فوولی و بحران و رکودی که آمریکا دارد. چگونه می‌شود سرتوشت اقتصاد دی‌خودمان را به این روند پیوند

تبلیغ می‌کردند که سیاست درها یا با موجب رقابت و رشده تولیددا خلی و با لایردن کیفیت آن می‌شود. ولی حالا آمریکا خودمخالف این سیاست شده است. علی‌رغم اینکه هر ساله آمریکا تعرفه‌ها یا گمرکی، واردات خود را بالا می‌برد. معینا در صحنه رقابت عا جز شده است. منطق سودجویی و دروازه‌ها یا باز. بی‌رحمانه منافع ملی‌ها یا تا بود می‌کند. تا زمانی که فکر تجاری بر آمریکا حاکم است. کدامتا جری‌ها یا ست از رزانتربین نفت و به اصطلاح خودشان شیرین‌ترین نفت صرف نظر کرده و مشکلات و هزینه‌ها یا تولیددا خلی را تحمل نماید.

به دنبال انحلال بیجان و رشو، به بحران و رکودی که دستگیر صنایع نظامی آمریکا می‌شود. آثار رکودیم. حالا هم که در همان راستا بحران صنعت نفت داخل آمریکا را تا حدی شکار فتنیم. به نظر من گرچه نمی‌توان بحران‌ها یا خارجی را نادیده گرفت. ولی اینها مهمتر است. متاسفانه همین فکر تجاری در ایران هم ضایعاتی به‌بار آورده و صنایع ملی‌ها را فلج کرده است. سیاست درها یا با در ایران طوری‌ها نمود کرده اند که برای حمایت از صنایع داخلی است. ولی عملا می‌بینیم که همه‌کارها و صنایع ملی‌ها به حالت تعطیل و رکود درآورده است. دیگر کسی‌ها فرض نیست مشکلات برپا کردن یک صنعت را تحمل کند. درحالی که می‌تواند محصولات تمام شده آن را به قیمت ارزانتری وارد نماید.

کما اینکه فکر صنعتی‌ها یا شسته و می‌توانند صنعت ایران را احیا نمایند. بنده به لحاظ سیاسی و جنبه اقتصادی مظلوم واقع شده اند.

الف - من معتقدم بهترین اقتصاد با بیستی برپا به اعتماد مردم به نظام حکومتی‌ها یا باشد. به طوری که داء و طلبانه مالیات بدهند نه با زور. لذا پیشنهاد من این است که نظام جمهوری‌ها یا با مردم واقعاً برخورد صادقانه داشته باشد. مشکلات مملکت را از موضع صادقانه قبل از اینکه رخ‌ها یا بداند. با مردم در میان بگذارد. صرفاً با سیج مردم است که اقتصاد خلی رونق پیدا می‌کند. آیا همین مردم نبودند که در برابر آنها جمدنیایا طریق صدا مقام و مسئولان جانا نه نمودند و در کربندوا سلام با دیدن از شکسته شدن مقام و مت تشکیلاتی، ایران اسلامی را نجات دادند.

به نظر من با بیستی ابتدا به هویت اسلامی، یعنی اسلام را همان‌ای عمل دست یا بیم. به خصوص در این مقطع از تاریخ که همه‌جا اسلام زمتن بوده‌ها در حال حوش است. و دنیا زه‌یک مجموعه راه‌های عمل وجود دارد. میدوا رما توجه به انقلاب شکوهمند اجزا بروی بحران و رکود غرب و مقام و متی که در برابر جنبش‌ها یا سلامی می‌کنند. به استرری متراکم یک ملیا رد مسلمان و اهمیت سامان یافتن آن بی‌بیریم.

والسلام

در باره مطلب فوق قبلا مقالات "بحران و رکود غرب" ش ۳۹ و "بحران‌های درون آمریکا لیم" ش ۵۶ را داشته‌یم.

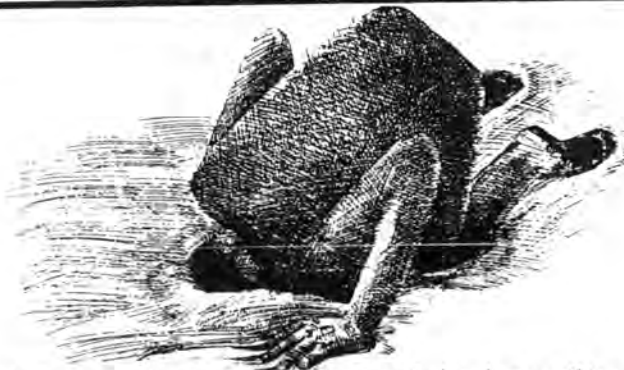
بزنیم. آیا مسئولین ما از این بحران‌ها خبرندارند.

ب - به نظر می‌آید که خبرداشته‌ها یا شنید. ولی آنچه که آنها را به این سوتمتایل کرده است این است که آمریکا علی‌رغم بحران و رکودش پول زیادی در دست دارد و بر موسسات مالی دنیا هم حاکمیت دارد. از طرفی هم مسئولین ایران برای بسا زبوتوسعه به دلار و ارز خارجی احتیاج دارند.

الف - آیا فکر نمی‌کنید این دلارها یا در گردش از آنجا که از سودجویی و فکر تجاری به دست آمده. و حتی صنایع خودا آمریکا را دچار رکود ساخته. قا در نیست صنعت کشوری‌ها یا احیاء نماید. این دلارها یا یک پشتوانه فرهنگ تجاری‌ها یا دارند. به شرطی وادایران می‌شوند که در خط تجاری‌ها یا به‌کار افتد. یا اگر در زمینه صنایع به‌کار غذایی‌ها یا شده باشد که هزینه آن در عرض دوسال با زبردخت گردد.

در تکمیل این صحبت‌ها یا خیبر کارشناسان با تک‌جهانی‌ها یا می‌بیروزه‌های پیشنهادی ایران برای سرمایه‌گذاری و مطالعه و فقط سرمایه‌گذاری در صنایع مصرفی نظیر نساجی را تا بید کرده اند. آن هم با شرایط سنگین.

ب - در این موقعیت جهان بی‌پشتنهاد شما برای حل مشکلات دا خلی چیست؟



قا عده استنهاها

ظرفی می‌گفت این روزها در مورد هر چیز معمولا قا عده وقتان وضع شده ولی به استنهاها عمل می‌شود. مثلا قا عده این است که ما شینها یا دولتی برای خدمت بوده‌ها استفا ده اختصاصی از آن ممنوع باشد. اما رئیس، معاون، کارشناس ارشد و غیرا رشدا ده از این امر مستثنی‌ها یا شند. افرادی هم که در این رده‌ها نیستند. وقتی استنها زدن‌ها یا رئیس و روسا را می‌بینند به خود حقیقت می‌دهند که بر این قا عده استنها بزنند قا عده وضع می‌شود که اگر کسی در روزنامه‌ها یا به دیگری توهین کرد یا مطلب خلاف واقعی نوشته آن روزنامه طبق قانون می‌بایست جوایب را به‌جا برباست. اما فلان روزنامه‌ها یا کثیرا لانتشار چاپ

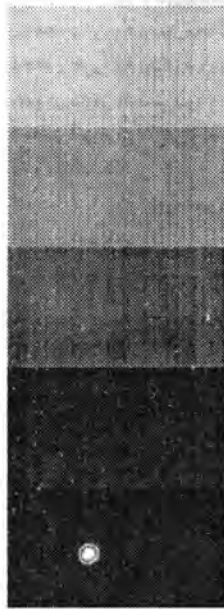
نظر در باره آئینده مملکت خود. از مستثنی بودن این جامعه و آن جامعه از تبعیت قانون اجزای و گروه‌ها تا مستثنی شدن فرزندان این بولدا روان بولدا را از انجا خدمت نظا موظیفه با برداخت چند هزار دلار. از مستثنی بودن مسئولین ارجب و میانه و راست در رعایت نوبت برای بستری شدن در بیمارستانها تا نقضهای مکرر قانون اساسی.

از تعطیلی استنها یا اصول دین، حتی صل توحید تا حاکمیت استنها یا بسیار مسئولین جیهه ندیده و مبارزه نکرده. بر شئون تا امت حزب الله مبارزه کرده و شهید داده. از این ظریف جان‌ها یا گرم شده بود ما دیدیم که اگر تعداد این استنهاها بیشتر شود. ممکن است ما هم استنهاها بالکل عشق و ایمانمان را نسبت به جمهوری اسلامی ز دست بدهیم. لذا استنهاها گوش دادن به حرف‌ها یا بی‌را فرا موش کردیم.

جنگ گرفته. نا عبوریتزهای با سر نشین و بی‌ر نشین از خط و بیژه. از مستثنی بودن برخی از اعضای شورای نگهبان. از ممنوعیت تبلیغ برله یا علیه‌ها یا ندیده‌ها یا انتخابات تا مستثنی بودن این نماینده جناح چپ و با آن نماینده جناح راست از عمل کردن به حقیقتها و شعرا‌ها یا خود در باره سادده زیستی و پیرو خط امام بودن. از مستثنی بودن این تا جبر از برداخت صحیح مالیات تا مستثنی شدن آن مرجع و شخصیت سیاسی از حق اظهار

«سرودی از حاشیه کویر»

دو قطعه شعر ذیل گرچه مربوط به بهمن ماه است اما به علت آنکه دیر به دست ما رسید، در این شماره تقدیم خوانندگان می‌گردد:



شیرین‌تر از شراب گوارای چشمه‌ها
رنگین‌تر از تراوش سبزه و سبید و سرخ
از متن دشت‌ها
زیباتر از بهار، «رویای» من سلام
اندوه من به سراپای خاموشی،
ای در تنم باران خاطر من
آواز نرم عشق
اندوه من به سراپای تو سرشست
نقش خیال ز درد هزار خاطره دور دور دور
«رویای» خوب من،

روزی که گل ز گونه سرخست شکفته شد
روزی که غنچه شادی زیوته رست
روزی که غم ز کلبه هر کودکی جو تو، رخت ستم بیست
آن روز تو خاطر ما را به یاد دار
یاد آر که در سپیده صبحی به گرگ و میش
بابای پیرتو، آن نوجوان سراپا غرور و شور
از کلبه ای میان همه کلبه‌های سرد
با چکمه و سلاح و کهراسب و زین و برگ
با عزم آهنین
شد تا بشوید از این مرگ‌زار پیر، هر جای پای دیو
اورفت و رفت و رفت تا قلب این کویر

اما سلاح پدر، کهنه بود و خرد
دشمن که نوکر خصم بزرگ بود
آنروز در آن نبرد غیر برابر
مغلوب کرد و سلاحم گرفت و برد
زنجیر آهنین بر پا و دست و گردن بابای تو فشرده
زندانی و بند و میله و شلاق بود و مرگ
در پشت آن همه دیوارهای سخت
فریاد غم گنانه بابا و دوستان
در نطفه خفه گشت

در پشت میله‌ها
زجر و شکنجه بود
دزخیم بود و سحرگاه و شامگاه
هر کار کوچک و ناچیز
خود یک بهانه بود
بابا اسیر هواهای خصم بود
حاکم در آن، صعود شلاق و درد بود
یا مشت یا لگد
فریاد نیمه شبی
گویای صبر اسیری
اسیر ضربه شلاق
با خنده تمسخر یک ابله خرفت
وامانده در برابر آن صبر پایدار



القصه
هر شبی، سحری، صبح و یا غروب
بیگاه و گاه
هر گونه جنبشی، هر گونه جوششی
یا هر تلاش کوچک و ناچیز یک رفیق
خشم دروغ خصم ستمگر، براه داشت
شلاق بود و خون
وانگه که خون عشق اندام مرد را
گلفام مینمود
یک مرد «نه»
خدای «نه» به تسلیم
در کنج تار سیاه چال سرد و نمور
که صدر حمتا بگور
مرد غیور تنها غنوده بود
«رویای» خوب من
ای خنده‌های تو
آرامشی برای درد کهنسال و پیر من
صدها سحرگه خونین
که یک برادر خوب
تنها بخاطر یک «نه»
«نه» در برابر تسلیم، «نه» در برابر غارتگر شرف



آرام و در سکوت
دزدانه دست رفیقان فشرده و رفت
محکوم بود به مرگ
در گوشه اطاق پنهان ز چشم شرربار دشمنان
با دوستان که هنوز او نرفته بود،
در سوگ او، هر مشتشان گره
با خشم و غیظ و تفی بر خدای زور
با آن برادران صادق و با آن کسان راه
بدرود گفت و رفت!
احمد، تقی، دست خداوند یارتان
محمد، حسین، پیروزباده، قلب بزرگ، آرمانتان
محسن، برادرم، گر با سلامتی بگذشتی از این کویر
عمار من، نشود او چو من اسیر
اورا بگو که: «بمیران»، نشد «بمیر»



«رویای» خوب من، ای بس برادری که به زیر
شکنجه‌ها
یکبار رفت و دگر نامدش ندا
ای بس که خواهری، معصوم و طاهری
طاهرتر از بهار
با شور دختر پاک و مبارزی، با یک بلوز کهنه زندان
بر لب سرود سراسر خدا و خشم
در زیر چکمه دزخیم خودپرست،
گویا نشد زبان که بگویم چه‌ها کشید
شب بود و سردی زندان فزون آن
ما با سرودها، آرام و زیر لب
با آیه‌های گرم، با قلب آتشین، درهم شکسته خشم
ستمگر
برهم زدیم، آن همه مکر و دروغ او



«رویای» خوب من
یک روز سرد زمستان که برف بود،
سرما و سردی جلاد و خشم بود
همراه برف و بهمن و کولاک ماه دی

از اوج آسمان، و اندر فراز آن همه بارو و برج و بند
 بر سینه‌های ابر
 تصویر رنگ شفق
 در دیده انعکاس جهاد و خروج خلق
 عصیان مردمان، خونین و پر خروش
 شد ترجمان سرخی گلگون خون خلق
 آن مردمان خوب
 لبهایشان زده تاول ز سوز جور
 دستانشان همه خالی، با قلب پر امید
 با قامتی صبور
 جنگی به ریسمان خدا زد و دست خدا
 با نام «روح خدا»
 آمد ز آستین خدایی برون که خلق
 نی قوم لوط و نوح، که قوم محمداند

ولا تحسبنّ الذّین قتلوا فی سبیل اللّٰه امواتاً
 بل احياء عند ربهم یرزقون

در سی‌امین سپیده بهمن ۱۳۵۲، سینه‌های ستبر شش
 دلاورمرد با ایمان، با خون پاکشان گلگون شد.
 شهادایی از سرزمین نهایند، با صلابت و استوار، به
 نام‌های «ولی‌الله سیف»، «ماشاء‌الله سیف»،
 «روح‌الله سیف»، «حجت‌الله عبدلی»، «عبادالله
 خدارحمی» و «بهمن منشط»، یادشان عزیز و راهشان
 جاودانه باد.



آهنگ باره‌گشتن زنجیر پایشان از دور می‌رسید
 فریاد مردم محروم با صد امید و راز
 موجی گرفت باز، موج عظیم رزم
 اوج آمد آن طنین صداشان به آسمان
 آماج رعد آن دژخیم خودپرست، انبوه ناکسان
 فریادشان رسید
 و از سوی دیگر دیوار با صد غرور و شور
 آوایشان ز روزن سلولمان گذشت
 «آزادشان کنید، آزادشان کنید»
 گفتیم به دوستان
 با آن کسان راه
 آوای خلق بود، آمد به گوشتان؟
 با قلب پر امید
 یکدل و یک زبان
 گفتیمشان سیاس، ای خلق قهرمان
 فردا کنارتان بورش می‌آوریم، بر قلب دشمنان
 ویرانه می‌کنیم افسون خائنان
 خون را به خاکتان، گسترده می‌کنیم
 ای مردمان خوب، شاید سیاستان

در رتای شهدای گروه انقلابی ابوذر

عفريت كشته‌اند،
 مردی حرامکار، خوارنده‌ریا، زالوی اجتماع
 اینان کاری که کرده‌اند عین صواب بود
 و آن را که کشته‌اند، بهر عقاب
 کاین نحوه عذاب الیم ماست،
 بر دشمنان خلق، با دست توده‌های ستم‌دیده زمان
 * * *
 اینان قصد قصاص خلق ستم‌دیده داشتند
 اینان آزادگان آگه و اخبار مردم‌اند، مرد تمهیداند
 بار امامتی که به حملش نداد تن
 هم اوخ آسمان، هم پهنه زمین هم رشته جبال
 اینان بر دوشهای خویش همان بار عهد را
 جانانه تا به منزل ایفا کشیده‌اند
 اینان نمرده‌اند همواره زنده‌اند
 اینان به نیک‌بختی مطلق رسیده‌اند
 داریدشان بزرگ، دانیدشان سعید، نامیدشان شهید
 * * *

جلاد تشنه بود و خون بود چاره‌اش
 دژخیم ددمنش، آلود پنجه خود را به خون خلق
 در آخرین سحرگه بهمن به گاه فجر
 آن دم که پیک رحمت یزدان به پهن‌دشت
 می‌گستراند فرش نو از مخمل سپید
 بهمن و پنج یار وفادار انقلاب
 با شور و التهاب، بر متن مخملین و بسیط بیاض ناب
 با خون خویش مزرعه لاله کاشتند
 و اندر همان پگاه بر طاق کاخ غم آلود پهن‌دشت
 خونین لوای نهضت حق بر فراشتند
 بانگی طنین فکند
 در عرصه‌گاه رزم
 بفشرد دست ظلم بند سلاح ننگ
 بشکافت سینه‌های جوانان بیشتاز
 آغشت تا به خون شش گرد پیشگام
 شش بارور ز مهد نهایند سر فراز
 * * *

این قصه را و رای همه قصه‌های خلق،
 تاریخ بر صحیفه گل‌فام خود نگاشت
 زان خون و خونفشانی و زان صبحدم گذشت
 آینده را بر عهده آیندگان گذاشت
 تا باز کی بریزد جلا د خون خلق
 یا کی به گاه رزم شود سرنگون خلق

تعظیمشان کنید، فرمانشان برید
 پس باز سر بسایید سر به آستانشان
 پس باز سجده آرید بر بارگاهشان
 اینان نه مفسدند و نه خونریز، بنگرید
 این بندگان صالح‌الله در زمین
 کوشیده‌اند و کار خداگونه کرده‌اند.



«دشمن عقب نشست»

زندان قصر - دی ماه ۱۳۵۷

قسمتی ز سخنرانی آیت الله

خامنهای سلام ۷۰/۱۱/۱۹ در سالروز میلاد فرخنده سرور آزادگان جهان، امام حسین (ع) و روز بیداری:

امروز وقتی در باره مشکلات جهان بحث می‌شود، استکبار جهانی و در رأس آن ساستمداران آمریکا بی‌بسیاری است که روی دردها و مشکلات اساسی انسانها سرپوش بگذارند، دردها و مشکلاتی همچون خطر جنگ اتمی، و محیط زیست را مطرح می‌کنند. در حالی که امروز خطر جنگ اتمی برای بشر، بیک خطر فوری و قوتی نیست بلکه خطری که از جنگ اتمی خطرناکتر است، قدرت نمایی و زورگویی استکبار جهانی است...
امریکا و شورایی منبت ساز زمان ملل متحد است که حق و مجوزی به خود اجازت می‌دهند که در مورد اخلی ملت‌هایی که

دارای معیارها پذیرفته شده با شد و مردم را بیدارند. امروز در جمهوری اسلامی ایران مقاماتی که به نحوی در کار مردم دخالت دارند به طور مستقیم یا غیرمستقیم منتخب مردم اند و این مسئله حتی در مورد رهبری نیز صدق می‌کند و این بدان معناست که در نظام اسلامی دارا بودن معیارها کافی نیست بلکه انتخاب مردم نیز شرط لازم آن است.

سخنان آیت الله العظمی منتظری

سخنان حضرت آیت الله العظمی منتظری در بیان درس خارج فقه به تاریخ ۷۰/۱۱/۲۱ که به مناسبت حوادث خونین الجزایر براد نمودند.



می‌خواهند انتخابات آزاد برگزار کنند، دخالت کنند، شورایی منبت ساز زمان ملل و در واقع کشورهای بی‌کفایتی را حق و تودر این شورا بندود حقیقت آمریکا می‌خواهند هشت رئیس‌ای برای تصمیم گیری در مسائل جهانی بنا کرده و سر دنیا سروری کنند، آنها با ابیدادند که ملت‌های آزاده جهان این هشت رئیس را قبول نخواهند کرد. خود سرپایی را که آمریکا در نقاط مختلف جهان انجام می‌دهد ممکن است مورد قبول چند نفر از سران مزدورو استبداد بعضی کشورهای باشند، اما هرگز مورد قبول ملت‌های آزاده و هوشمند جهان نیستند.

سلام ۷۰/۱۱/۱۴

سخنان آیت الله خاتمه ای دربار لروز بعثت پیامبر گرامی اسلام ایشان حوادث الجزایر را نشان با رزی زیبایی عقائدی کشورهای غربی به موکراتی استند و دخالت ایران در امور داخلی الجزایر را نفی کردند و گفتند ما سفا تهرخیسی از مسئولان الجزایر حاضر به درک حقیقت اسلام خواهی ملت الجزایر نیستند، رهبر انقلاب در باره نقش مردم در تعیین حاکمیت گفتند: هیچ کس حق حاکمیت بر مردم را ندارد مگر آنکه

بسم الله الرحمن الرحيم
گرچه صدای من و حتی دیگران نیز به جایی نمی‌رسد ولی ما سفا نه دنیا امروز با یک تضاد عجیبی مواجه شده است از یک طرف سازمان‌هایی که نیوسا زمان ملل و کله گنده‌ها طرفداران نظم نوین جهانی از دموکراسی، عدالت و حقوق مردم صحبت می‌کنند اما آنجا که آمریکا هوس می‌کنند در انتخابات کشورهای جهان سوم دخالت کنند بهانه بی‌کفایتی را حقوق عده‌ای تضعیف نمودند البته قهرادرها انتخابانی حقوق یک عده با مال می‌نمود ولی مگر آمریکا قدم‌دنما شده است که به بهانه برقراری دموکراسی و حقوق مردم محروم در همه جا دخالت می‌کنند.

شما ملاحظه کنید این روزها در الجزایر که انتخابات عادی و آزادی انجام شد مسلمانان داشتند بی‌روز می‌تند آمریکا چه برخوردی کرد، مسلمانان در مرحله اول انتخابات ۱۴۸ کرسی به دست آوردند در حالی که حکومتی که سرکار بود ۱۶ کرسی توانست به دست آورد این قدر تفاوت وجود داشت ولی آمریکا و همداستانش چه کردند؟ اکنون علماء، دانشمندان و طرفداران اسلام را دارند یکی پس از دیگری تعقیب و با زداشت می‌کنند و حرکت اسلامی را در آن کشور سرکوب می‌نمایند و یک آدم تبعیدی را آوردند و با زور و حاکمیت بر



از آنجا شیکه اخبار و اطلاعات صحیح (کما هی - هما منظور که هستند) تحلیلها را با زور مینمایند، بر آن شدیدمجموعه‌ای از اخبار مهم را در بخشی از نشریه که به اینکار اختصاص داده‌ام، درج نمائیم. اهداف مورد نظر ما در اینکار عبارتند از:

- ۱- کمک به با روری تحلیلهای سیاسی نیروهای مکتبی.
- ۲- دادن سبش استراتژیک از رویدادهای ایران، منطقه، جهان.
- ۳- کمک به پیدا کردن دید استراتژیک از مراحل رشد خلق، اقوال امیرالیمیم. ضمناً " راه مجاهد یا این اخبار بر خورد فعال میکند.

مردم تحمیل نمودند و اکنون در فکرسر تشکیل دادگانها ی نظمی برای محاکمه علماء و ائمه جمعه و جماعت و وعاظ و هوا داران اسلام می‌شوند و همه هم‌فکر شده اند و در برابر این همه مظالم و جنایات سکوت کرده اند.

علت این همه مظالم و جنایات این است که مسلمانان با لاین متممادی خواب بودند و اختیارشان را به دست دیگران داده بودند تا آنجا که اکثر سران کشورهای اسلامی خود فروخته و وابسته شدند و از این کشورها را در اختیار آمریکا و همفکران او قرار می‌دهند و بیولها نشان را دریا نگه‌های آمریکا می‌گذارند و خودشان هم سرسپرده آنها هستند.

گزارش خبری از تحولات

الجزایر

به دنبال برگزاری انتخابات داخلی در الجزایر، جنبه‌های سیاسی که رهبران آن در زندان بودند، ۷۰ درصد آرا، را به خود اختصاص دادند. با اعلام نتایج انتخابات و اینکه به احتمال قوی در دوره دوم سوم هم جنبه‌های بد بسروزی می‌زگرگت خواهد یافت دولت حاکم الجزایر و غرب به شدت نگران شدند. لذا به تخاصم مختلف سعی کردند انتخابات را با ابطال نموده و با انجام دورسعدی آن جلوگیری به عمل آورند. احزاب داخلی الجزایر که وابسته به حکومت الجزایر بودند، تلاشهایی را برای خارج کردن جنبه‌های بد از صحنه آغاز کردند. این احزاب عمدتاً خواهان ابطال انتخابات این کشور شدند.

در نهایت راه قانونی جلوگیری از به قدرت رسیدن جنبه‌های بد اسلامی در الجزایر دیده شد، تا به وسیله ایجاد دخالت قانونی در است جمهوری، انتخابات با است مجلس به تعویق افتد. بعد از استعفا ی بن جدید شورای ۵ نفره به ریاست بویصا فاداره حکومت را به دست گرفت، بویصا فاداره یکی از زهره‌های ملی الجزایر است که با حکومت الجزایر اختلاف داشت و به صورت خودتبعید در خارج الجزایر به سر می‌برد. پس از استعفا ی بن جدید

اگر همن سران کشورهای اسلامی به خود می‌اندویدند و با هم متحد می‌شدند و وضع مسلمین عوض می‌شد یک میلیون مسلمان را هیچ قدرتی نمی‌تواند مورد تجاوز قرار دهد ولی حالا کاری کرده اند که سه چهارم میلیون بی‌هودی می‌شوند در کشورهای اسلامی فعال ما بشاء شده اند. شما ببینید اسرائیل آزاد است بمب اتمی هم داشته باشد می‌تواند تولید کند اما بعضی کشورهای اسلامی نظیر پاکستان، ایران و عراق را به آنها مانیکه با در فکر تولید بمب اتمی باشند تحت فشار و تحریم قرار می‌دهند ولی اسرائیل که نوکرو با بیگانه آمریکا است با بمب‌های قوی‌تر و همه انواع موشکها و حتی بمب اتمی هم داشته باشد و مسلمانانها با بی دلیل وضعیت با شد!

گناه این وضع فعلی مسلمانان به گردن سران کشورهای اسلامی و علماء درباری و وابسته به آنها است، بیامسر اکرم (ص) فرمود: منافع من امتی است اما ملحا صلحت امتی و اذافدا قعدت امتی؛ الفقهاء و الامراء (یعنی: فساد صلاح امت اسلام مرهون صلاح دد و منصف است: یکی فقهاء و علماء و دیگری سران حکومتها، اگر این دو صنف اقزادی مالح یا شند ملت‌ها مالح می‌شوند و هرگاه این دو صنف فاسد شدند ملت‌ها نیز به فساد کشیده می‌شوند.)

وی به الجزایر با زکشت و ریاست شورای
حاکم بر کشور را برعهده گرفت.



عبدالمقادر حشانی رهبر موقت جبهه نجات

رهبر موقت جبهه نجات اسلامی
(عبدالمقادر حشانی) و سایر رهبران این
جبهه، همگی بسیار ریگزدند که به هیچ وجه
مبارزات سیاسی اروپا را نمی‌پسندند و درگیری
مسلحانه کشیده نشود، زیرا این جبهه از
بشکنیانی مردم برخوردار بود و لزومی به
مبارزه مسلحانه نمی‌دید. در حالی که حکومت
الجزایر بی‌میل نبود درگیری
مسلحانه‌ای ایجاد شود، تا بدین وسیله
بتوانند جبهه نجات اسلامی و مردم
الجزایر را سرکوب کنند.

اولین درگیری مسلحانه، حمله یک
گروه مسلح به مرکز کنترل نیروهای
ژاندارمری بود که طی آن یک سرباز کشته
و دو ژاندارم نیز زخمی شدند. (۱) پس از
این حمله نظامی، رهبر موقت جبهه
نجات اسلامی دستگیر شد و سرکوب مردم
آغاز زکشت، مقاومتها و مردمی نیز در
شهرهای مختلف به صورت نظامی و
شعاری علیه کابریا نه روی پیشرفت
با مهاجران (۲) و در نماز جمعه‌ها می‌افتاد.
حکومت الجزایر نمازها را جمعاً
محدود کرد و تشکیل صفای نماز در
خارج از مساجد جلوگیری کرد.

با تشدید مقاومتها و مردمی، جبهه
نجات اسلامی زسویوزیر کشور الجزایر
متحلاً اعلام شد. حکومت اعلام کرد از مساجد
و اجتماعات مذهبی بنیادین را پیشبرد
مقاصد سیاسی استفاذه شود.

در درون حاکمیت الجزایر نیز
تضادهایی بروز کرد. از جمله جبهه
آزادیبخش ملی الجزایر (که زمان تشکیل
آن به دوران انقلاب الجزایر و مبارزه
با فرانسه برمیگردد). به دلیل استعفا
شورای رهبری آن، منحل شد. علت انحلال،
اختلاف نظر در درون جبهه آزادیبخش
ملی بود. یک جناح معتقد به برخورد
قانونی با جبهه نجات اسلامی بودند و
خواستار برقراری دموکراسی و انتخابات
مسیحی بود. طبق قانون اساسی بودند، در
حالی که جناح مقابل که متمایل به ارتش
الجزایر بود، معتقد به ادامه روند
شورایی حکومت و عدم برگزاری انتخابات
بودند.

با استقرار ارتش در خیابان،
انحلال جبهه نجات و سرکوب مردم،
حملات مسلحانه به مراکز و شهرهای
الجزایر صورت گرفت.

موضعگیری غربیها در قبال تحولات الجزایر

به دنبال پیروزی جبهه نجات اسلامی
، آمریکا خواستار سرکوب بنیاد دگرایان
اسلامی شد. در حالی که فرانسه اعلام کرد
جبهه نجات اسلامی روابط دوستانه‌ای
خواهد داشت. آقای شیخ الاسلام معاون
وزارت خارجه ایران در مورد این
موضعگیری فرانسه گفت: "تفاوتها
می‌بینند و واقعاً الجزایر به
آمریکا بیگانه است برای اطمینان از
داشته شدن روابط با حکومت مسلمانان در
این کشور در آینده، با احتیاط بیشتر
رفتار می‌کنند. پس از انقلاب اسلامی
ایران، این امر بسیار به فرانسها
داشته شد، ولی بین کشورهای
موضعگیری
خصوصاً نسبت به ایران مرتکب اشتباه
شد. اگر فرانسه مرتکب اشتباه نشود،
نقش آینده‌اش در الجزایر حتمی خواهد
بود (۳)

کشورهای مصر، تونس، مراکش و
عربستان سعودی نیز که در معرض طوفان
انقلاب اسلامی الجزایر هستند، حاکمیت
آن کشور را تا بیدار شدن و خواستار
سرکوب مسلمانان شدند. رهبران این
کشورها معتقد بودند در صورت پیروزی
جبهه نجات اسلامی موجب بنیاد دگراسی
شمال آفریقا خواهد گرفت.

سرگرد عبد السلام جلوه عضو شورای
فرماندهی انقلاب لیبی در مورد تحولات
الجزایر گفت: "اصولاً جدایی بین
سیاست دیگر در جهان عرب شکست خورده
است و روی کار آمدن مذهبیهون امری
طبیعی است (۴)
را دیوان آمریکا اعلام کرد، یک گروه
کابری متشکل از مسئولان وزارت خارجه،
جنگ و شورای امنیت آمریکا، جهت
پیگیری لحظه به لحظه تحولات الجزایر
تشکیل شده است. (۵)

بحث دموکراسی

به دلیل روند سیاسی دموکراسی
جبهه نجات اسلامی برای رسیدن به قدرت
آغاز کرده بود و در انتخابات رسمی هم
پیروزی به دست آورد، مقام بله رژیم حاکم
بر الجزایر و غربیها با این سیستم
دموکراسی نیک با عتاب و دشواری
بیرامون دموکراسی (ادعای غرب) شدند.
روند دموکراسی الجزایر منجر به روی کار
آمدن مسلمانان می‌شود و این سیر مخالف
منافع غرب بود، لذا آنان در مقابل این
تحول موضع گرفتند. روزنامه‌ها
در این مورد نوشتند: "روند گرایشی به
اسلام در الجزایر بر ضد دموکراسی است و
متوقف کردن آن جایز است. (۶)

روزنامه‌ها مدعیان رونیز نوشتند: ملت‌های
جهان سوم برای نیل به دموکراسی هنوز
از کمالات و بلوغ لازم برخوردار نیستند (۷)
را دیو حزب الله لبنان گفت: دموکراسی
از نظر غرب در کشورهای اسلامی بسیار
جهت نامین مناسب آنان باشد (۸)
نشریات پرتیراژ آمریکا نیز

مقالات متعددی در ارتباط با معنسی
دموکراسی نوشتند، از جمله مجلات یواس
نیوز، تا یوز نیوز و یک، یواس
نیوز می‌نویسد: تحلیل گران و صاحب
نظران سیاسی اکنون معتقدند
انتخابات آزاد و اقتصاد آزاد شروط
لازم برای دموکراسی هستند ولی کافی
نیستند. حتی برخی تا آنجا پیش رفته‌اند
که انتخابات آزاد را نیز دلیل و شاخص
دموکراسی نمی‌دانند، این عده با اشاره
به تحولات الجزایر می‌گویند: "نیروهای
اصول گرای اسلامی الجزایر به وضوح ضد
دموکراسی هستند، دموکراسی واقعی به
جزئی بیشتر از انتخابات آزاد و اقتصاد
آزاد دنیا زدارد، انتخابات نکته اصلی
است ولی کافی نیست، و نیاز به آموزش
دارد. (۹)

بوش نیز اعلام کرد: "دموکراسی
حاکمیت اکثریت دیکتاتور نیست."
به این ترتیب اکنون غرب با بد
ملاک جدید در رابطه با دموکراسی مطرح
کنند. زیرا تاکنون معیار دموکراسی همان
حاکمیت رای اکثریت بود، ولی با این
مواضع جدید در رابطه با دموکراسی، با بدگفت
فرهنگ و منافع غرب ملاک دموکراسی
هستند و نه رای اکثریت.

مخالف غربی ضمن موضعگیری در برابر
جبهه نجات اسلامی، مطالبات خود را در
مورد نحوه تفکر و اندیشه رهبران مسلمانان
الجزایر منتشر ساختند. از جمله هفته
نامه فرانسوی لیبون نوشت: "در متونی
که جبهه نجات اسلامی الجزایر تاکنون
منتشر کرده، اندیشه بدیعی به چشم
نمی‌خورد و شما را نمی‌تواند در آن دیده
می‌شود اکثریت با خوانندگانی مسلمین سوریه
یا مصر بر می‌گردد. بحثها بیکی مسئولین
جبهه نجات مطرح می‌کنند از بحثها و
مجادله‌ها بیکی نزد حرکت‌های اسلامی
خاور میا نه دیده می‌شود، فاصله زیادی
دارد. عیاشی مدنی تا شریک پذیرفته‌اش از
فرهنگ غرب است و شناخت عمیق‌تری از
اسلام ندارد. ما علی‌الحد یک ققیسه
است. راه‌حلی اسلامی در ایران و
الجزایر متفاوت است. در ایران ولایت
فقیهه مکان تفسیر قوانین شریعت را
به‌عنوان نگذاران می‌دهد و این کمک
می‌کند که قانون اسلام با مقتضیات زمان
و تقی داده شود. در حالی که در جهان عرب
این تفسیر مکان پذیر نیست. (۱۰)

تحولات الجزایر و ایران

شدیدترین موضعگیری حکومت
الجزایر بر علیه ایران بود. به دلیل
حمایات مطبوعاتی ایران از پیروزیهای
جبهه نجات اسلامی، حکومت این کشور،
این حمایتها را دخالت در امور داخلی
الجزایر دانست. شغایب آن دولت
الجزایر سفیر خود را از ایران فراخواند
و خواستار رفتار خوارانه‌ای از سوی
الجزایر شد. مسئولین الجزایر محترمانه
از سفیر ایران خواستند تا از الجزایر
ترک کند. مقامات الجزایر دعای
می‌کردند که ایران به لحاظ مالی به
جبهه نجات اسلامی کمک کرده است.

روزنامه‌ها می‌زما لی در این رابطه
نوشت: "فهمی هویدی یک کارشناس
سیاسی مصری می‌گوید:

عکس العمل الجزایر و دیگر کشورها
نسبت به ایران اغراق آمیز است. وی
طرفداری ایران از حرکت اسلامی در
الجزایر را موضوعی توصیف کرد. به ادعای
آقای هویدی، آقایها شمی رفسنجانی برای
زمینه‌سازی انتخابات مجلس در ایران،
ناچار است سیاست تندروی و انقلابی
گذشته ایران را ادامه دهد تا بر جناح
تندرو ایران فائق آمده و موضع جنا خود
را در مجلس تحکیم کند، ایران که خبرا
فعالیت همه‌جانبه‌ای را برای بهبود
روابط با همسایگان عربش ادامه داده،
میل ندارد رده عنوان آشوبگر در منطقه
شناخته شود. (۱۱)

رضا بی‌سخنگوی سازمان روحی در اروپا
اعلام کرد که سازمان دعوت حکومت
الجزایر برای ایجاد دفاتر در آن کشور
می‌پذیرد، وی انقلاب الجزایر را ارتجاعی
و غیر انقلابی خواند و حکومت الجزایر را
دموکراسی تیک دانست. (۱۲)

پا ورقی‌ها

- ۱- کیهان ۷۰/۱۰/۳۰
- ۲- سلام ۷۰/۱۱/۲۴
- ۳- رسالت ۷۰/۱۰/۲۸
- ۴ تا ۸ - کیهان ۷۰/۱۰/۲۴
- ۹- رسالت ۷۰/۱۱/۵
- ۱۰- رسالت ۷۰/۱۱/۳
- ۱۱- رسالت ۷۰/۱۱/۷
- ۱۲- کیهان ۷۰/۱۱/۲۴

رشد اصول گرای اسلامی

رشد اصول گرای اسلامی در عربستان

رسالت ۷۰/۱۱/۱

با لاترین مقام مذهبی عربستان و یکی
از اعضای بلندپایه‌ها نوا ده سلطنتی،
حمله به اصول گرایان اسلامی را در
کنور عربستان آغاز کرد و تا حدی
امریه یک مناسقه مهم منجر خواهد شد....
تحولات عربستان در زمانی صورت
می‌گیرد که مبارزان اسلامی در سایر
جهان عرب روی جری‌ها
حکومتها عرب از سر گرفته‌اند....
اصول گرایان عربستان، مقامات این
کشور را به خاطر ورود سربازان آمریکایی
به عربستان و حمایت از کفرناک‌ترین
ما درید (خاور میانه) مورد انتقاد قرار
داده‌اند. این اصول گرایان اخیراً در
شوا رها یک است خود آشکارا به
تجدید حیاتی زنان سعودی که چند تن از
شاهزاده‌ها آنها و زنان برجسته سعودی
در آن فعالیت دارند، حمله کرده و آنها
را "فا حشه" خوانده‌اند، این منشأ

حمله بن‌باز و ابن‌فصل به بنی‌ساده گرایان بود و این مطلب را اها نست صریح به آشنایان خوددا نستند و گفتند آنها با بداین اها خود را نا بتکننده رویا روی دولت بنی‌ساده گرایا عربستان با بنی‌ساده گرایان مخالفا اها هیبت ویژه اها خود را استند و هاهای مذهبی در هفته گذشته انتقا دهه اها خود را به نظام آموزشی عربستان و مشارکت زنان در آموزش عالی گسترش داده اند. (به نقل از نشریه اینترنتی نشنال هیرالد تریبیون)

سلام ۲۰/۱۱/۱۹

وزیر خا رجه مصر هندا ردا اگرا اختلاف اسرائیل و فلسطینی‌ها حل نشود، موج بنی‌ساده گرایا گسترش خوا هدا قست و خا ورمیا نه دستخوش بی‌ثباتی می‌شود. وی قرا ردا دکمپ دیویدا موردا اشاره قرا ردا دوگفت: اصل زمین در برابری صلح، یگاندا مری است که مناسبات مصروف اسرائیل را عادی ساخت.

کیهان ۲۰/۱۱/۱۷

حیم هرتزوک رئیس جمهور رژیم صهیونیستی گفت: اصول گرایا اسلامی خطرا صلی است که غرب با آن رویا روی است. وی گفت: رهبران غرب واقعیت‌های خا ورمیا نه را به خوبی درک نمی‌کنند. توجه بیش از حد رهبران غرب به مناقشه اعراب و اسرائیل آنها را از توجه به دیگر تحولات عمده در خا ورمیا نه و به خصوص اصول گرایا بی‌زادانه است. این خیزش اصول گرایا اسلامی است که بیشتر رژیم‌های خا ورمیا نه را مورد تهدید قرار می‌دهد. اصول گرایا اسلامی به سرعت در سرنا سرچان گسترش می‌یابد.

سلام ۲۰/۱۰/۲۷

وزیر دفاع یونان از رشد بنی‌ساده گرایا اسلامی در یونان و کلا اروپا ابراز نگرانی کرد. وی گفت: این حرکتی است که به طور کامل ارزش‌های فرهنگی ما (رعایت حقوق فردی، دموکراسی پارلمانی، اقتصاد آزاد) را مردود می‌شمارد.

کیهان ۲۰/۱۰/۲۲

یک سناتور امریکا بی‌اشاره به فروپاشی شوروی گفت: رشد اسلام‌گرایا می‌تواند کمربندی ز کشورهای اصول‌گرای اسلامی در مجاورت هند اها دکنند، وی گفت: من فکری نمی‌کنم ما اها هد تشکیل یک فدراسیون اسلامی با لقه بنی‌ساده گرایا مرکب از ۹ کشور ایران، بخشی از ترکیه، پاکستان و افغانستان به همراه ۵ جمهوری مسلمان نشین شوروی باشیم. روزنامه نیویورک تا بحز می‌نویسد: جنگ بعدی بین اسلام و مسیحیت است. همان گونه که ما مخمینی‌پیش‌بینی نمودیم، غرب مجهز به تسلیحات خواهد بود ولی فرزندان آیت‌الله که فرا تراز مرزهای ایران نیز می‌روند آنها از الهام بهره‌مند خواهند بود و به ندادی شهادت یا سخا هندا گفته اها رتشان را می‌توان شکست‌نا دولتی شهدا امو دیگری است.

اصول‌گرایا اسلامی و تزلزل حکومت‌های منطقه خلیج فارس

رساله ۲۰/۱۱/۱۰

رویتر: جریان بنی‌ساده گرایا در خلیج فارس به تدریج آرامش ظاهری در کشورهای نفت‌خیز خلیج فارس برهم می‌زند.

دبیلما تها می‌گویند: این امر، میراث جنگ خلیج فارس است که نفرت از نفوذ بیشتر غرب و امید به یک حکومت فراگیر تر با رهبران آورده است. دو حادثه بی‌ابقه و آشکارا است و آن دو، عرض حال امضاء شده، یکی از طرف رهبران مذهبی عربستان و دیگری از سوی اعضای جوان تر خا نوا دهه‌ها اها رجهسته قطری است. عرض حال سعودی، مشارکت عربستان را در کنفرانس صلح خا ورمیا نه محکوم کرده و آن را با وظیفه مسلمانان برای نبرد با یهودیان مغایر دانسته است. عرض حال قطری بیشتر جنبه اها خلی‌دارد و برای نخستین بار خواستار برابری میان منتخبان در این کشور کوچک شده است.

در عرض حال سعودی گفته شده اها بی که می‌خواهند با اسرائیل میان صلح امضاء کنند به اسلام تعلق نندارند و به ویژه به حاکمان سوریه که بسیاری از آنان از فرقه علوی هستند، اشاره کرده است. دبیلما تها یغری می‌گویند نوا رهای سری‌مبارزان سعودی که علیه مسوارد گوناگونی از خرید سلاح‌های امریکایی گرفته تا آزادی‌زنان و شعرا مروزی عربی است. به طور محرمه اها در سرا سرکتور توزیع می‌شود.

اقلیت بزرگ شیعیان در استان شرقی عربستان، مرکز صنایع نفت، در حال حاضر یک منبع نا رضایتی جدی تلقی نمی‌شود. دبیلما تها می‌گویند: به نظر می‌رسد رهبران ایران شیعه، شور و حرارت تبلیغی گذشته خود را اها کرده‌اند یکی از رهبران تبعیدی سعودی، که در جابید خا ورمیا نه به سر می‌برد، به‌طور خصوصی اعتراف می‌کند که بی‌علاقگی جلوی تلاش‌های آنها را برای شکل گرفته است.

اخبار ردا خلی

دیدار وزیر اراشاد با رئیس جمهور:

سلام ۲۰/۱۱/۷

آقای خا تهمی وزیر اراشاد در این دیدار عدم تحمل افکار و رونق‌دهی مخالفت‌ها به عنوان یک عامل با زارنده رشد و شکامل در جامعه موردا انتقا دقرا داد. آقای رئیس جمهور نیز گفت: نقد و بررسی و بحث روی مسائل در عالم مطبوعات و نشریات و در محیط‌های آزاد می‌تواند به رشد و تعالی جامعه کمک کند.

راه‌ما هندا:

به قرا ری که شنیده شده جندی پیش جنت الاسلام خا تهمی وزیر اراشاد طی

نا ماه به رئیس جمهور، ضمن شکایت از فضای نا مساعد برخی مطبوعات و جناح‌ها نسبت به فعالیت‌های فرهنگی و هنری استعفا اها خود را ابلان کرده بود. متعاقب آن جنت الاسلام‌ها شمیر فسنجا نی‌ریک ملاقات با ایشان حمایت آیت‌الله خا تهمی اها خود را نسبت به اها مکار ایشان اعلام داشته بودند.

سخنان آیت‌الله خا تهمی درباره آیت‌الله العظمی منتظری:

رساله ۲۰/۱۱/۷

"من در انتخاب آقای منتظری رای ندا دم. (در مجلس خبرگان). اما آقایان رای اها دند. من روی صندلی نشستم و با اینکه دشمن نبودیم و با هم دوست بودیم لکن وی را برای سیاست مناسب ندا نستیم و با اینکه گران بود چند نفری نشستیم و گفتیم که نمی‌توانیم حرکت کنیم و یک رای اها دم که فردا در برابرش مسئول باشیم. آقای منتظری می‌گویند من وقتی قرا ن با زمی‌کنم بخوانم اول به یاد فلانی می‌فتم. رابطه تنگاتنگ است ولی حق مسلمین که مطرح شد ما انا نستیم."

اخبار اقتصادی

پیشنهادهای برای صنعت نفت

سلام ۲۰/۸/۱

جندی پیش خبری منتشر شده اها بربر اینکه بنی‌ساده مستضعفان پیشنهاد کرده است ۵٪ از صنایع نفت را به خود اختصاص دهد. به لحاظ اهمیت موضوع لازم است کلیه خبرها بی‌که در این موردا انتشار می‌یابد، پیگیری شود.

در ابتدای این پیشنهاد آمده است:

"سیاستگذاری و عملکردهای شرکت نفت و پتروشیمی زده و پیدایش خود تا کنون در زمینه‌های اکتشاف حفاری، استخراج، انتقال، اسکله‌سازی و حمل‌دریای به خصوص قیمت‌گذاری و میزان تولید، عمدتاً تابع منافع کشورهای سرمایه‌داران مسلط ایران بوده است. به منظور اها بی‌ظلمه استعماری بر مهم‌ترین و اصلی‌ترین منبع اقتصادی کنورتا مین صنایع جمهوری اسلامی با بدنگرش جدید در صنعت نفت ایران اها دگردد، زیر اقا نون نفت فعلی کشور چشم‌ندا زی‌برای خروج زجهار خوب فوق‌اا را انا نمی‌دهد.

از طرف دیگر طی اها ابعدا از انقلاب به تدریج بر مشکلات اها ره کشور افزوده شده است و لازم است مقدار زیادی را ملی دو قشرا طی موشر در انقلاب یعنی خا نوا دهه‌ها اها شهدا اها نقد روجا نیازان و مستضعفان از امو دولت جدا شده و برای انا مین بخشی زهنینه‌های آنسان منابع ملی مولدا اها ددود.

برای رسیدن به مجموعه اها فو ق تغییراتی در قانن نفت به شرح ذیل پیشنهاد می‌شود:

الف) تعداد اها حوزه‌های نفتی به تشخیص مراجعی که مجلس شورا ا اسلامی تعیین خواهد کرد (حدود ۵ درصد منابح) در اختیار بنی‌ساده‌ها اهدا و مستضعفان و جانیان قرا رگیرنده نحوی که هیچ گونه تداخلی در عملیات جاری وزارت نفت اها ددود.

ب) با توجه به اینکه طبق اصول ۴۴ و ۴۵ قانن اساسی مالکیت حوزه‌های نفتی در اختیار حکومت اسلامی است، مجلس شورا ا اسلامی به نحوی که صلاح‌بدا ند مرجع و روش نظارت برای تعیین و دریافت بهره‌مالکانه و نظارت بر چگونگی و میزان استخراج نفت را اها ددود. ج) اها دهه‌ها بی‌که نفت در اختیار آنها قرا ر گرفته می‌شود در مورد کلیه عملیات شامل اکتشاف، استخراج، فروش و سرمایه‌گذاری مستقل از وزارت نفت بوده و تابع قوانین عمومی کشور می‌باشند.

د) درصدی از سود حاصل از فعالیت نفتی اها دهه صرف توسعه صنعتی منطبق محروم گردد.

در مقدمه این پیشنهاد مطرح شده که: "مطالعات انا شده در زمینه منابح و لیه‌برای رشد اقتصادی نشان می‌دهد که مهم‌ترین ماده لیه موجود در مملکت نفت و گاز است که ارزش خالص آن هزارویا صد میلیار د دلار است و در مقابل آن با بر منابح مملکت نا چیز می‌باشد.

در کشورهای بی‌سندالمان که چنین منابحی صولا موجود نیست شرکت‌های پتروشیمی وجود اها رند که علی‌رغم خرید مواد لیه و عدم استفا دهه از منابح و سرمایه‌برایان فروش مالیه انا تها بیشتر ازل درآمد ارزی ایران است. از سوی دیگر نظام هفتادساله نفتی ایران ارمغانی به جز فروش نفت خا موتا مین بخشی از سوخت داخل ندا شته است و با وجود ۳۰ سال فعالیت و مصرف ۵۰ میلیارد دلار در صنعت پتروشیمی در حال حاضر این صنعت در نقطه نزدیک به صفر قرا ر گرفته و کل صنایع وابسته به پتروشیمی انا جارا در جامی‌زندند و مهم‌تر اینکه منابح انا سه این روال بعد از انقلاب هیچ تغییریری نگرده است.

گره‌گور اقتصاد ایران نفت است که از یک سو همه برنا مه‌ها تابع فروش آن بوده و از سوی دیگر از توان‌های آن غفلت شده است. برای خروج از این بن‌بست نا رضیخوا اها دتحرک در نظام نفتی ایران مناسب است که اها رگانها اجدیدی‌ما نند بنی‌ساده و بنی‌ساده مستضعفان و جانیان و ارا د فعالیت نفتی شده و بدون تداخلی در امور جاری شرکت نفت توان تولید نفت و درآمد ارزی اجدید وجود اها ددود و بالطبع این نها دهه‌ها معیارها اجدید بر خاسته از من انقلاب و با احساس رسالت جدید در پیوند و توسعه ترابا بر

راه‌ها ایران و آمریکا

سلام ۷۰/۱۰/۲۳

یورس لینکن کا ردا سابقا آمریکا در ایران کد جزو گروگا نهی لانسه جا سوسی بودیا رادیا آمریکا مضا حیدای انجا م داده ، این مضا حیده در مورد مقاله وی در روزنا مکرستین ما نیس مونیستور بوده است ، عنوان مقاله "در گرم کردن روابط آمریکا با ایران شنیداروید" بوده است ، وی در این مضا حیده می گوید :

تزدیک شدن مجددا ایران و آمریکا لازم و مهم جتناب نایدی است و آمریکا با ردیگر با ایران روابط خواهد داشت ، اما فکر می کنم که به سود هر دو کشور است که با سرعت معینی در این راه پیش بروند و زبا دستا بده خرج ندهند ، زیرا دستگاه رهبری ایران نسبت به آمریکا ده سال تمام خشونت نشان داده و نمی توان اثرات و مضا بعات این روش را به آسان بی طرف ساخت ، من می خواهم با هر دو رکن که دستگاه رهبری فعلی ایران به ریاست رفسنجان می باشد است ما حرای گروگا نگری را به طور کلی کنار بگذاریم و این گام بلندتری رف کدورنیها میس ایران و آمریکا است ، گام دیگر حل اختلافات ملی ایران و آمریکا در دوان لاهه است که بسیار بشرفت کرد ، اما مضا سفا نه برخی از عناصر رژیم ایران نمی گذارند این کدورنیها بر طرف شود ، من ملاحظه کردم که آقای رفسنجان بی طرف ۱۵ سال اخیر روه خود را تدریجا تعدیل کرده ، من از موقعی که در تهران گروگان بوده ام ، آتقای رفسنجان تیرا که آن زمان عضو شورای انقلاب بودند ، شناختم ، البته آتقای با طرز تفکر و ساسمدا ری نشان ، از زمانی که آقای رفسنجان تیرا به ریاست جمهوری رسیدند منو حده تغیر لحن اسان ندادم ، به ویژه در زمان نایب گرفتن خنگ ایران و عراق ، آن زمان فکر می کنم آقای رفسنجان تیرا بی برده اند که اگر بنیاسا باسد انقلاب ایران به هدف کامل خود برسد ، ناستی جدا به خا ندیگا نیسای سوا اقتصاد تیرا زد و و حیده ایران را در برده (صحنه) پس الطلی مقبول و آبرومند سارد ، کنگرا سهای پس العلی جندی است که اسان در سالیهای اخیر برگزار کرده نشان دهنده اس مویع بوده است .

درباره راه‌ها ایران و آمریکا

سلام ۷۰/۱۰/۲۶

سوز ویک : دولت جرج بوش برای بیسیرد "نظم نیس جها تی" در صدد جا بگزینی سبای زینوا زین قدرت با سبک سسبما سبای ترا منیت جمعی است ، ساستی که نمی توان سدا ایران را تا میل نمود ، تهران نیا زمندی به بود روابط با وانگتن اسدا برانیا امدا و رندکه اقتصاد جنگ زده خود را عمدتا از طریق تکنولوژی وسرما به گذاری روپا ، بازسازی کنند ، به گفته یک مقام وزارت خارجه آمریکا ، ایران سبها با بد مطمئن شونده

۲- در سالیهای اخیر کشورهای عضو اوپک (که اکثر آنها بنده و حافظ منافع آمریکا هستند) همگام با سایر کشورهای عضو اوپک نیستند یکی از دیدگاری مصوب است اوپک را پنهانی بنده گرفتند ولی ایران کماکان سعی دارد اعضا را متقاعد سازد که به مصوبات اوپک احترام بگذارند .

سلام ۷۰/۷/۲۳

دزاشیبی مدیریت روابط عمومی بنیاد مستضعفان و جانبازان درباره بنیاد نفت گفت :
موسسه "بنیاد نفت" یک دفتر مطالعاتی وابسته به بنیاد مستضعفان و جانبازان است که هدف آن مطالعه و وسرما به گذاری در زمینه های پالایش ، پتروشیمی و سایر فعالیتها می باشد در جها رجب مقرر است و قوانین کشور است ، "بنیاد سهامدار عمده شرکت نفت " بهیران " می باشد که در زمینه صنایع نفت فعالیت می کند ، و مواد اولیه خود را از وزارت نفت دریافت می نماید ، اسانجا م موسسه بنیاد نفت که عیده هدا و وظایف فوق الذکر است و موازی وزارت نفت عمل می نماید .
در حال حاضر میان مسئولین وزارت نفت و بنیاد مستضعفان جانبازان همکاریم و مذاکره در زمینه های مختلف شروع شده است .

سلام ۷۰/۹/۱۲

در مورد توافق بنیاد مستضعفان با وزارت نفت آقای رفیق دوست گفت : در زمینه بنیاد نفت به توافق کامل با وزارت نفت رسیده ام .

سلام ۷۰/۹/۲۷

آقای آقا زاده گفت : ما لکنت صنایع و معادن نفت و گاز ایران را تاکنون اما سوا سون نفت و فتوای مام (س) جزو انفال و ما لکنت عمومی و متعلق به ملت ایران است و قابل واگذاری به هیچ کس نمی باشد ، اسانرا س اکستاف ، تولید و فروش نفت در ما لکنت دولست است ، وی فرود : ما کمون مذاکره و نفا همی سنا دستمضعفان در مورد سنا د نفت نداشت ، اسوا س سنسناد سبها به عنوان یک بخش خصوصی در ارتباط با وزارت نفت است ، وزارت نفت هم سنا اجاد "بنیاد نفت" نه موافق است و نه فکر می کند که اسان کا ربه نفع سنسناد مستضعفان باشد ، اسان سنا نمی توانند در صنایع پالایش پتروشیمی فعالیت کنند .

بشکه (اقتصادی بنده و اسان کشورهای نایب را ربه و ادات نفت از سایر کشورهای خا هند شد :

در بخش دیگری از این پیشنها تحت عنوان "جگونگی روابط ایران با اوپک" آمده است :

۱- اگر چه کشور جمهوری اسلامی ایران دارای استقلال سیاسی و اقتصاد است لیکن به علت کاهش توان استخراج نفت از حدود ۷۵ میلیون بشکه در روز به ۲/۵ میلیون بشکه از یک سو و مجموعه عوامل تنظیم شده و تعیین سهمیه برای ایران توسط اوپک از سوی دیگر ، زمینسده مخالفت با اوپک و در نهایت آمریکا فعلا به طور کلی از سبب رفته است .
۲- فشار ایران برای افزایش تولید با عت فروپاشی اوپک نمی شود ، زیرا حمایت آمریکا از اوپک قطع و فسوق استراتژیک بوده و در نهایت قیمت نفت سقوط نمی کند ، البته به احتمال زیاد این عمل با مخالفت شدید آمریکا روبرو خواهد شد .

۳- ایران با فشار جهت افزایش سهمیه بندی فعلی و در صورت افزایش توان استخراج می توان محدود و وسرما بر تولید کند البته اسان امر موجب کاهش قیمت نفت نیز خواهد شد که حدود ۱۵٪ کاهش قیمت نفت بیش بینی می شود لیکن در نهایت مجموع درآمد کشور به احتمال زیاد افزایش قابل ملاحظه ای در حدود ۷۰٪ خواهد داشت .

۴- در حال حاضر به علت عدم تکافوی درآمد های ارزی ناشی از فروش نفت خام جمهوری اسلامی ایران به ناچار تحت شرایط مشکلات اقتصاد دیوندا شد سرمایه لازم در جهت وسرما به گذاری در طرحهای صنعتی ، اقدام به فایزنی کردن پروژهها و پرداخت بهره به کشورهای خارجی می نماید ، در حالی که سرمایه های نفتی و ذخایر نفتی کشور را کدویدون سودآوری باقی مانده است .

در قیمت دیگری از این پیشنها تحت عنوان "کنترل کامل عرضه و قیمت نفت توسط آمریکا" ضمن اشاره دادن دلایل دیگر منی ایران که افزایش قیمت نفت به نفع آمریکا بوده و اسان آمریکا در منطقه اسن موضوع را دنسالی می کرده آمده است :

۱- جمهوری اسلامی ایران وسرما کشورهای عضو اوپک برای حفظ قیمتها و حتی افزایش قیمت دا و طلبا نه به معبود کردن عرضه نفت خود اسان اقدام کردند ، اسن عمل منافع کشورهای غیر عضو اوپک را توسعه بخشیده ، به علاوه عربستان سعودی به سبها سنا سبکدا افزایش قیمت نفت مخالفت اسنا به جای ایران هم نفت فروخت و عملا دیسلا سی ایران و وزارت نفت در اسن مورد قریب خورده اند ، لازم به ذکر است که تحریمهای غرب علیه ایران و تخریب نفت ایران جهت گیری عملیات فوق را تسهیل می نمود و دیسلا سی ایران که در جهت فروش نفت موفقیتی تصور نمی کرد سب می کرد در جهت قیمت گذاری مبارزه کند .

بخشهای اقتصاد عمل خا هد کرد و در نتیجه موجب ایجاد تحرک و رقابت و باز شدن صنعت نفت فعلی خا هند شد .

پیشنها می شود بهره برداران از منافع نفتی (حتی وزارت نفت) میل نیس به عنوان بهره مالکان نه به ازای استخراج بهره بخشه نفت خا مبه دولت بپردازند .

سبب در مورد اینکه افزایش قیمت نفت به نفع آمریکا بوده و اوپک با دنبال کردن اسن استراتژی منافع آمریکا را دنبال می کند ، تحت عنوان "استراتژی اوپک و منافع آمریکا" مطالبی آمده است که بخشها سبای زین جنین است :

۱- به طور کلی روابط داخلی سازمان اوپک در جهت تامین هر چه بیشتر منافع آمریکا است و اسان سازمان با لانگانه داشتن قیمت نفت در هنگام کمیت جمهوری خواه در جهت تامین منافع آن کشور به طریق زیر عمل می نماید :

الف - بخش اعظم تولیدات نفت خا مبه کشورهای اروپا نیس آسیا سبی که عمدتا نسبت به کشور آمریکا دارای سطح تکنولوژی نسبتا متوسطه تری هستند (ژاپن - آلمان - فرانسه و ...) فروخته شده و درآمد ارزی نصیب کشورهای صا در کننده نفت اوپک می شود .

ب - اعضای اوپک با ارزش حاصل از فروش نفت عمدتا به طور مستقیم از کشورهای آمریکا اسلحه و مهمات و کالاهای آمریکایی خریداری کرده و بدین نحو از این کشورها به کشور آمریکا منتقل می شود ، لازم به توضیح است با توجه به اینکه تولید کنندگان اسلحه و مهمات و صنایع سنگین و اسنگان به جنا حهای حزب جمهوری خواه آمریکا است و عمده خریدهای کشورهای عضو اوپک سبها مل همس بخش از کالاهای می شود ، لذا درآمد حاصله عمدتا نصیب اسنگان به حزب جمهوری خواه می گردد .

ج - همچنین کشورهای خریدار نفت از اوپک (ژاپن - آلمان و فرانسه و ...) که تولید کننده کالاهای صنعتی ز قبیل اتومبیل و وسایل منزل هستند سبها ما در ات بخشها ز اسن محصولات آمریکا قسمت بیشتری را از خود را که با سبب خرید نفت از دست داده اند ، مجددا با زبیس می گیرند ، و بخش دیگری از آن را با ما در ات مستقیم به کشورهای عضو اوپک با زبایت می نمایند .

۲- ما لکنت نفت توسط اعضای اوپک به منظور کنترل میزان فروش نفت لازم است ، در غیر اسن صورت قیمتها کاهش یافته و به تبع آن درآمد ها نیز کاهش می یابد و در نتیجه به منافع جنا حهای می گذور در سببک صدمه وارد می شود ، و همچنین در صورت عدم کنترل میزان تولید نفت توسط اوپک کسه موجب کاهش قیمت می شود قیمت نفت به حدود نقطه سببه سری استخراج ، یعنی زیر ۱۵ دلار می رسد .

۳- در صورت کاهش قیمت نفت استخراج از جها های دریای شمال در انگلستان و سبهای ز حوزه های نفتی آمریکا که قیمت سنا شده استخراج آنها بسیار بالا است (حدودا ۱۵ دلار در هر

ما جلوی این روند را سد نخواهیم کرد... نگارشی بر اینها همچنین از این مسئله است که سیستم امنیتی مورد حمله است آمریکا در منطقه خلیج فارس، بدون حضور آنها شکل گیرد. رئیس استیتو سیاست‌ها و نزدیک و آشنگتن می‌گوید: بعد از پیروزی آمریکا بر عراق، ایران با یک واقعیت ناخوشایند روبرو شده. تنها راه برای کسب مجدداً اعتبار و نفوذ از دست رفته، گشودن باب مذاکره با آمریکا است.

واشنگتن هنوز متقناً عدت شده که می‌توان به دولت پرزیدنت هاشمی رفسنجانی اعتماد کرد... رفسنجانی که خود را به عنوان فردی نسبتاً بی‌اگام است نشان می‌دهد، با مخالفت رادیکال‌های سرخپوش و پروا سیکه با آزادی‌گروگانها مخالفت کند. اکنون آشکار شده که همینان بوده اند که اختیار را به قتل رسانده اند، دیپلمات‌ها می‌گویند:

رفسنجانی حتماً پس از انتخابات به آرایش یافته موفق خواهد شد بر اکثریت فعلی رادیکال‌ها در پارلمان فائق آید. اما تا آن زمان وی نمی‌تواند از خود نرمش زیاده‌دیده‌ها بل آمریکا تنها نشان دهد. یک منبع در تهران می‌گوید: "حداقل تا پس از انتخابات آینده، جز در مورد مسئله گروگانها، نمی‌توان انتظار هیچ‌گونه ابتکار دیگری را از جانب تهران داشت تا زمانی که گذورت با آمریکا باقی‌مانده این خطر وجود دارد که ایران محوریک بلوک رادیکال ضد غرب در منطقه قرار گیرد... به گفته یک دیپلمات سعودی "ایران تنها هنوز سعی از جدا ساختن و بدشگونی عمل می‌کند و لذا هنوز نمی‌تواند نقدی بر ما زنده در منطقه باقی‌ماند. رفسنجانی تنها حیل و گریز است و آمریکا باید نسبت به ما نه‌روخواندن و احتیاط عمل کند. عربستان ما بل است سیستم امنیتی منطقه ایران را تا میل نشود. حداقل ایران تنها به معنی انجام ما نورهایی بیشتر برای توان قدرت در منطقه می‌باشد. نتایج واقعی در خلیج فارس تنها هنگامی قابل حصول است که جایی نیز برای ایران دریا می‌مزد آکره در نظر گرفته شود.

رسالت ۷۰/۱۱/۱۷

سخنان جیمز بیکر وزیر خارجه

آمریکا:

مدت زیادی است که ما آمادگی و تمایل خود را برای انجام مذاکره و تبادل نظر میان دولت‌های ایران و آمریکا به طرف ایرانی اعلام کرده‌ایم... ما نگران دو موضوع گروگانها و نقش ایران در تروریزم هستیم. امروزه کلیه گروگان‌های آمریکا بی‌آزار شده‌اند ولی تا زمانی که گروگان‌های دیگری از جمله آلمان‌ها و اسرائیلی‌ها در اسارت هستند، این مسئله هنوز از نظر ما حل نشده است. اگر ما با ایرانیان به گفتگو بپردازیم

ما بل هستیم به طور خلاصه نظر خود را در باره این دو مشکل به آنان بگوییم... ما بر اساس اصول مشخصی با کشورهای روابط دیپلماتیک برقرار می‌کنیم که تعهد به منع گسترش تسلیحات اتمی، احترام به حقوق بشر و حقوق اقلیت‌ها، دموکراسی و ایجاد بازار آزاد اقتصادی از جمله اصول ما است. بیکر در مورد ایجاد رابطه با جمهوری‌های تازه استقلال یافته شوروی گفت: برخی از کشورهای از جمله ایران و ترکیه به سرعت در حال حرکت هستند، اما ما چندان از آنها عقب نیستیم.

نگاه چینی به راه‌ها ایران و آمریکا

سلام ۷۰/۱۰/۲۲

دیگر جنوزی‌بر دفاع آمریکا اعلام کرد تغییراتی در رفتار آمریکا نسبت به دولت ایران در حال شکل‌گیری است. به نظر می‌رسد ایران با ترابط موجود در منطقه خلیج فارس موافقت عمل کرد. سیاست ایران در زمان جنگ متجددین علیه عراق گویای این مسئله است. وی این نکته را که آمریکا در هم کوبیدن ماشین جنگی عراق توازن قوا را در منطقه به نفع ایران برهم زده و ایران اکنون تهدیدی برای منافع آمریکا محسوب می‌شود، در کرد.

چنگ گفت: منطقه خلیج فارس به دلیل آن که بیشتر رژیم‌هاش دموکراتیک هستند و مناقشات و جنگ‌ها می‌تواند با هدیه‌ها است، از نشانه‌های لازم برخوردار نیست. منافع حیاتی آمریکا در منطقه ایجاب می‌کند گسترش رابطه با دوستان خود نسبت به تحکیم ثبات و امنیت خلیج فارس اقدامات مهم، آمریکا با همه توان خود باید تسلط یک قدرت منحصراً آمریکا در منطقه جلوگیری کند چرا که منطقه خلیج فارس منبع نفت جهان است. به نظر می‌رسد ایران از زیر بار این وضعیت رفته‌اند. بنابراین آنها در شرایطی نیستند که بتوانند با آمریکا روابط عادی داشته‌اند. تا بدین مسئله به مرور زمان تغییر کند، اما ما نمی‌توانیم کارهای در این مورد بکنیم.

سلام ۷۰/۱۱/۶

روزنامه کرسنتین ماینس ما منتور با انتشار تقریری به قلم جان هیموزنفسر با باقی‌مان روزنامه، به دولت بوش هشدار داد که طرح‌های اندازی مداوم بیبودرابطه با ایران که خیرادر محافل سیاسی آمریکا مورد بحث قرار گرفته‌اند طرح‌هایی است و هیچ‌کدام زوداقدام فوق درجه را خوب منافع ملی آمریکا نیست. آمریکا نباید در رقابت مسئله گروگانها خود را مدیون ایران بداند. ایران همواره می‌تواند بر سر زمین الملل بوده و هست. در مورد ایران بعضی‌ها ممکن است بر این باور باشند که چنانچه ای می‌تواند رودر رابطه با کسب آزادی‌گروگانها به موقعیت برتری دست یافته‌اند. ولی هیچ‌مدرکی‌دال بر این مسئله وجود ندارد... گروگانها دیگر ارزش خود را

از دست داده بودند، در حالی که ایران تصور می‌کند با آزادی‌گروگانها امتیازاتی نصیب خود خواهد ساخت... در زمینه تروریزم بین الملل بعضی‌ها ادعا می‌کنند که اطلاع دارند ایران در نظر دارد این فعالیتها را افزایش دهد... کارنامه عملکرد ایران در زمینه حقوق بشر رقت‌ناگه است، ایران به کنتراست صلح‌آمیز و مبادیه‌نیز حملات می‌کند. در کارنامه اخیر ایران عاملی وجود ندارد که درخور رفتار بهتر آمریکا با آنها باشد.

گزارش بانک جهانی از تغییر

بینش اقتصادی جهان سوم

رسالت ۷۰/۹/۱۸

بخش اقتصادی - تغییر بینش اقتصادی جهان سوم عنوان گزارشی است که توسط بانک جهانی منتشر شده است توجه خوانندگان گرامیرا به این مطلب جلب می‌کنیم:

گزارش سالانه بانک جهانی که در خصوص تحولات اقتصادی جهان منتشر یافته نشانگر تحولات جدیدی است که اقتصاد جهان سوم را به طور رسیته‌ای دگرگون ساخته است. این گزارش خاطر نشان می‌سازد که بدشگونی اقتصادی حاکم در بسیاری از کشورهای رگرفته‌وی‌گیری سیاست‌ها گما تسمه اقتصاد در بسیاری از این کشورها به نحو اساسی آغاز شده است. تحلیلگران اقتصادی تصویر کلی این تحولات را به‌تجدیل رسم کرده‌اند:

- ۱- بدشگونی‌ها استراژی گذشته جهان سوم با دشمنی در حال توسعه در نیم قرن گذشته بدشگونی‌ها کم‌براکتر کشورهای جهان سوم شامل احکام‌پذیل بوده است:
- دولت‌ها بدتوسعه اقتصادی کشور را در دست داشته‌اند و غیراً از این امکان ندارد.
- توسعه صنعت به دست دولت و به هزینه بخش کثرتوری.
- حمایت از صنایع نوای داخلی در مقابل رقابت خارجی.
- جایگزینی تولیدات داخلی در مقابل کالاهای وارداتی.
- قرض‌گرفتن از خارجا هر هزینه بهتر است از سرمایه‌گذاری خارجی در کشور.
- در نتیجه دولت‌ها در اکثر این کشورها انحصار کامل سازماندهی ریدر بخشهای ذیل را در اختیار گرفتند:
- شعبان این که چه کسی می‌تواند به صنعت ملی واردات خارج شود.
- سرپوش گذاشتن بر ورشکستگی اقتصادی صنایع داخلی و مانع از اخراج کارگران و کاهش ساعات کار.
- کنترل قیمت و تحمیل نظام قیمت‌های مصنوعی (غیر واقعی).
- ۲- بدشگونی‌ها استراژی اقتصادی جاری در صنایع در حال توسعه.

بینش اقتصادی گذشته در این کشورها عمدتاً به دو دلیل عمده ظرف دهه هشتاد و سیس با سرعت بسیار چشمگیری در آغاز دهه نود تحول یافته، دو دلیل عمده به شرح زیرند:

- الف - توفیق چشمگیری اقتصاد کشورهای آفریقایی، آسیایی، آمریکایی، اروپایی، استرالیا، چین، ژاپن، سنگاپور، برخی دیگر از کشورهای شرق آسیا.
- ب - سقوط نظام سوسیالیستی.
- در نتیجه تحولات فوق، احکام اقتصادی زیرجانشین احکام اقتصادی پیشین در اکثر کشورهای مزبور گردیده است.
- توسعه اقتصادی صرفاً از طریق مشارکت عمده بخش خصوصی ممکن است.
- حمایت از صنایع و تولیدات داخلی صرفاً با محدودیه کالاهای بی‌شود که از نظر ما در تقابل رقابت کالاهای مشابه خارج باشد.
- سرمایه‌گذاری خارجی در بسیاری موارد، نظراً اقتصاد دی‌بوسه نسبت ادخوام از خارج مقرون به صرفه است.
- خودکفا بی‌کامل هر کشور در کلیه امور اقتصادی در برتوا اقتصاد دنیوسین‌المللی نه‌مقدور است و نه مقرون به صرفه، در نتیجه در بسیاری از کشورهای جهان سوم تغییرات عمده در حال آمده است:
- آرا دشن بخش خصوصی زقبندست مقررات گوناگون دولتی.
- چشم‌پوشی دولت از اعمال سیاست‌های مالی و پولی که صرفاً هدف سیاسی داشته و از نظر اقتصادی صرفه‌ی معنی بوده است.
- بازگردن مرزها روی کالاهای خارجی و نیز سرمایه‌گذاری خارجی.
- کاهش مالیات‌ها و لغو سانس‌ها و حمایت از طریق سوسند.
- فروش سهام صنایع دولتی و واگداری قیمت مهمی از صنایع بخش خصوصی.
- ۳- مشکلات کوتاه مدت:
- انحاضار صنایع جدید در این کشورها آنها را با چند مشکل عمده کوتاه مدت مواجه ساخته است.
- با نبودن نرخ بهره در سطح بین‌المللی.
- با این بودن قیمت کالاهای در سطح بین‌المللی و مشکل شدن رقابت در صادرات کالاهای.
- اوچگیری مشکل قروض دولتی.
- افزایش قیمت کالاهای وارداتی.
- بالارفتن نرخ بیکاری.
- ۴- نتایج کلی
- کارشاهان اقتصادی معتقدند این تحولات فوق‌رشد اقتصادی متوسط سالانه کشورهای در حال توسعه به پنج درصد بالغ گردیده که بیشتر از میزان رشد این کشورها در دهه هشتاد بوده است. E.F.A.D.Y رتبه متوسط سالانه کشورهای پیشرفته در حال حاضر از سه درصد تجاوز نمی‌کند. همچنین به طور کلی میزان صادرات به این کشورها بیشتر شده است و به عنوان مثال رشد میزان صادرات کالاهای آمریکا به کشورهای در حال توسعه در سال جاری به برابری بیشتر از رشد صادرات این کالاهای به کشورهای پیشرفته بوده

است، آمریکا همچنین در سه سال گذشته سعی نموده تا با اجرای برنامه (برای دی‌وی‌برما لبه آمریکا پیشنها کرد که قسمتی از آنها را به کشورهای دیگر به این کشورها بخشوده شود به شرطی که به نفع اقتصاد آنها از آن در میم‌نمایند.) برخی از کشورهای را با سرعت بیشتری و در راه انجام تحولات فوق‌بسیار، فنی‌المنتهی در یک مورد، آمریکا یک پنجم از زبدهی ثروت میلیاردها دلار، مکزیک را در مقابل میل تغییراتی چند در مقررات گمرکی و اقتصاد مکزیک مورد بخشودگی قرار داد. به نظر می‌رسد این سیاست در سطح بین‌المللی بگیری شود و پیش از این حرکت کشورهای جهان سوم به سمت اقتصاد آزاد و حذف کنترلها و دولتی‌ها تسریع نماید. کارشناسان اقتصاد می‌توانند درجه‌ها را خوب تحولات گسترده فوق‌جهان سوم "دیگر به عنوان یک اصطلاح که فراگیرنده ماهیت سیاسی، اقتصادی کشورهای در حال توسعه با شیبی معنی است و بین کشورهای بی‌کفایت و قوی فوق را درک کرده و سیاستها را خود را متحول ساخته اند و کشورهای جهان سوم که هنوز از بندهای تفرصات غلط گذشته خارج نشده اند تفکرات عظیمی ایجاد شده که به مرور وسعت و عمق بیشتری خواهد یافت.

اقتصاد آزاد به رهبری آمریکا

رسالت ۷/۱۰/۷۰

حرفش گفت: تشکیل جامعه مشترک امکان‌پذیر است و با همکاری کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته، مشکلات اقتصادی آمریکا فزونی خواهد یافت. اقتصاد آزاد در جهان موجب بهبود اقتصاد جهانی آمریکا خواهد شد. بوش گفت: تنها در صورتی که آمریکا رهبری جهان را به عهده گیرد، اقتصاد آزاد تحقق می‌یابد.

خط آمریکا، گسترش اقتصاد آزاد

سلام ۵/۱۰/۷۰

آقای ایلامتی‌نما بنده تهران طی نطق پیش از دستور خود خط آمریکا را گسترش اقتصاد دنیا را در دست‌های بوش بدکنگره آمریکا، منافع آمریکا اقتصاد می‌کنند که "اقتصاد دنیا را در کلبه کشورهای جهان توسعه پیدا کند، چرا که ضعف مفرط اقتصاد آمریکا و رکود آن امکان رقابت با اروپا و ژاپن را از آن کشور سلب کرده است و از این روسالهاست که با کمبود دلار و دلارهای متفرقه در خارج از کشورها ایجاد شده است. لذا ناگزیر از رقابت و بهره‌گیری از زنگارهای تجاری با ژاپن و انگلیس است که به نحوی تحت سیطره خود گرفته، منجمد نمودند و بین‌المللی پول و بانک جهان نیز از این

راه استقا ده می‌کند. آمریکا در این راه مصمم است و به چیزی کمتر از دغا مکمل اقتصاد کشورهای در حال توسعه در نظر نمی‌گیرد. اقتصاد آمریکا در این باره با شوروی کارها را به آنجا کشاند که علی‌رغم وجود شرایط لازم مدیریتی و ساختار اجتماعی - اقتصادی، اقتصاد آزاد را به شوروی تحمیل نمود و موجب کند شدن و توقف تولید در آنجا شد. در کشوری که به دلیل عدم عرضه چهار روجه خاصی از اقتصاد اسلامی، عده‌ای از تکنوکراتها، اقتصاد را از راه به عنوان بهترین شیوه شکوفایی اقتصاد معرفی کرده و آن را به برخی از دست‌اندرکاران و متصدیان امر القاء نموده‌اند. این عمل به منزله برگشت به نظام سرمایه‌داری قبل از انقلاب اسلامی با افسارگسختگی بیشتر است. ... نباید بدرد می‌آید که آمریکا این‌چنان‌که رهبرین کرده است. بزرگترین مشکل اصولی اقتصاد کشور تصمیم‌گیری در مورد همین مسئله است. انتظار این است که گروه‌های سیاسی تمام خود را صرف تحلیل و بررسی موضوع و راه‌های پیشنها در این خصوص از این مشکل بکنند. لیکن با کمال تأسف به دلیل اینکه جناح‌های سیاسی فاقد تشکیلات منجمد سیاسی و زمانی‌تجربه کارجمعی می‌باشند قدرت این کار را ندارند. ... خلاصه تشکیلات و تحزب معمولاً افراد مبتکر و خلاق جامعه را به طرف خود هدایت می‌کند و با موفقی‌سوی می‌دهد و لذا از آنجا که تنها هیات و خط‌های آنها در حال دولتی‌ها و رگانه‌های مملکتی بطور جامع و جدی مورد نقد و بررسی قرار نمی‌گیرد و اگر قرار گیرد پشتوانه جمعیتی ندارد، به ندرت احتمال دارد مسیرها را به نحوی مقرر کند.

تغییرات اقتصادی در ایران

سلام ۷/۱۰/۷۰

را دیوبندی‌ها دکتور فریدون خاوند اسناد اقتصاد نگارها را در صورت واگذاری معادن ایران به بخش خصوصی مصالحه‌ای انجام داده، ویدان مصالحه می‌گوید: امروزه وضع کار ملاحظه‌شده و طرفداران بخش خصوصی اقتصاد دو خلاصه نوع ایرانی‌لیبرال‌لیزم، راه‌پیشروی در مقابل خودشان هموار می‌بینند. مقامات ایرانی‌ضرورت به حرکت در آوردن جریح‌های اقتصاد ایران را احساس می‌کنند و در ۵ سال آینده از حدود ۴۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مورد احتیاج برای زیرساخت‌ها، ۱۵۵ میلیارد دلار برای بخش‌های تولیدی خواهد بود. از این سالها ۱۹۸۵ میلادی تمام کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری تحت تاثیر سیاستهای اقتصاد ایران و تا جریحه‌ساز لیبرال روی آورده‌اند بخصوص در مورد واگذاری کارخانه‌های دولتی به بخش خصوصی، ولی سیاست‌های ایران در مورد آزاد کردن اقتصاد از

منبع دیگر آنها می‌گیرد، یکی موج‌عظیم اصلاحات اقتصادی است که وجود ۴۰ کشور در حال توسعه را در بر گرفته و خصوصی کردن کارخانه‌ها و دولتی‌سازی از محورهای عمده این اصلاحات است. پدیده خصوصی کردن کارخانه‌ها از پیش‌تیمانی بانک جهان و صندوق بین‌المللی پول برخوردار است. دوم شکست اقتصاد دولتی شوروی بود. ... آزاد اقتصاد ایران از گسترش هرچه بیشتر سرمایه‌داری در ایران خبر می‌دهد. اما این سیاست مورد مخالفت بخشی از مقامات سیاسی ایران قرار گرفته است. اصلاحات اقتصادی گریه‌ها یا چندبخش محدود شده نتواند برسد. رفاه اقتصاد می‌تواند به مجموعه‌ای است هم‌بسته که صنعت، کشاورزی، نظام پولی، نظام آموزشی و نظام مالیاتی و روابط بازرگانی را در بر می‌گیرد.

سلام ۱۲/۱۰/۷۰

"مشکل اصلی اقتصاد ما، عدم تدوین نظریه اقتصادی مناسب است" آقای قاضی‌زاده‌نما بنده فرماتن و سرخس در نطق پیش از دستور خود گفت: "مسئله اساسی در بودجه و اقتصاد ما، مسئله بیشتر است و مسئله فقدان تشویری مدون و متناسب با اقتصاد است که قادر به تحقق آرمانهای انقلاب و محرومین باشد. ما در برابر مسائل اقتصاد در صورت تدوین نظام، و تشکیلات درخور برای تحقق بخشیدن آن را نیز فراهم نکرده‌ایم. لذا اولن گام در جراحی نمودن بودجه است که گران‌ترین عفت‌دنی - سیاسی جامعه در چهار روجه مال‌چترین و پیشرفته‌ترین اندیشه‌ها می‌وجودد تنظیم نظری مدون و متناسب با اقتصاد است که تلاش کنند که در بر خواهد بود.

رکود اقتصاد آمریکا

بحران اقتصاد ایران

رسالت ۳/۱۱/۷۰

هفته‌ها معادله اقتصاد دیوانه‌س‌نی‌سور می‌نویسد: بحران اقتصاد آمریکا در این ۶ سال بی‌با بقه بوده است. اکنون منابع آمریکا از ظرفیت تولیدی بسیار بالاتر برخوردارند، لیکن میزان سفارشات و تقاضا به شدت کاهش یافته است. نیات مالی کشور به علت عدم رشد کافی سرمایه‌ها از جمله از ضمیمه‌تغیلات به مخاطره افتاده است. با کمک کرکس استناد اقتصاد دنا تنگه مدهیکان می‌گوید: رکود فعلی صرفاً یک تحول اقتصادی نیست، بلکه به نظریه‌سدرتس از خدا در دل مردم افتاده است. مردم آمریکا به یکباره از نچه‌ها که به عنوان آرزو و مال برای پیشرفت و ثروتمند شدن دانستند، از دست داده‌اند.

سردبیر نشریه اقتصاد می‌گوید: ۵۴ کمپانی بزرگ آمریکا در ظرف هشت سال آینده، حداقل ۴ میلیون تن از نیروی کار خود را کاهش خواهند داد. بانک مرکزی نرخ بهره را کاهش داده است. اما این مسئله نیز نتوانسته مشکل را حل کند. اگرچه به طور آشوبگر کاهش نرخ بهره محرکی برای اقتصاد می‌شود، ولی رکود کمپانی‌ها مل این امر نمی‌شود. ... برخی از ناظران اقتصاد دی‌بر این اعتقادند اگر به خاطر حمایتها یوسع مالی دولت نبود و افزایش کمپانی‌ها به مراتب وخیم‌تر از سقوط عظیم اقتصاد دی‌سالهای ۱۹۳۰ می‌شد. در آن دوره دولت حدود ۳۰٪ از درآمد خالص کشور را صرف حمایت از بانکها، صنایع و بخش مالی و اقتصاد می‌کرد. این رقم امروزه ۲۵٪ رسیده است.

رسالت ۱۶/۱۰/۷۰

بر اساس نظرخواهی انجام شده توسط نشریه تا ۷۲٪ مردم معتقدند وضع اقتصاد دنیا و خیم‌تر خواهد شد و تنها ۲۸٪ به بهبود وضع اقتصاد می‌توانند. این در حالی است که بوش با وعده یافتن راه‌های برای کاهش بدهی آمریکا بی‌وفادار است. مسائل جدید به کشورهای حوزه آسیا و اقیانوس هند خواهد بود.

سفر بوش به حوزه‌ها سفیک

سلام ۱۷/۱۰/۷۰

رئیس‌جمهور آمریکا روز سه‌شنبه وارد ژاپن شد. دیدار وی از سنگا پور، کره جنوبی و استرالیا موجب بروز یک سلسله واکنشها و مردمی‌وظایف علیه وی شد و بی‌شک می‌تواند که سفر وی به ژاپن نیز با شکست مواجه گردد. اخبار توکیو حاکی است بوش قصد دارد ژاپن را برای افزایش حجم واردات خود و قطع وابستگی آن از آمریکا تحت فشار نگاه دارد و از این طریق به منافع را کدای توکیو با ژاپن آمریکا رونق بخشد. بوش همچنین تلاش می‌کند دولت ژاپن را برای بازگرداندن بازار برنج خود تحت فشار قرار دهد. ژاپن که از نظریه تولید برنج در در خود کفایت، علی‌رغم فشارها و تهدیدات مکرر آمریکا در سالهای اخیر برای حمایت از برنج‌کاران داخلی، با ژاپن در بر روی برنج خارجی بسته‌نگاه داشته است.

یک گروه از نمایندگان اتحادیه‌های کشاورزی کره جنوبی که در تظاهرات علیه بوش شرکت کرده بودند، بر روی پلاکاردهای نوشته‌بودند مخالف واردات برنج از آمریکا هستیم. آنها در نامه‌ای که برای بوش نوشتند خواستند که از اعمال فشار در تسلیم تنگ‌نای دلانه بر کشور آزاد کرده جنوبی در تلاش برای فروش محصول کما و رزی آمریکا دست بردارد. ۹۱/۲۰٪ مردم کره مخالف گشودن بازار برنج خود بر روی رنجها هستند.

بوش از کره جنوبی خواسته تا هرچه زودتر بازار برنج‌ها را آزاد کند. بقیه درس ۲۶

اعجاز قرآن

سخنرانی آیت الله العظمی منتظری در روزا ربیعین (۷۰/۶/۹)

که در دیدار با مردم ایراد شده است



بسم الله الرحمن الرحيم

"الم ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين" سوره دوم قرآن، سوره بقره سوره "تكا" و بها اصلاح زير كترين سوره هاي قرآن هم هست در تفسير "الم" صحبتها يزيادي هست در تركيب آيه مفسرين اختلافات زيادي دارند، يكي از اختلافات اين است كه "الم" ميندا يا سد، ذلك الكتاب خير. معنايش اين مي شود كه اس كتاب سا همداين عظمتش كه معجزه است معجزه يا قيده بنا ميرا كرامت است، ان از همين است. "الم" تركيب شده، اهميتش اين است. از الف و لام موسم، از همين ۲۸ حرفي كه محور و زير بناي كلما ت و حملات شما ست و شما همه سخنان و گفتارها ان از همين الف - با است. قرآن هم از همين الف - با است. ولي معذالك جورى تركيب شده است كه سرنمي تواند مثل آن را بنا ورد، اهميت آن در اين است كه از موادى كه معلوم و واضح است براي بشر، بشود تركيب درست كرد كه عكس نتواند مثل آن را بنا ورد و يك معجزه باشد. "الم ذلك الكتاب" معني كتاب "ال زمان" "الم" تركيب شده با ان همه عظمتش.

چرا گفته شده ان كتاب ؟

"ذلك الكتاب" را در مدرسه مي خوانند ما شاره براي معني است. اما قرآن كه قريب و نزديك است، تا بسد اشاره با ان است كه مي خواهد بگويد كتاب از بس از درك و فهم ذهن بشر دور است چنانچه اشاره به "ذلك" نشود، "كتاب" و لويه حسب صورت قرآن در بين ما است. اما چون درك معاني قرآن و كيفيت اعجاز قرآن و رقاب و دقايقش از فهم ما دور است لذا به "ذلك" اشاره شده كه براي اشاره به بعيد و دور است.

احتمال هم داده مي شود بيه بنكه : در كتابها ي گذشته بشارت بيغمير اكرم و كتابش داده شده كه بيا مبرمي سد و كتابي مي آورد. "ذلك" يعني همان كتابي كه جلوتر و وعده داده ام و حالا آمده است. اين "الم" است اشاره به بعيد، معني ان كتابي كه از قديم در كتب ساله وعده و

"لا ريب فيه" شك در اين كتاب نيست كه من عند الله است، يعني چاي شك و ترديد نيست، بيغمير اكرم آنها سي كه اهل سخن بودند گفت هر كه مي تواند بنا بندك سوره مثل قرآن بنا ورد و خودي را راحت كند و آنها سي كه مخالف با قرآن و اسلام و بيغمير بودند، به هر دري زدند، هر نقشه اي كشيدند، اما اينكه يك سوره مثل قرآن بنا ورنسد و خودي را راحت كنند، فهميدند كه مردم نيستند، بنا ريج هم كه نشا ن داده كه كسي خواسته باشد، يك مسلمه هم كه خواستند گاري كنند خودي را مفتوح كردند.

شرط هدايت شدن به وسيله

قرآن

"هدى للمتقين" ان قرآن با همه اين عظمت با اينكه كتاب هدايت است اما همه ان استفاد نمي كنند. استعدادها مختلف است، افراد بشر مختلفند، همه طبقات از قرآن استفاده مي كنند، بلكه در بعضي تنخذه عكس مي دهد، "ونزل من القرآن" ان قرآن دارد: "ما هونفا" و رخمه للمؤمنين و لا يزيد الظالمين الا خسارا" ما از قرآن نازل مي كنيم آنچه را كه موجب تقوا و رحمت دلها و رحمت براي مومنين است و برا يظالمين خرابي مي آورد، ان تمام حجت مي كند كه چنانچه ان زمانه مي شود، بس همه مردم از قرآن استفاده نمي كنند.

دسته بندي مردم

اينجا خداوند تبارك و تعالي، در اول سوره بقره مردم را به دسته تقسيم کرده است :

الف - متقين

يك دسته متقين كه متقين بنا مومنين هما هنگند، تقوا و ايمان بنا هم هما هنگند و مرا تبي را ندولويه حسب مرتبه تقوا مقدم بر ايمان است هر مرتبه تقوا كه بيا بديك مرتبه ايمان مي آيد و در آيه ديگري هست كه قرآن مي فرمايد : ليس على الذين آمنوا و عملوا الصالحات جناح مما طمعو اذا آمنوا و تقوا و آمنوا و عملوا الصالحات ثم تقوا و

آمنوا ثم تقوا و احسنوا و الله يحب المحسنين. (ما شده - ۹۳) تقوا معنايش نگاهداري و حفظ است. اول ايمان باستي زبديها و بسديها خودي را ياك كند تا نورا ايمان در دلش بسا شود. دل ايمان مثل ظرف مي ماند، ظرفي كه بيا ز آب كثيف و گندیده است، اين آب خوب نمي تواند داخل بسايد، ظرفيت ندا رد. بايست اول تخليه كرد بسا اصلاح. اول خالي كرد از اخلاق زشت عصيتها، بدبينيها، دشمنيها، كينهها بخصوص عصيت هاي جاهليت و قومي، اينها مانع از ايمان مي شود. اول با بسديل را ياك كرد تا يك مرتبه اي از ايمان بسايد، يك مرتبه از ايمان كه آمد، انگيزه اي مي شود كه ايمان تقوا را زبا در مي كند، ايمان زبا در مي شود، بنا بر اين در آن آيه خداوند اول تقوا را ذكر مي كند، ليس على الذين آمنوا و عملوا الصالحات جناح فيما طمعو اذا آمنوا و تقوا و عملوا الصالحات ثم تقوا و آمنوا ثم تقوا و احسنوا... تقوا را اول مي گويد، بعد ايمان را، ولي در بعضي جاها تقوا و ايمان هما هنگند، بنا هنگند، انجا در ايمان اين مقام نبوده كه حالا تقوا مقدم بر ايمان است، لذا خداوند مي فرمايد :

"هدى للمتقين" بعد مي گويد : "الذين يؤمنون بالغيث" تقوا و ايمان با هم هما هنگند، بنا لآخره يك دسته از مردم اهل تقوا و ايمان هستند، اينها از قرآن استفاده مي كنند، در درجه اول تقوا، ايمان دلش را از تعصبها و دشمنيها ياك مي كند، آدم وقتي با كسي كينه داره، مردم مثل ا بوجهل... نه انكسه حقا نيت بسا مبررا نمي فهمند، قرآن مي گويد : "و جدوا بها و استغفنها انفسهم ظلما و علوا" (نحل - ۱۴)، دلشان يقين داشت اما انكار مي كردند، زير با ريمي خواست برود، ان اخلاق در ما خلي هست، زير با رحي نمي خواهم بروم، بس در درجه اول ايمان باستي اخلاق زشته كينه، خودبيني، تعصب هاي جاهليت، از اينها كه مانع تسليم شدن در برابر حقيقت است (ياك شود)، حقيقت دين همان "السلام" است، ان الدين عند الله الاسلام "السلام معنايش يعني

تسليم بودن و رام بودن در مقابل حق، انقياد، انسان در برابر حق رام باشد، تا وقتي كه انسان براي خودش اهميت قائل است زير با ريمي خواهد برود، تعصب داره، ان تقوا ندا رد، يعني خودي را از زوا مثل حفظ نكرده است، با لنتجه زير با رحي نمي رود، بس بايد ايمان تقوا داشته باشد، چون تقوا و ايمان هما هنگند، خدا تقوا را با ايمان معرفي کرده است، "الذين يؤمنون بالغيب و يقيمون الصلوه" خلاصه يك دسته مردم اهل ايمان، تقوا و حق هستند، ان يك دسته كه خوشا به سعادتشان، البته ايمان و تقوا مراتب هم داره.

ب - كافرين

در اينجا ۴ آيه را جعبه متقين، دو آيه را جعبه كفار داره. "ان الذين كفروا سواء عليهم ان نذرتهم ام لم تنذرهم لا يؤمنون" بنا بنكه قرآن گفت : "هدى للمتقين" مي خواهد بگويد ان كس كه كافراست ان كه دلش جا ب خورده بر باطل، كج است ان را بترساني بنا نترساني، بنا شيرنداره، بس قرآن هدايتگرين آدم نيست، "ان الذين كفروا سواء عليهم ان نذرتهم ام لم تنذرهم" مساوي نيستند، ان نذرتهم ام لم تنذرهم، بنا مبر، بترساني آنها را جعبه پشت و چينم... بي خيال هستند، در آنها بنا تا شيري ندا رد، لا يؤمنون. "ختم الله على قلوبهم"، خدا بهر زده بر دلشان، بسر حشمان، گوشان، درك حقا بق نمي كنند، دل توجه نمي كند، ان حالت انقياد و رام شدن در مقابل حق را ندا رد، دونا آيه هم خدا را جعبه كفار گفته و ان وقت سيزده آيه دنيا ليش را جعبه منافقين مي گويد.

ج - منافقين

ومن الناس من يقول امنا بالله وباليوم الاخر وما هم بمؤمنين، يخادعون الله و الذين آمنوا و ما يخدعون الا انفسهم و ما يشعرون. (بقره - ۸ و ۹) همينطور تا ۱۳ آيه، بس خدا در اول اين سوره مردم را به دسته تقسيم کرده و معلوم مي شود از همه بدتر و خطرناكتر

منا فقین هستند. دروغگوها و متاسفانه تاریخ اسلام را وقتی نشان بر سررسی می‌کند آنچه که به اسلام و دین در همه اعصار و ادوار ضربه زده، منافقین هستند. یعنی آنها بی‌که برخلاف عقیده شان عمل می‌کنند. در دلش این را حق می‌داند، بسا می‌باید اظهار هم می‌کند ولی در مقام عمومی و جاهای دیگر که می‌روند آن را به نرخ روز می‌خورد، می‌خواهد زندگی کند، نوعی از مردم اینطور هستند. متاسفانه زهد را سلام هم اینطور بوده، بی‌میر ۲۳ سال روی ملت زحمت کشید. غیر از قرآن این همه مواظب بیباک میرا کرم، را هنما شیهای بیباک میرا کرم. (ولی) بعد از بیباک میر همه اوضاع عوض شد. در روایات دارد: «الناص بعد رسول الله الا ثلاثه اربعه». بعد از پیغمبر همه مرتد شدند مگر سه نفر یا چهار نفر و این مضمون نه فقط در روایات ما هست در کتب اهل سنت هم هست در صحیح بخاری، حدیثی هست. صحیح بخاری که به نظر اهل سنت اصح کتب آنها است، بیباک میرا کرم (ص) روز قیامت می‌گوید: یا رب! صیحابی، پیرو دگارا! اصحابم پس کو؟ می‌بینند نیستند، آن اصحاب بیباک میر نیستند و جزء اهل بهشت نیستند، بعد خطاب می‌شود یا محمد تو نمی‌دانی "ما احداثا بعدک" نمی‌دانی بعد از توجه کارها می‌کردند، آنچه ضربه به اسلام زده است این است که انسان برخلاف عقیده اش برای دنیا، برای زندگی دنیا، متاع دنیا، برای مال دنیا، برای ریاست دنیا، برخلاف عقیده اش حرف بزند، دور و بر آید، اینجا یک چیز می‌گوید یا دیگر چیز دیگری می‌گوید. این مصیبت، مصیبت بزرگی است. لذا در اول سوره خداوند این همه آیات آورده، که فراز اول می‌گوید که فرمودم خیال من را حق می‌شود. حساب من را با صد تصفیه کرد. اما این منافقینند، چه بکنند، به حساب ظاهری می‌گویند من مسلمانم و بسا در دلش هم باشد اما جاهای دیگر می‌رود برخلافش را می‌گوید، برای اینکه می‌خواهد نان بخورد.

زبان نشان می‌چرخد. بی‌حوظ و بی‌بمبارت به معا ششم، دور دین می‌گردند تا ملایمی که زندگیشان می‌چرخد و نشان تئوس در می‌آید. فاذا محصوا باللبلا قلت دیانون وقتی‌پای متحان آدم و بنات تلخیص شوند دیندار خلیگی کم است. تربیتی اگر در دنیا بخواد هم موثر شود با لاترا ز تربیت بیباک میر نیست. ۲۳ سال زحمت کشیده بیباک میر، اصحاب بیباک میر هم خلیگی فداکاری کردند، در جنگها، ما بعد از بیباک میر عوضی شدند. جور دیگری شدند، مسیرشان عوض شد، دنیا این است. لذا چون نفاق خیلی ضرر دارد، و ضربه‌ای که به اسلام زده و می‌زند همین نفاق است. خداوند روی آن تکیه کرده و آیات زیاد را جمع به منافقین ذکر کرده است، سعی کنید در زندگی منافق نباشید. بر خلاف عقیده‌تان حرف نزنید، برخلاف عقیده‌تان رفتار نکنید که گناهان خلی زیاد است.

دوری از یاس و ناامیدی

این دنیا را متحان است. همیشه یک اسباب متحان بوده است، هیچوقت هم از حق ما یوس نشوید. یکی زگناهان کبیره یاس است، هیچوقت ما یوس نشوید. پای متحان همیشه می‌آید ولی آنکه مستقیم است خودش را حفظ می‌کند. اگر تنها هم ندی، زمین در ترو، نترس و وحشت هم نکن. مولا امیرالمومنین در نهج البلاغه می‌فرماید: لاتستوا حشوا فی طریق الیهدی لقله اهل، فان الناس قدا جمعوا علی ما نده شعبا قصب و جوعها طویل. (خطبه ۱۹۲ فیض الاسلام)، وحشت نکنید در راه هدایت، برای اینکه هاشم کم است. در یک خناسانی گرگی برود در سر تا سرخیا با کسی نباشد، آدم تنها بیفتد، می‌ترسد، اگر یکی دو نفر آنجا باشند با آدم نمی‌ترسد، معلوم می‌شود راه حق آنقدر خالی است و خلوت که جای وحشت و جای ترس است. علی (ع) می‌فرماید: وحشت نکنید. چون نوع مردم نیستند دنیا را آن، مرد خدا هیچوقت ما یوس نمی‌شود، کارش را، وظیفه‌اش را انجام می‌دهد. دلش محکم است و لولوتک و تنها باشد.

نگ نفر مومن مسأوی یک امت است

ابراهم خلیل الله در مقابل نمرود و نمرودیان و حتی پدر خوانده خودش استاد قرآن در حقش می‌گوید: "ان ابراهیم کان امه قانتا. ابراهیم به تنهایی خودش یک امت بود، نمرود با آن همه عظمتش وحشت کرده هم بسا و رسید همه بسا و رسید... عظمت روحی ابراهیم را می‌دانستند. از این تنهایی می‌ترسیدند. حدیثی در وسایل هست که بیباک میرا کرم (ص) فرمود: الامومن وحده حما عه. مومن به تنهایی خودش یک جمعیت است. بس مومن باشد، به وظیفه‌تان عمل کنید. به تنهایی هم یک جمعیت باشد. البته اصل حدیث را بگویم که سراداران بدان عمل کنند. دارد که یکی زگناهی که در اطراف مدینه با زن و بچه‌اش در

چا در زندگی می‌کردند، گوسفند و ... داشتند، به پینا میرگفت: یا رسول الله من بسا موفق نمی‌شوم بیباک میر مدینه به نماز جماعت شما، نماز جماعت اینقدر اهمیت دارد، می‌شود من همانجا بایستم و نماز بخوانم. (معلوم می‌شود آدمی بود که نوکرش وزن و بجهت قبولش داشتند) و آن جوپا آنها وزن و پسر به من اقتدا کنند؟ این هم ثواب جماعت است دارد؟ بیباک میر فرمود: ببله. بعد گفت: یا رسول الله حالا جوپانها هم دنیا ل گوسفند هستند. من وزن و بجهتایم در خاسسه هستیم، می‌شود بیباک میر جلوی آنها و آنها به من اقتدا کنند؟ این هم ثواب جماعت دارد؟ بیباک میر فرمود: ببله. بعد گفت: حالا بجهتایم هم رفتند در کدما کساری دارند، من هستم و وزنم، من جلویایستم زخم به من اقتدا کند؟ همین هم جماعت است؟ فرمود: ببله. عرض کرد: یا رسول الله یک وقت زخم هم کار دارد، رفتی که گاه و رابا دوش، با آتش بیزد، حالا من

با که توان گفت

با که بگویم که دردم را گشت غصه‌این ما چرا چگونه توان گفت؟ با دصا زین فسانه نجسید سرگس بیدار از غم آن خفت با دخزان هم جوداس مرگ روان شد مزرعه و باغ و دشت بر آشت قمری مهوم در گذریاد با چمن رنگ رفته چنین گفت: برستم و جو زمانه تا سف دشمن اگر گشت به دوست توان گفت خلق ستم دیده دست به دندان گوهر مردانگی ترا سف قهقهه مرگ زیر گسید ظلمت با نگ وطنن اذان صبح همی حس در دهن خاه ناله توان کرد لنگ به فراساب این نتوان گفت ساکت و معوم کرده گره میث با که توان گفت اینکه دوست مرا گشت ظلمت خورند غمض عین توان کرد؟ ظلمت طاغوت نص عین توان کرد؟ تا هد عشقم و مست می‌تاب ظلمت میخا نه روز توان کرد جام شرابی بده که فال نکورفت قصه ما روح را دوساره توان کرد هاتف غیم به گوت دوت همی گفت نا نهادار کعتی نما ز توان کرد بر تویشا رت که آه و سوز جگرا دشمن اگر گشت به دوست توان گفت بهنه تاریخ شرح قصه ما شد قسمت ما در زمانه روح و بلا شد چشم خورشید در محاق نهان شد شب پیره با زگرز ما نه ما شد

تنهایی می‌ایستم، حالا چه کنم؟ اینجا بیباک میر فرمود: الامومن وحده حما عه. مومن به تنهایی یک جمعیت است، همین که دلالت می‌خواهد که یک جماعتی باشی، جزو جماعت حق باشی، جماعتی باشی، شوکت اسلام را حفظ کنی، ولوتنها هم افتاده‌ای، خودت یک ملت، ابراهیم خودش یک امت است، الامومن وحده جماعه عرض این است که قرآن با همه عظمتش خدا می‌فرماید: (فقط) یک دسته از قرآن استفاده می‌کنند، مردم سه دسته‌اند، استفاده کنندگان از قرآن یک دسته خاص هستند، آنها بی‌که "اهل تقوا و اما ن" هستند، که آنها هم کمند. به فرمایش امام حسین (ع) کمند، اما مساهسته دوم که "کفار" اند و دسته سوم که "منافقین" هستند، نه، استفاده نمی‌کنند گاه هم ممکن است استفاده عوضی بکنند و الاسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته. انشاء الله همه‌تان موفق باشید.

به مناسبت هفدهمین سالگرد شهادت مها هجدهم مجدداً شریقا فقی

که دوست مرا گشت؟

دلبر و دلدار گشت فرا موش مهرو محبت حدیث اهل وفاتش طشت وقاحت زبا معری در افتاد رایسوی بی‌چشم و روحی ما شد جام می‌ما به خون و اشک بدل شد با که توان گفت اینکه دوست مرا گشت * * * * * در دستم دیدگان خلق به یک سو رنج بشمان بغض کرده به یک سو غربت بسوه زنان شوی نمائنده جیره گریان داغدار به یک سو بای سر از زخم زارغان و دها قین سندهستان کار کرده به یک سو سوری سلاق و خون و بغض اسارت فرسیل خدای دهر به یک سو عظم درون گلو و خا رنه چشم با که توان گفت اینکه دوست مرا گشت * * * * * غم مخورای دوست این زمان به برآید بر اثر صبر و صیبت ظفر آید دشت گلستان شوی به خون شهیدان نوبت لبخند طفل سی‌پدر آید در افق تاروشتره این شب جلوه نور شفق سرخ برآید بر در میخا نه در میا نه رندان جلوه ساقی چوماهی به در آید با رخدا با به خلوت شینها با توتوان گفت که دوست مرا گشت

چرا نشریات اسمی از دکتر آیت نمی‌برند؟

انگیزه و هدف

در جریان پیروزی انقلاب و پس از آن، تحریف‌گران تاریخ معاصر، بی‌توجهی به تحریف‌های خود به تشدید اختلاف‌های داخلی و به عبارتی وقطبی کردن کاذب انقلاب پرداختند و از همین راه وحشت و معادلات استراتژیک انقلاب را برهم زدند. امیرالمؤمنین (ع) با دی‌موموز آنها نیز جدا شده‌ها بی‌کی‌ها از آن امر سردند (۱). در این مختصر با انگیزه تخفیف قطب‌بندی‌های کاذب انقلاب و به امید از بین بردن آنها، برآیند ما در این راه‌ها مدیگری برداریم.

تحریف معارف تاریخ

همان‌طور که می‌دانستیم ۱۰ سال که از انتشار این نشریه می‌گذرد با جریان تحریف‌گر "آیت - بقای" برخورد‌های مستمری داشته‌ام (۲). با توجه به رشد انقلاب و همین‌گونه روشنگری‌ها، جریان فکری دکتر حسن آیت و شخص او در درون حزب جمهوری اسلامی روسد است و می‌رفت.

در اوایل انقلاب شهید بهشتی و حجت‌الاسلام رهنجانی به دیگر اعضای شورای انقلاب که نسبت به تفرقه افکنی آیت حساسیت داشتند گفته بودند که اگر کوچکترین مدرکی حاکی از رابطه آیت با بقای کشف شود، او را طرد خواهیم کرد (۳). در جریان اعتنا رتا مه مهندس موسوی به عنوان وزیر خارجه، آیت الله بهشتی در یک جلسه حزبی به حسن آیت گفته بودند اگر در مجلس به اعتنا رتا مه مهندس موسوی اعتراض کنند، حزب یا او بر خورد استکلاتی و وی را اخراج می‌تایم.

ملاحظه می‌شود که در آن مقطع جریان آیت روبه‌انزوا می‌رفت. از یک طرف رسد انقلاب و از طرف دیگر حذف طبیعی آیت از انقلاب و نظام و حزب جمهوری اسلامی، موجب می‌شد که نظام با کسای شده و جریان مترقی در نظام تقویت شود. در این راستا عنا صرا بقلابی بیشتر جذب نظام جمهوری به رهبری مرحوم امام خمینی (ره) شوند، مسلماً این پدیده خاری بود در چشم معتقدین به براندازی نظام و به خصوص رجوی رجوی از جذب هواداران خود به انقلاب وحشت داشت و همیشه خواهان تشدید اختلافات و دو قطبی کردن کاذب انقلاب بود (۴). و به همین لحاظ در حالی که آیت و مواضع او روبه‌انزوا می‌رفت، با ترور و افکار و مواضع را تثبیت و قطب‌بندی‌های کاذب استراتژیک را تقویت کردند (۵) تا جای که جا به مدرسین حوزه علمیه قم همه‌کنایه‌ها و را چاپ و تحریف‌های

او را روا چادند. حتی در یک مورد آشکار، سخنرانی آقای بهزاد دنیوی، تحت عنوان "نگرشی به نهضت ملی" را که اول بار سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی چاپ کرده بود، با یک درجه تحریف به نام شهید حسن آیت منتشر و بسیار مطالب آن را با یک درجه تحریف دیگر حذف نمودند.

تخلیغ مواضع آیت از طریق انتشار کتاب مقاله و رساله‌های جمعی و برگزاری مراسم بزرگداشت تا سال ۱۳۶۶ به شدت ادامه داشت. ولی ملاحظه می‌کنیم که از این سال به بعد به تدریج نا می‌بردن از وی کم رنگ و بی‌رنگ شد. به طوری که در سال‌های اخیر، نظام جمهوری اسلامی چه در مطبوعات و چه در صدا و سیما نا می‌زاد و نمی‌برد و مراسم برای بزرگداشت نمی‌شود.

این پدیده ما را برآن داشت تا تحقیق بیشتری کنیم و با بهای هم سری اجمالی در مطبوعات داشته باشیم.

با آیت در مطبوعات از ۶۱ تا ۷۰

در سال ۶۱:

در این سال، به مناسبت ولین سالگرد شهادت دکتر آیت، روزنامه جمهوری اسلامی ۴ مقاله در رابطه با او منتشر کرد. روزنامه‌های کیهان، اطلاعات و صبح از دکان نیز هرکدام یک مقاله در مورد آیت چاپ کردند. مجلات اعتنا و آینده‌ها از آن نیز هر یک یک مقاله را در بزرگداشت او داشتند. نشریه "نگهبان انقلاب اسلامی" در این سال ۷ مقاله در رابطه با شهید آیت درج کرده و مراسم بزرگداشتی در مدرسه عالی شهید مطهری و میزگرد دو روزه‌ای نیز در حسینیه ارشد برگزار شد (۶).

در سال ۶۲:

روزنامه جمهوری اسلامی تنها یک مقاله در مورد شهید آیت چاپ کرد و در روزنامه‌های کیهان و اطلاعات مطلبی در رابطه با او دیده نمی‌شود. نشریات پیام انقلاب و آینده‌ها از آن و بیک نفت نیز هرکدام یک مقاله در رابطه با او نوشتند. در این سال مراسم بزرگداشت او در مدرسه عالی شهید مطهری برگزار شد (۷).

در سال ۶۳:

در این سال روزنامه جمهوری اسلامی مقاله‌ای در مورد شهید آیت نوشت و در کنار آن گزارش مراسم بزرگداشت او در مدرسه عالی شهید مطهری نیز درج شده بود. روزنامه صبح از دکان هم مطلبی در رابطه با او داشته‌مجلات جوانان امروز و پیام انقلاب نیز هر یک مقاله‌ای داشتند. در این سال نیز روزنامه‌های کیهان و اطلاعات با سکوت از کنار سالگرد او گذشتند (۸).

در سال ۶۴:

روزنامه جمهوری مقاله کوتاه‌هی در مورد او چاپ کرد و دیگر هیچ، مراسم بزرگداشتی نیز برگزار شد. اطلاعات و کیهان همچون دو سال قبل بدون اعتنا از سالگرد او گذشتند. روزنامه رسالت در اولین سال تولدش (۶۴) با مقاله‌ای از آیت او یاد کرد. در این سال هیچ

چرا کسای که زمانی دکتر آیت را پایه‌گذار اصل ولایت فقیه در قانون اساسی و بنیانگذار "حرکت مکتبی" در برابر "جریان ملی‌گرای" می‌دانستند، دیگر از او نامی نمی‌برند.

کدام مجلات پیام انقلاب و جوانان و ... مطلبی از آیت چاپ نکردند (۹).

در سال ۶۵:

در این سال، روزنامه جمهوری اسلامی به اندازه یک تقویم تاریخ‌نیز برای آیت مطلب نوشت و گزارش مجلس بزرگداشت او در مسجد رک نیز در هیچ یک از روزنامه‌ها، حتی رسالت هم به چاپ نرسید. در این سال تنها روزنامه رسالت بود که سنگ تمام گذاشت و ۴ مقاله در رابطه با او منتشر کرد، که تنها یکی از آنها در ۱۵ شماره به چاپ رسید. این مقاله توسط آقای اسکندالیه با دامن نوشته شده بود و نام آن "شهید آیت یعنی از استقامت مکتبی" بود (۱۰).

در سال ۶۶:

در این سال دیگر نه مراسم بزرگداشتی برگزار و نه مقاله‌ای در هیچ یک از روزنامه‌ها و مجلات نوشته شد. آیت که تا ۳ سال قبل او را تا حد یکی از ستوانه‌های انقلاب و هرا اصل قانون اساسی (ولایت فقیه) با لای می‌بردند، به یکباره روبه‌طور ناگهانی ز صفحه روزنامه‌ها ناپدید شد.

آقای با دامن و روزنامه رسالت که زید و تولدش در سال ۶۴ تا آن زمان در رابطه با دکتر آیت سنگ تمام گذاشته بودند، به یکباره در این سال او را فراموش کردند و در ششمین سالگرد ترور او، کوچکترین یاد از وی نکردند. چه شد که ر "آیت یعنی از استقامت مکتبی" به اینجا رسید؟ تنها روزنامه جمهوری اسلامی و آن هم صرفاً در گوشه‌ای از تقویم تاریخ خود جای کوچکی برای شهید آیت گذاشت و این روایت که روزنامه جمهوری اسلامی تا به امروز آن را حفظ کرده‌است.

دلیل این حرکت جدید مشخص نیست و تنها حدسها می‌تواند می‌شود. بعضی معتقدند که سکوت مطبوعات در رابطه با دستگیری و اعترافات دکتر مظفر بقایی کرمانی بوده‌است. دکتر بقایی در اوایل همین سال (۶۶) دستگیر شد.

در سال ۶۷:

در این سال نیز همچون سال قبل روزنامه‌ها هیچ‌گونه یادداشتی نکردند و مراسم بزرگداشتی هم برگزار نشد و روزنامه جمهوری اسلامی نیز آیت را به گوشه کوچکی از تقویم تاریخ خود سپرد.

در سال ۶۸:

در این سال روزنامه جمهوری اسلامی همچنان به اندازه یک گوشه تقویم تاریخ به یاد او پرداخت و روزنامه رسالت نیز مقاله‌ای به قسمتی از آقای جلال الدین فارسی مشتمل بر خاطرات ایشان از آیت در سال ۵۸ را به چاپ رسانید و این آخرین مقاله بود.

در این مقاله آقای فارسی بر سبیل انتقاد گفته‌اند، عنا صری شهید آیت را "شهید" نمی‌توانند (۱۱).

در سال ۶۹ و ۷۰:

از سال ۶۸ تا کنون روزنامه‌های کثیرالانتشار کیهان، اطلاعات، جمهوری اسلامی و رسالت به مناسبت بزرگداشت او مطلبی نداشته‌اند.

دستگیری دکتر بقایی و حذف نام دکتر آیت از مطبوعات

دیدیم که جریان کم‌رنگ شدن تدریجی نام او با دستکرت حسن آیت از مطبوعات کشور از سال ۶۶ به بعد به طور چشمگیری شدت و قوت یافت. این روند برای ما بسیار رشتوا ل بر انگیز است. حضور کسانی که زمانی شهید آیت را پایه‌گذار اصل ولایت فقیه در قانون اساسی و بنیانگذار "حرکت مکتبی" در برابر "جریان ملی‌گرای" می‌دانستند به یکباره و راه کردند و مدافعان و تنها جریان رسالت شد و رسالت هم که دیگر از او نامی به میان نمی‌آورد.

برخی بن مسائل را در رابطه با دستگیری دکتر بقایی می‌دانند. دکتر مظفر بقایی کرمانی، اوایل سال ۶۶ با زداشت و شنیده شد که اعترافات و

نامه‌ای به حجت الاسلام

سید حمید روحانی

دربیده درج مطلبی در صفحه ۷۰ از چهارمین شماره نشریه ۱۵ خرداد، تلگراف زبردن را رخ ۲۶/۱۰/۷۰ از طرف مدیر مسئول نشریه را ه ما ه خطا ب به ایشان ارسال شد.

بسمه تعالی

خدمت حجت الاسلام سید حمید روحانی، صاحب امتیاز و مدیر مسئول نشریه ۱۵ خرداد،

پس از سلام،

در صفحه ۷۰ از چهارمین شماره آن نشریه (مهر و آبان ۷۰) مطلبی در رابطه با نامه منسوب به مرحوم آیت الله کاشانی به مرحوم دکتر مصدق (مورخ ۲۷/مرداد/۳۲) درج نموده و اشاره به "وجود دستخط مرحوم کاشانی و همچنین گواهی دهها تن از شاگردان صادق به صدق آن نامه" داده شد.

از آنجا که در رابطه با نامه فوق الذکر در نشریه راه ما هشدهما ره ۶۴ تحقیقات آکا دمکی انجام گرفتند و از آنجا که احتمال صحت نامه فوق منکر نمی‌شده است، لذا از شما بابت توجیه به دسترسیده اسناد انقلاب تقاضا داریم که:

اولاً: محل نگهداری اصل نامه فوق، نام، دلیل عدم انتشار این نامه طی ۲۵ سال (از ۳۲ تا ۵۷).

ثالثاً: نام و نشان دهها تن شاگردان صادق این نامه،

را برای تحقیق آکا دمک بیشتر مستخرج کنید.

تقاضای دیگری ما این است که: اولاً: لحن مطبوعاتی خود را با شئون اسلامی و انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و قانون اساسی تطبیق دهید و حداقل قبل از درج مطلبی در نشریه خود تقاضای تایید از مراجع ذیصلاح را بکنید. ثانیاً: در صورت امکان، نام و نشان دهها تن شاگردان صادق این نامه، دلیل عدم انتشار این نامه، را برای تحقیق آکا دمک بیشتر مستخرج کنید. ثالثاً: در صورت تمایل، این نامه را در نشریه خود درج کنید تا با افراد دیگری نیز ما را در تحقیقات یاری نمایند. خواهشمند است.

ثالثاً: در صورت تمایل، این نامه را در نشریه خود درج کنید تا با افراد دیگری نیز ما را در تحقیقات یاری نمایند. خواهشمند است.

با تشکر لطف الله میثمی صاحب امتیاز و مدیر مسئول نشریه راه ما ه خطا ۷۰/۱۰/۲۶

۵- شاهید رجوی جلب رضایت بنی صدر را هم مدنظر داشته است.

۶- روزنامه جمهوری اسلامی ۶۱/۵/۱۱ و ۶۱/۱۱/۱۶ - اطلاعات ۶۱/۵/۱۴ - کیهان ۶۱/۵/۱۶ - صبح آزادگان ۶۱/۵/۱۲ -

دلوزان و اندیشمندان انقلاب این است که گامهای بلند را این راه بردارند.

والسلام



۴- اعتماد ۶۱/۵/۴ - آسپند سازان ۶۱/۵/۱۱ - کیهان انقلاب اسلامی ۵/۲۸، ۶۱/۵/۱۴ - ۶۱/۶/۱۱، ۶۱/۶/۲۵، ۶۱/۶/۲۸، ۶۱/۷/۸، ۶۱/۸/۲۰ و ۶۱/۸/۲۰ - روزنامه جمهوری اسلامی ۶۲/۵/۱۱ - پیام انقلاب ۶۲/۵/۱۵ - آسپند سازان مرداد ۶۲ - یک گفت مرداد ۶۲.

۸- جمهوری اسلامی ۶۳/۵/۱۴ - صبح آزادگان ۶۳/۵/۱۳ - جوانان امروز ۶۳/۵/۸ - پیام انقلاب مرداد ۶۳.

۹- جمهوری اسلامی ۶۴/۵/۱۴ - رسالت ۶۴/۱۱/۱۱، ۶۴/۱۱/۲۵، ۶۴/۱۲/۲۵، ۶۴/۱۲/۲۶، ۶۴/۱۲/۲۷، ۶۴/۱۲/۲۸ و ۶۴/۱۲/۲۹.

۱۰- رسالت ۶۵/۵/۱۴ و ۲۷ مرداد دالی ۱۳ شهریور ۶۵.

۱۱- رسالت ۶۸/۵/۱۴، ۶۸/۵/۱۵ و ۱۶/۶۸/۵.

۱۲- مراجعه کنید به روزنامه کیهان ۱۴/۵/۵۹ صفحه ۱۰.

۱۳- مراجعه کنید به کتاب "چه کسی متحرک شد، دکتر مصدق یا دکتر بقایی؟" دفاعیات دکتر بقایی در دادگاه و رژیم شاه در سال ۱۳۴۰.

با ورقه‌ها:

۱- نمونه بارز آن انتشار نامه‌ای منسوب به مرحوم آیت الله کاشانی، خطاب به مرحوم دکتر مصدق (مورخ ۲۷/مرداد/۳۲) می‌باشد که سندیت آن مخدوش است (مراجعه کنید به راه ما ه خطا شماره ۶۴).

۲- به شماره‌ها که معرفی می‌شود مراجعه کنید. توجه داشته‌اند که ابتدا شماره مجله و سپس شماره صفحه آورده شده است. صورت: ۱۳/۴، یعنی راه ما ه خطا شماره ۱۳ در صفحه ۴. با این توضیح مراجعه کنید: ۱۳/۲۰، ۱۳/۲۱، ۱۳/۲۲، ۱۳/۲۳، ۱۳/۲۴ (قبل از انتشار طوس) ۱۳/۲۹، ۱۳/۳۰، ۱۳/۳۱، ۱۳/۳۲ (بقایی و سیاسی بقایی) ۱۳/۳۹، ۱۳/۴۰ (بقایی و احمد کاشانی) ۱۳/۴۱، ۱۳/۴۲ (بقایی و معتمدین) ۱۳/۴۳، ۱۳/۴۴ (بقایی و روزنامه رسالت) ۱۳/۴۵، ۱۳/۴۶ (بقایی و کاشانی) ۱۳/۴۷، ۱۳/۴۸، ۱۳/۴۹ (بقایی و امحان و بقایی) ۱۳/۵۰، ۱۳/۵۱، ۱۳/۵۲، ۱۳/۵۳، ۱۳/۵۴ (بقایی و کاشانی) ۱۳/۵۵، ۱۳/۵۶، ۱۳/۵۷، ۱۳/۵۸، ۱۳/۵۹.

۳- به نقل از مهین عزت الله سخاوی

۴- مراجعه کنید به کتاب "توطئه دو قطبی کردن کاذب انقلاب"، (آیست - بنی صدر) (بقایی - تراقی). تاریخ انتشار ۱۳۵۸ - سخنرانی لطف الله میثمی.

مدارک فراوانی از او در دست است. همچنین به تواتر شنیده شده است که پرونده و اعترافات دکتر بقایی را نزد مرحوم امام (ره) برده و ایشان، عنوان "شهید" را از نام دکتر حسن آیت حذف کرده‌اند.

این شنیده‌ها برای ما کافی نبود ولی با سیری که در مطبوعات داشتیم این باور قوت گرفت که امام (ره) چنین نظری داده‌اند و احتمالاً در بولتن‌های نظام جمهوری اسلامی نیز با سستی مطالبی درج شده‌اند.

از یک طرف نظام جمهوری اسلامی در یک اطلاعیه رسمی در مطبوعات، دکتر بقایی را به عنوان جاسوس معرفی نموده‌اند و از طرف دیگر رابطه تشکیلاتی آن با دکتر بقایی نیز آنکارا پذیرفته و حتی خود دکتر آیت نیز به آن اعتراف نموده است. (۱۲). لذا به نظر می‌رسد که علت حذف نام او با حذف آیت از مطبوعات همسرا با رابطه تشکیلاتی او با دکتر بقایی بوده‌اند.

ریشه‌های تحریف‌ها را می‌توان در صورتی سبکی

با توجه به فتنه‌گریهای دکتر بقایی و باران او و بعد اعتراف خودی، بخشی که در نجاشاه (آن همه‌بار) (۱۳) داشته و دو قطبی‌های کاذب و اختلافاتی که ایجاد کرده و قتل‌های بی‌گناه در بستر فتنه‌گری‌ها انجام شده، نمی‌تواند نیم‌چسرا مسئولین جمهوری اسلامی هیچ‌گونه قدمی در افتاء ما هیت و جریان او بر نمی‌دارند. شاید یک دلیل قوی برای جدا شدن ما از جمهوری اسلامی همین تا سبب‌هاست و وابستگی‌های است که نظام ما با این جریان مرموز داشته‌اند.

در حالی که قوه قضایه و وزارت اطلاعات بر اساس اعترافات بسیاری از متهمین اقدام کرده و ما حبه‌های تلویزیونی و مطبوعاتی آنها را منتشر می‌کنند، معلوم نیست چرا اسناد و مدارک و پرونده‌های دکتر بقایی که به عنوان جاسوس معرفی شده، برای مردم توضیح داده نمی‌شود.

در حالی که مواضع فکری و سیاسی این جریان هنوز در کتب بهای‌درسی مدارس دانشگاه‌های نظامی و ارتش تدریس می‌شود، آیا صرفاً یک برخورد تشکیلاتی با این جریان، مانند به کار بردن لفظ "جاسوس"، با حذف عنوان "شهیدان"، مسئله‌ای را حل می‌کند؟

در صورتی که بخواهیم ما جنبه‌های جریان‌های وابسته و مرموزی برخوردار ریشه‌های کنیم، با سستی تحلیل این جریان از رخ انقلاب مشروطیت، نهضت ملی و انقلاب اسلامی بران نقد و بررسی و پاکسازی گردد.

تقاضای قانونی ما از مسئولین جمهوری اسلامی درخواست ما از همه



پاسخ به خوانندگان

چرا دکتر بقایی را جاسوس می‌خوانند

س - مدیر مسئول محترم نشریه راه مجاهد

هما نظوری که مستحضرید مقاله ای به نام "و آیت شیفته بقایی بود" در شماره ۶۵ آن نشریه درج گردید. در مقدمه مقاله مدعی شده اید، "چهار سال قبل مشخص شد که بقا بی زسال ۱۳۲۳ جاسوس انگلیس بوده و پس از مدتی به خدمت سازمان سیا هم درآمده است. قتل از اینکتابین ادعا را از نظر سندیت به اثبات برسانیده تا ابتدای دکترا بیت از ایشان نیز انتقاد کرده اید در این رابطه سخنی درمکه میدوایم جهت روشن نمودن اذهان به جاب آن مسأله درت و رزیدتا بلکه در مورد دکتر بقا بی قضا و تئ همه جا به صورت بگرد .

سند جاسوس بودن دکتر بقا بی چیست؟ شما مدعی شده اید چهار سال قبل جاسوس بودن بقا بی مشخص گردید. اگر سندی در این خصوص دارا برسانتظار می رود آن را در اختیار خوانندگان قرار دهید. در غیر این صورت اگر با استناد به مطالب درج شده در مطبوعات بومیه پس از دستگیری دکتر بقا بی به اسن حکم رسیده اید، باید بگویم نه وزارت اطلاعات، نه وزارت کشور، نه مطبوعات بومیه هیچ دلیل مستندی در خصوص اثبات جاسوس بودن ایشان اراشک نکردند. آیا به حرف و ادعای بدون سند می‌توانند استناد کنند؟

انتقاد به خط می‌دکتر بقا بی با هر شخص دیگری چیز است ولیکن جاسوس شمردن آن چیزی دیگر. همه می‌دانند که پس از پیروزی انقلاب هر کسی که انتقاد یا اعتراضی به سیاستهای داخلی و خارجی داشته، انواع انگ و برجستارنده است و یکی از بزرگترین جریه‌ها نیز "جاسوس" و "فدا انقلاب" ویا "فدا ولایت فقیه" خواندن آنها بوده است. آیا به اسن ادعاها وجواسیبا می‌توان استناد نمود؟ ادعای جاسوسی در مورد یک فرد سیاسی نیازیبه اراشک استناد دو ندارد. منتقدان درک به نظر من جاسوس نامیدن دکتر بقا بی با ما سا خنگی است و هیچ سند و مدرکی دارا بر آن موجود نمی‌باشد.

.....

توضیح:

آقا محترم، اگر اطلاع داشته باشید، این نشریه تحقیقات زیادی در باره نهضت ملی و دستها و شیوه‌های مردموز نموده و تا حدودی آنها را در نشریه درج

کرده است. زشاهد و قرائن ایدئولوژیک و سیاسی و اعترافات خود دکترا بقا بی در نقطه عطفی تا ریخ معا صربها بن نتیجه رسیده بودیم که مواضع او نمی‌تواند جز از وابستگی شدید نشات گرفته باشد. عظمت خیانت او بر محققین منصف پوشده نیست و کاری که او کرد چندین جاسوس مزدور هم نمی‌توانستند بکنند. ولی روال نشریه همیشه بر این بود که با مواضع سیاسی ایدئولوژیک او برخورد می‌کرد تا این مواضع بسن نیروهای هوادار انقلاب با کمزری شود. پس از اینکه نظام جمهوری اسلامی اعلام کرد که او به جاسوسی اعتراف کرده است، با زروال نشریه بر این بود که از مسئولین مربوطه بخواهم استناد دو مدارک او را منتشر نمایند. معهذ در شماره ۶۵ نا خود آگاه از اسن روال عدول کرده و یکی دو بار مستقلا او را جاسوس خوانده بودیم. از طرفی اعلام جاسوس بودن بقا بی قابل قیاس با سایرین نیست. چرا که ایشان اولاً باران زیاد پرتفوی در درون جمهوری اسلامی داشت. ثانیاً به لحاظ تاریخ معا صرا و کسی بود که مورد اعتماد در صدد مرحوم آیت الله کاشانی بوده است. ما توجه به ارادت ما مخمینی (ره) نسبت به مرحوم آیت الله کاشانی و نظر نظام جمهوری اسلامی و تبلیغات رسمی نسبت به ایشان و با توجه به اینکه برخلاف تحلیل تاریخ و آموزشهای رسمی بود، بعد می‌نمود که بدون اجازه ما موبه دروغ چنین نسبتی به دکترا بقا بی داده باشند.

چاره درد

س - یکی از خوانندگان نامی نامه مفصلی شرحی ز دردهای مردم نوشته اند و ما را توییح کرده اند. در بخشی ز آن آمده است: "چرا سکوت می‌کنید؟ هدف انصاف چه بود؟ قسام آنها برای اسن بود: بعثت لاتمم مکارم الاخلاق (برای مکارم اخلاقی) و لیقوم الناس بالقسط (برای قیام به عدل و قسط)..."

چرا شما به کوجه علی‌حده می‌زنید؟ چرا فریاد نمی‌زنید؟ آیا وضع موجود را عین عدالت می‌دانید؟ نظام طبقاتی در تحصیل و مدرسه، بیچارستان و مراکز درمانی، خربند و سایل حمل و نقل و در همه موارد کاملاً مشهود است. به قول روزنامه خراسان خاتمه یک میلیاردمان نیرتهران به

فروش می‌رسد و از طرفی بی‌نوا بی، مستضعفی برای تهیه پیش کرایه، کلبه خود و همسرش را می‌فروشد... تبت پیدا بی فهد که در نماز جمعه بر می‌داندند چرا نخندند؟ کدام ماده غیبی آل صبا حوال سعود را تطهیر کرده است؟ امروز روزی نیست که ثابن کنیده آبا مطهری، شریعتی را قبول داشته باشند. شما با بدیبا مشریعتی را به مردم برسانید دیگر روزا ثبات نیست. روز فریاد است. با ورها یدینی مردم از زمان حکومت شاهنشاهی و اسلام شاهنشاهی سست تر شده است. با وضعی که به وجود آورده اند امروز اصل موضوع زیر سؤال رفت است و این بزرگترین ضربه است. خلاصه امروز اسلام به مصلحت کار روسیا سیگار نیا زندارد. به زبان علی وزیر تب در کام نیا زندارد...

توضیح:

دردها بی که نوشته اید هر روز می‌بینیم به کوجه علی‌حده هم نمی‌زنیم. اما آبا تکرار کردن اسن مصائب و دردها چاره کار است؟ همه مردم امروز با مشکلات اقتصاد، فقر، تبعیض، نومان در مواضع و... آشنا هستند. اینها مسائل نیست که بینهان بماند. اما نکته مهم این است که راه درمان و چاره را پیدا کنیم.

آیا با کنا رزیدن مسئولین فعلی و سردن امور به دست عده ایدگر از همین ردیف همه مشکلات حل می‌شود؟ مسائل که امروز شما فریاد می‌زنید، همین مسئولین ما در زمان شاه قریب می‌زدند. از عدل علی (ع) قسط و داد، تبعیض ها و ناسرینها و... اما امروز ما هدهه می‌کنیم علی‌رغم همه آن فریادها عملاً هنوز با مشکلاتی تا به ۱۵ سال قبل روبرو هستیم. اقتصاد منکی به در آمد نفت، کشاوری و سرونق، قرمول صنعتی شدن از طریق تکنولوژی و اردات سی غرب و... پیش روی ما است.

درست است که ما در قبال این وضع مسئولیم و نما بست بی تقاوت با سیم. درست است که فریاد زدن در مقابل ناسا شیبها تا حدی ما را تسکین می‌دهد و حد اقل مخالفت و انزجار ما را از مصاشی که گریبا بگیر مردم ما شده است، و شزم درد ما را با مردم نشان می‌دهد، اما نایده نگیریم که مسئولیت ما تنها اسن نیست.

در دوره انقلاب هم جریا نی بود که گمان می‌کردیم استراتژی ایدئولوژی و کار درما زوایا سلام را هنمای عمیل و برنا مهری نیان نیست و صرفاً با کنا رفتن شخص نا همه مشکلات حل شده و اسرا ن بهشت خواهد شد. اما امروز اسن سادها اندیشی پذیرفتنی نیست. هر کس مدعی است با سستی و لاریشه بی‌کنند چرا جاسوعا به این شکل درآمده است؟ علت اسایی و مکناسیم انحراف چه بوده است؟ تا نیا چه نقد بنیادی و ایدئولوژیک به سیاستها و برنا مه‌های جاری دارد؟ در همه نیروها نقطه ضعف وجود دارد.

انتقاد کردن و دست روی نقاط ضعف و ناسا شیبها گذاشتن آسان است. ولی سی با کسای و بر خورد بنیادی آنها مشکل. مثلاً برخی توسعه اقتصاد از طریق تکنولوژی غرب و استقرار سی خارچی راه حل می‌دانند، در عین حال به سیر نزدیکی به غرب و شاه فهد و حسن و حسین و سیاست خارچی جاری انتقاد می‌کنند.

کسی که اقتما درایک مقوله صرفاً علمی و کارشنا سی می‌داند، چه تضاد بنیادی با سیاستگزار بیهای موجود دارد؟ و آیا ن کسی که به میانی ایدئولوژیک اسلام موبد سرما یه داری و استعمار، انتقاد بنیادی نندارد، چگونه می‌تواند بنیادی میانه کند؟ جها طمینا نی است که از درون حرکت خودش سرما یه داری رشده نکند؟

ما ریشه بن ناسا شیبها را فقیدان اسلام را هنمای عمل و قفر و شیهای مکتبی می‌دانیم. اگر مردم در باره‌های دینی خارچی شک می‌کنند، های نگرا نی نیست طبیعی است که شک کنند. اسلام او قعی را به مردم معرفی کنید، همه طاب آتند.

بیا مشریعتی هم این بود که سلام را ستین را بشناسیم. ایشان در این اوا خربنا ماسان این بود که با یک متدولوژی صحیح روی قرآن کار کنند. مرحوم دکترا چون رعدی بود که قشار خفته را بیدار کرد. چشمه‌های زنگرشی جدید به اسلام را بیان کرد. ولی در جهت تدوین اسلام را هنمای عمل گامهای بی که برداشته‌اند سفاکانه بیان نرسید. دشمن مهلتش نداد و دوستان هم بعداً زاو کمتر همتی نشان دادند و کار نیمه نما مرها کردند.

بیا مشریعتی فقط فریاد نیست، نحول بنیادی هم هست. قرآن را راهنمای عمل سیاست و اقتصاد قرار دادن هم هست. به امید گامهای بی که در این راه برداشته شود.

حرکت مرحوم مشریعتی در حقیقت نهضت‌ها بی‌بخش بود که در زمانه ایدئولوژیک رها بی ز فلسفه، منطق و فرهنگ بیونان بود. ولی متاسفانه همین فلسفه و فرهنگ بیونان تبدیل به ایدئولوژی حاکم بر انقلاب شد و به نظر می‌رسد ریشه همه ناسا شیبها در همین جاست.

امیدواریم شما وقادارن به مرحوم شریعتی و انقلاب اسن راه را ادامه داده و نقصان را تکمیل کنید.

انتقادات

س - آقای با اسم "میرک" نامه ای فرستاده اند که در سخصی نندارد. ما را به با دانقا دگر گرفته اند که "شما خود را مجاهدان آزادی و خلق می‌دانید... چرا در برابر این همه سیعدالیتیها کت هستید و بعضاً در خط رژیم حرکت می‌کنید؟... آیا مجوز چاپ یک نشریه در فضای مه‌الودکشی و رارزش بی‌تفاوتی در برابر ظلم و ستم دارد؟ امیدوارم حقیقت را فدای مصلحت نگنید

جرات قای میثمی که سابقه مبارزه علیه شاه را دارد، در برابر شیوه‌های رایج در زندانها سکوت کرده است...؟

توضیح:
آقای "ا-میر-ک" ما در حد نشریه هم‌پا شیوه‌های رجوی برخوردار کرده ایم و هم‌پا شیوه‌های غیرا سلامی در زندانها، اگر از شما ره‌های اول تا به حال یک نظر اجمالی بیندازید، بهتر می‌توانید قضاوت کنید. در عین حال اگر ببینید شخص خاصی را به صورت مطرح کنید، شما هم مطلبتان را به صورت یک نقطه نظر استرا تریک مطرح کرده‌اید. که در نشریه به بحث بگذارد. از راه دیگر هم که امکان پاسخگویی و تبادل نظر ندا شتیم، شما هر چه می‌خواهید می‌گویید.

خاطرات دربار ره مرحوم شهید بهشتی

س- بسیارند جوانان و روشنفکرانی از نسل انقلاب که همه را با یک حبس و محرومی و تنگنا می‌دیدند. بدین ترتیب که برای افراد و گروه‌های صادق و مبارزه راه‌ها نسبت به خلق را در پیش نگرفته‌اند، به انداز همان صداقت و مبارزه‌شان هر چند در حد یک نشریه یا کافکری و غیره ارزش قائلند...

من به شما به چشم‌برادر و هم‌عقیده‌و هم‌سرنوشت نگاه می‌کردم. ما بعضی موضوعی‌ها و حرکات شما و فعالیت‌ها را سوخته‌انسان را جریحه‌دار می‌کنند.

در مورد خاطرات شما از مرحوم بهشتی، هدف از این خاطرات نویسی‌ها چیست؟ این مطلب را انقلابیون کشور می‌دانند که شخصی مثل مرحوم بهشتی فعالیت‌ها را آنچنانی در زمان رژیم پهلوی می‌دانسته است. شما در این مباحثه سعی دارید برای نشان نقشی یا لا در حد یک "ایدئولوگ" که همواره گروه‌ها را از نظر فکری و سیاسی دورا دور رهبری می‌کنند، قائل شوید و این امر خلاف واقعیت و قلب تاریخ و تحریف است و مدارک است.

لازم است در همین جا بگویم بنده اصولا ترورگر و تندگانی‌ها کمیت‌فعلی را اشتباه و به نفع خود رژیم می‌دانم و عملکردها در زمان مجاهدین را در این مورد، روش سکتاریستی و نادرستی‌ها را، ولی شما چه جایزید که سعی کنید تا نه به‌سازمان‌ها که شما شید که اوضاع فلاکت‌بار را در روز ما بدون عملکرد و مواضع دیروز آنهاست؟

آنچه از تفکر به قول شما والای مرحوم بهشتی در دسترس همگان و نسل انقلاب بوده و هست همان کتاب "شناخت اسلام" یا شراکت آقای گلزارده غفوری و مرحوم با هنراست که به جز یک سری کلیات چیزی در آن وجود ندارد... اگر عده‌ای از روشنفکران و تحصیلکرده‌ها همچنان به مکتب اسلام وفا دارمانندند، به برکت اندیشه بزرگوارانی مثل طالقانی و شریعتی و حنیف نژاد دورها بی‌ها بود. نه‌گمانی که

شما همواره سعی در تیرش آنها دارید... امثال آقای بهشتی و... به راحتی می‌توانستند نظر مرحوم آیت‌الله خمینی را به طرف نسل جوان و گروه‌های مسلمان جلب نموده‌آن همه نیروی مخلص و فداکار و صادق را برپا دهند ولی متاسفانه...

در هر صورت امیدوارم که پیش از این خود را در حدی دوی فکری و سیاسی کسانی که ملت سابقه ذهنی خوبی از آنها دارند کوچک نکنید و بدانید که این موضوعی‌ها نیز به عنوان سند انقلاب در تاریخ فردای انقلاب ثبت خواهد شد.

توضیح:
برادر، شما که منطبق "همه‌ها هیچ" را قبول ندارید و ارزشها و ضعفهای هر کس را منصفانه در نظر می‌گیرید، انتظار می‌رود در مورد مخالفین فکری خود و بی‌حاشی دشمنان همان روش عادلانه را فراموش نکنید.

در آن شما ره‌ها را تهاجی جا عنوان "ایدئولوگ گروه‌های سیاسی" یا "تفکرات والا" در مورد شهید بهشتی به کار نرفته بود. بلکه اگر یک را دیگر با دقت آن را بخوانید خواهید دید که در آنجا نقاط قوت و ضعف با هم مطرح شده است. یکی از شیوه‌های غلطی که در انقلاب مرسوم شد و در برخی موارد دست‌های مرموزی هم در کار بوده‌اند، این است که با هر کسی مخالفت‌ها را از تاریخ حذف می‌کنند. مثلا حالا وقتی تاریخ انقلاب می‌نویسند، نقش مجاهدین را در مرحله تاریخ خود را اساسا منکر می‌شوند یا اسم آیت‌الله العظمی منتظری را در سیرا انقلاب حذف می‌کنند. تاریخ گذشته‌ها تغییر ساستها عوض می‌شود.

مهندس مبشیری در این خاطرات و وقایع را آنچنان که اتفاق افتاده و خودش دیده و شنیده‌ها زگو کرده است و تحلیلی بر آن ننفرزوده است. حال با موضوعی‌های بعضی جریان‌ها مطابقت دارد. به‌نحوی، مسئله دیگری است. اینکه شهید حنیف نژاد را ابتدای کار رسیده روحا نشون مراه کرده و کم‌کم و راه‌های خواست، نظریاتی که آن موقع شهید بهشتی داشتند، موقعیتی که روحا نسبت آن زمان داشت، نقشی که مهندس بازرگان در حرکت اسلامی داشت و غیره، خبرها بی‌است که ذکر شده است. حالا اگر هر کدام را قایب‌ان بعدا عملکردهای منفی داشته‌اند، حقایق گذشته را عوض نمی‌کند.

اگر از کم‌کم و کیفیت بگذریم به هر حال شهید بهشتی در حرکت سیاسی ایران به سهم خودش نقش داشتند. مثلا ایشان جزو روحا نشون هیئت مؤتلفه بودند، ولی اسم ایشان لو نرفته‌با توجه به اینکه آن زمان روحا نشون سیاسی بسیار کم بودند، موضع ایشان قابل توجه است. اگر برخی اعضای حزب جمهوری سابق مؤتلفه اسلامی تاریخ گذشته را مطابق نظریات ذهنی خودشان تصویر می‌کنند و هیچ نقشی برای مبارزه غیر خودشان قائل نمی‌شوند، دلیل بر این نمی‌شود که ما هم غیر منصفانه قضاوت کنیم و نقش

آنها را نادیده بگیریم. ولایحرم‌کنیم نشان قوم‌علی‌الا تعدلوا و عدلوهو اقرب للفقوی (ما شده آیه ۸) بدی قومی شما را به بی‌عدالتی در برابر آنها و ندارد، به عدل رفتار کنید که این به تقوی نزدیکتر است.

اینکه می‌گویید روحا نسبت آن زمان دستاوردی و کتانی نداشت که نیازی جوانها را پاسخ دهد، همانطور که گفته شده بود عقیده خود شهید بهشتی هم همین بود و ایشان کتاب راه‌طی شده مهندس بازرگان را به عنوان بهترین کتاب به زبان فارسی در رابطه با اصول عقاید معرفی می‌کردند.

در مورد اصطلاح "پای فکری" و سیاسی هم کم‌انصافی کرده‌اید. در قسمت اول آمده بود که حنیف نژاد دویا را نش به این نتیجه رسیدند که با یستی به خودمان تکیه کنیم و شروع به کار تحقیقاتی کردند (پای دوی جریا نی‌شدند) در قسمت دوم هم اشاره شده بود که مهندس مبشیری در مورد مطلب کلیدی تقدم ایمان بر شناخت با شهید بهشتی اختلاف نظر داشته‌اند و به ما حثه می‌پردازند. تا بد اصطلاح "پای دوی" را شما از روی نا را حتی عنوان کرده‌اید. ضمنا توجه دارید که استقلال فکری بدین معنی نیست که با دیگران رابطه و برخورد ایدئولوژیک نداشته‌باشیم.

اما از همه‌ها گذشته، از اینکه دلنوا ته‌وصریح ما برخوردار کرده و تذکرها داده‌اید، بسیار بسیار گرامی و امیدواریم در باره همین مطلب هم ما را از این شیوه‌ها زنده خودتان محروم نکنید.

امیدواریم همه‌ها طرا تهاجی را بگویند تا نسل بعدی بتواند با اطلاعات وسیعتری قضاوت کند و از زبان مستشرقین و غربی‌ها "داستان انقلاب" بی‌بی‌بی، نخواهیم انقلاب را بسازیم.

اشتهامات و انتقادات

س- یکی ز هموطنان هوادار مسعود رجوی نامه‌ای خطاب به شما نوشته‌اند که بر اساس القاب توهین آمیز و... ز قسمل: مزدور، فروما، به، فاسد، بدتر از ما و اک، خیانکار و... که طبیعا با سخنی ندارد.

در این نامه سر برنا سزا و شهید که نویسنده‌اش خود را به عنوان "انقلاب‌رها بی" معرفی کرده است، تنها موارد زیر را قابل برخورد با قسیم، نویسنده در چهار محور زیر همرا ه‌فحاشی به ما انتقاد کرده است:

- ۱- حمله به رهبری سازمان.
- ۲- هواداران را از حرکت بازمی‌داری.
- ۳- برداشتهای مبارزاتی هواداران را بر علیه دیکتاتوری‌ها کم‌برابران ازیند مخدوش و منحرف می‌بازی.
- ۴- جه مستقیم و غیر مستقیم موقعیت هواداران سازمان را در اختیار ریلیس قرار داده و می‌دهی.

ج- آقای "انقلاب‌رها بی" با این امید که زیاده‌نبرد با شید اصل پایدار مجاهدین "انتقاد و انتقاد پذیر" بوده است.

۱- حمله به رهبری سازمان: بهتر بود به جای کلمه "حمله" از انتقاد استفاده می‌کردید تا بعدا قضاوت‌ها با شما، اما انتقاداتی که گفته‌اید کم‌کم میک و واقعیت ندارد؟ اینکه گفته‌اید رجوی سرنوشت خود را بسا سرنوشت صدام بیوندر زده است؟ یا اینکه همراستا با جناحی زنگره آمریکا و انگلیس حرکت می‌کنند که در راه دی‌وی مجاهدان خبارش را با افتخار نقل می‌کنند؟ یا اینکه گفتیم اولین با رجوی اعلام کرد که طلی‌ترین دشمن آیت‌الله العظمی منتظری است؟

اگر در جمهوری اسلامی هم جریا ناتی خط مشی سازشکارانه را داشته‌اند دلیل بر تیرش رجوی نمی‌شود. آیا موردی سزاغ‌دارید، حتی یک مورد، که رجوی اشتباهات بزرگ و حتی اشرفات استرا تریک خود را شخصا به عهده بگیرد؟ حتی قضیه پیشما زکردن بهمن بازرگان، بعدا زتغییر ایدئولوژی و مارکسیست‌دن را در زندان قصر سال ۵۱ که بعدا بر ملا شد و نقش رجوی هم مشخص شد، به عهده نگرفت و در تحلیل بعد از انقلاب ضمن اعتراف احواری به این قضیه، آن را هم به گردن سازمان انداخت و به عنوان یک ایورتونسم تشکیلاتی قلمداد کرد.

اگر در ایران برخی ولایت مطلقه را به معنی وجود یک انسان بدون خطا و مطلق تفسیر می‌کنند، ولی رجوی عملا خود را مصداق این عنوان قرار داده است. اخیرا هم در مراسم زره، احوالهای فریب خورده به بی‌سوسی او سر داد و خند و هم مما نعتی نکرد. به دلیل همین مطلق فرض کردن رجوی، نفس انتقادها و حرم تلقی می‌شود.

۲- گفته‌اند هواداران سازمان را از حرکت بازمی‌داریم. ما که نه ارتش داریم نه لشکر، نه مکاناتی غیر از قلمرو استدلال، کما اینکه در محروم می‌گویید سرداشتهای هواداران را مخدوش و منحرف می‌کنیم.

درواقع مبارزه سیاسی ایدئولوژیک است. حال اگر آقای رجوی تئوریک از عملکرد و خط مشی خود را نه نمی‌دهد، و در سازمان انسجام ایدئولوژیک وجود ندارد که ما چندا نتقاد قلمی، هواداران را نش از حرکت بازمی‌کنند، جاره چیست؟

طبعی است که در یک مبارزه سیاسی ایدئولوژیک به اشخاص اصول برتر و منسجم‌ترینها زاست و نه حقایق و تفکیر و قوای منطقی. اگر هواداران شما در برابر منطق برتر عقب نشینی می‌کنند، چنانچه به قول شما آتش سلاچر حرم آقای رجوی هم‌دهان ما و امثال ما را ببینند، باز در مقابل واقعیت و تاریخ عقب نشینی خواهند کرد.

رئیس جمهور کره در پاسخ به این تقاضا خواستار رد کردن آمریکا در باره وضعیت نامساعد کنونی کشورش شد. رئیس جمهور کره از هرگونه شائبه به گشودن بازارهای کشورش به ویژه بازاری برنج به سوی آمریکا خودداری کرد.

رسالت ۷۰/۱۰/۱۸

جیمز بون و وزیر دفاع ریگان در انتقال دیدگاه استراتژی اقتصادی دولت بوش میگوید: "قدرت اقتصادی دیوانه‌گری مستقیمی با امنیت ملی دارد. بوش و دیگران، این نکته به ویژه وابستگی آن را به ظهور ژاپن، به ژاپن دست می‌کنند. (آمریکاییان) تا دیروز جمعاً ما (آمریکاییان) را بی‌نیاز از این طی دو دهه قدرتمندترین اقتصاد جهان را دارا خواهد شد.

ژاپن دست از حمایت خود از بازارهای داخلی بر نمی‌دارد و روسیه با کالاهای خود را با قیمت پایین تر روانه خارج کرده است. و بدین ترتیب رقابتی در بازار داخلی برده تا جایی که تنها کالای در دسترس، کالای ژاپنی است. بوش و متحدانش ما بلندآنان را "تجارت آزاد" ستا می‌کنند.

کاهش ارزش دلار برای دلار در سال ۱۹۸۵ که با موافقت آمریکا بود به ژاپن اجازه داده می‌شود که دلارهای اضافی را صرف خرید داراییهای سرمایه‌ای آمریکا بکند. اقتصاددانان طرفدار "تجارت آزاد" نگرانیدمورد موج خریدهای ژاپن را غیرموجه می‌دانند و معتقدند این امر تولیدشغل می‌کند و به این موضوع توجه ندارند که سودهای حاصله از این کار به ژاپن برمی‌گردد و از این سودها دوباره برای خرید داراییهای سرمایه‌ای بیشتر استفاده می‌شود. در روزگار قدیم این را "استعمار" می‌خواندند.

سلام ۷۰/۱۰/۱۴

در برابر اقتصاد دیوانه‌گری ژاپن و آن که زمام آن اقتصاد دیرینان بوده است، تلاشهای بوش را برای ترغیب ژاپن به گشودن بازار خود بر روی کالاهای آمریکا بی‌فایده معرفی کرد. وی نوشت: برای چند هزارمین بار است که آمریکا خواهان کاهش کسری تجاری خود در مقابل ژاپن می‌شود و تلاشهای بوش در این زمینه چیزی جز بی‌اعتبار شدن آمریکا در جهان خارج و بی‌اعتبار شدن بوش در داخل به ارمغان نخواهد داشت.

روزنامه‌ها به لیبی و لیبی‌ها حتی احتمال وقوع یک جنگ مسلحانه بین آمریکا و ژاپن بر سر مسائل اقتصادی را رد نکردند. این روزنامه‌ها نوشتند: دولت مردان آمریکایی نشان داده‌اند که هر زمان که با سپین آمدن سطح زندگی مردم آمریکا در میان بوده است، آنها درگیر شدن در جنگ مسلحانه را ترجیح داده‌اند. این روزنامه‌ها تاکید کرده‌اند که ژاپن و آمریکا هیچ‌گاه همدیگر را درک نکرده‌اند.

رکود اقتصادی آمریکا



رسالت ۷۰/۱۰/۲۱

اعضای کابینه کنفرانس آمریکا بوش به کشورهای آسیایی با ناسوفق داشتند. سنا تورما رکس گفت: اقتصاد آمریکا با سرعت کم باقی‌مانده است.

می‌رود و بوش کوچکترین راه حلی برای آن ندارد. اکثر تحلیلگران می‌گویند: دستاوردهای بوش تنها خراشی است بر سطح اختلاف ترازی آمریکا. ۴۱ میلیارد دلار آمریکا و ژاپن، ۲۰ میلیارد دلار آمریکا و ژاپن با ورود بوش به آمریکا اعلام شد که ۸ میلیون و ۹۰۰ هزار نفر بوش را ستایند. مدیران سده‌ها و اتومبیل سازی آمریکا (کرایسلر، فورد و جنرال موتورز) بوش را در این سفر همراهی می‌کردند. مدیر کمپانی کرایسلر گفت: هیچ توافق جدی به دست نیامد.

۷۵٪ کسری ترازی آمریکا ۴۱ میلیارد دلار شوکیو - واشنگتن ناشی از صادرات اتومبیل و قطعات بدکی اتومبیل ژاپنی به آمریکا است.

مدیر کمپانی کرایسلر بطوری سخنانی شدیدترین حملات را متوجه ژاپن ساخت و گفت: آمریکا با ابزار همه‌سلاحی خود علیه ژاپن بهره‌گیری از اختلاف ترازی با ژاپن را برای برکنار کردن آنها می‌کنند. یک مستعمره با آمریکا برخورد می‌کنند در حالی که مواد غذایی خود را روسی‌ها از آمریکا تأمین می‌کنند و آنها فقط اتومبیل و وسایل الکترونیکی به آمریکا می‌فروشند.

بقیه الجزایر، سرزمین صبر و قیام

استدلال آنها این است که چون حرکت اسلامی، هویت "مکتبی" و "اسلام مدون" و "راه‌های عمل اقتصادی دوساقت و ... ندارد، در نهایت به وضعیت فعلی ایران خواهد رسید. وضعیت که مکتب در امور اجتماعات نقش پیدا کرده و تمام امور از راه‌های یک‌رشته‌ای و اقتصاد مکتبی به نفع حل و فصل گردد. بنا بر این استدلال در این سرزمین طبیعی است که کارشناسان غرب به بیست و نهمین می‌رسند.

به نظر می‌رسد که مقاومت غرب به دو دلیل زبر باشد:

اولاً زمان لازم برای اینکه یک انقلاب ازینا نسل اوله‌ها آن نیروی عظیمی به سمت مبارزه برود، کم نیست. در این مدت ضربات زیادی به منافع غرب خواهد خورد و آنها می‌بخشند حرکتها ازینا دی‌خواهد شد. نظیر آنچه در ایران اتفاق افتاد. چون "حمله به لانه جاسوسی"، "دفع تجاوز"، "بستن سفارتخانه‌ها"، "تظاهرات مکه" و ...

ثانیاً، میراث لیبرال‌ها سم‌دارند که در این اثناء مملکت به خود ادامه داده و توجیه دستاوردهای انقلابات اسلامی را مدرا سلام تا انقلاب اسلامی ایران، به مجموعه "اسلام راه‌های عمل" دست‌بایند آنها نیک می‌دانند که اگر مسلحانان به چنین مجموعه‌ها را عملی‌ها به‌بند کنند، از آن چنان‌ها می‌برخورند. خواهند که هیچ‌سلاحی را برای مقاومت در برابر آن نیستند. این راه می‌دانند که این کار در دربار در حال انجام است و دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران در این راه کم‌نیوده است.

و عددی دوستان و رفقا کم می‌شوند، ولی کیفیتها هم بالا می‌رود. مشکل انقلاب هم کمبود نیرو نبود، بلکه فقدان کارکنان مکتبی و همه‌جانبه و کیفی بود و هست. کسانیکه بتوانند در شرایط سخت و غربت هم استوار بمانند.

۳- برای مقابله با جوساقت و منجلاط ما دست که محیط اطراف ما را فرا می‌گیرد، به نظر می‌رسد در شرایط بی‌ایمنی و وضع‌بیدار کردن تحلیل صحیح مردم و رفقا در درجه اول لازم است که ویژگی‌ها یا پدیده‌ها را در مردم و آنان را شناسیم. همچون برخی که دید سطحی و مقطعی دارند. مردم را فاقد درک و طلب و آنان به نرخ روز خور خواهند بود. این مسئله به‌تدریج بر ما حاکم شده و بعد هم خواهی‌نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو.

اینجا است که به یک ایدئولوژی صحیح‌نبا زداریم که ویژگی انسان را درست بشناسد (در این زمینه به شماره مقاله‌های بی‌اختلافات و روشن‌تحلیل در راه مجاهدات ۲، ۳، ۴ و ۶ و مقاله ویژگی انسان ۳۱ و مقاله انسان عاشق ۳۹).

۴- از همه اینها که بگذریم هم‌بیک مکتب و اصولی‌نبا زداریم که راه‌های عملی عملمان در شرایط مختلف باشد و تابع شرایط نشویم. متاسفانه در طول جنگ و انقلاب کمتر به فکر این نباریم. بسججها بودیم و فقط از فقه‌کاران آنها استفاده‌دهد. اکنون خود بسججها همان طور که در جنگ عمل کردند، با بستن دستها را بالا زده‌وبه این امر مهم پیردازند. "منتظر دیگران نشستن مرام بسجج نیست"

در گم‌شوم، ما او تن تدا و در حل ضربه سال ۵۴ را در فتنه و ناسزا به راست و چپ خلاصه کرد.

رفقا هم غریبه شده‌اند

۱- در محیطی که خون حرف از تفکر بسججی و امامی‌میزی... احساس می‌شود حداقل جوانی است که ناسزا می‌کنند، در جوی که حتی دوستانه رفقا به هویت اصلی خود را فراموش کرده‌اند و در محیط شهرها حل شده‌اند، حال به هر دلیل، در محیطی که به قول نویسندگان گمانه‌ساز روی دیوارها "اسکر ۲۷ دو کوه‌که: شهدا" رفقا هم غریبه شده‌اند. "حتماً با بدنه نیرو و سلاحی مجهز بود که در مسایق به منجلاط ما دست و درون گرا بی‌سقیمت. یا بدیهه چیز به چه ترتیبی مسلح شد؟ تکلیف را چه می‌دانید؟ توضیح:

برادر، ضمن آرزوی مسرا بنحالی در برافراشته‌های چندجانبه، با بدیادآوری چند مسئله برای ما و شما خالی‌زفا شده‌اند:

- ۱- این شرایط گذراست. به‌باید آورییم موقعیت مبارزین را که هم‌اکنون در نقاط مختلف دنیا در کنج‌زندانی‌ها به سر می‌برند، نه تنها در غربت و ناز و بلکه در زیر فشار شکنجه‌های جسمی و روانی مقاومت می‌کنند. در ایران خودمان به ۲۰ سال قبل برگردیم. زمانی که جوساقت عمومی‌ها و رفقا با انقلابیون و مبارزین هماهنگ نبود. مطالعات حالات گذشته، امروز دید وسیعتری به ما می‌دهد.
- ۲- در شرایط سخت‌گرچه زلحاح کمی

بقیه پاسخ به خوانندگان

با بدجاری‌ها ما بی‌سدا کرد. تنها راه این است که در شوه عمل و افکار خود تجدید نظر کرده‌وبه‌سنا ما بسدا رو قابل برخورد دست پیدا کنید و از زبانی فراموش شده‌ها همدان اولیه‌ها احیاء کنید.

۳- اما اینکه گفته‌اید موقعیت هواداران سازمان را در اختیار ریلیس قرار می‌دهیم، در گذشته هم ژاپن ما رکها شنیده بودیم. هر کس به رجوی که استناد می‌کرد، به جای یا سخگویی‌ها استناد می‌کرد. به‌همکارها ساواک و بریدگی و جاسوسی متهم می‌کردند. استدلالی هم‌این بود که در راه مبارزه با دشمن ما بیست و نهمین است.

اما این گونه قیاسها دیگر در قلبها جای نمی‌گیرد. بیست و نهمین به‌شعار و ادعا نیست. بسججی زویژگی‌های بیست و نهمین است. انتقاد بدیبری و اصلاح مستمر است. بیست و نهمین که ما را رک و تهمت و جوساقتی بیش رود، جز عقب‌نشینی مستمر در برابر منطق و ایدئولوژی واقعی‌ها ندارد. در پایان ما میدویم که با زنگری منقانه به گذشته‌بنا بسوسر بر خورد ما بسا رجوی را با دقت بررسی کنید و بعد بسجج قضاوت بنشینید.

ما نه‌سا و اکی بودیم، نه‌ارتجایی و نه‌میراث لیستی‌ون‌سرمایه‌دار و بازاری از یک راه‌ویک سازمان بودیم. اختلاف از اینجا شروع شد که گفتیم به جای اینکه ضعفهای خودمان را به‌گردن دیگران بیندازیم، بیست و نهمین و اصلاح در درون بنما کنیم و هم‌زمان، با دشمن اصلی

مجموعه نظریه‌ها

کتاب توسعه

مهندس عزت‌ا... سجایی - دکتر سیاوش گلابی - احمد حبیبی - دکتر ابراهیم رزاقی
نوشین احمدی خراسانی - علی رجائی - دکتر ابتکار - علی دینی - پرویز شهریاری
دکتر مصطفی ازکیبا - دکتر ابراهیم فیوضات - جواد موسوی خوزستانی



P. DEVELOPMENT
نشر توسعه
۱۳۷۰

عنوان: کتاب توسعه (مجموعه نظریه‌ها)
نویسنده: جمعی از صاحب نظران
ناشر: نشر توسعه
چاپ اول: زمستان ۱۳۷۰
بها: ۶۰۰ ریال
در این کتاب نظریات عمده‌ای از صاحب نظران، منجمله مهندس عزت‌الله سجایی و دکتر ابراهیم رزاقی درباره توسعه و رشد اقتصادی کشورمان آمده است. مطالبی تحت عنوان: استراتژی‌های توسعه - آیا توسعه مستقل امکان پذیر است؟ - تئوری مپریا لیسمن - نقدی بر کتاب (سیطره جهان) و... در کتاب دیده می‌شود.

ناشران و نویسندگان محترم میتوانند آثار خود را جهت معرفی برای ما ارسال دارند.

به یاد آن روزها...

سالگرد شهادت مجاهد شهید مجید شریف واقفی گرامی باد ۵۴/۲/۱۶

مسئله ما عمیق تر از
این است که صرفاً یک
تشکیلات بوجود بیاوریم.
مشکل ما حل نخواهد شد.
مسئله این است که
با بده "دین" و "علم"
و با بده "قرآن" و "علم" را
بیدا کنیم.
مجاهد شهید مجید شریف واقفی

